



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

تفسیر موضوعی سوره الجاثیه

(رساله ماستری)

محصله: کرشمه "نعیمی"

استاد رهنما: دکتور عبدالباري "حمیدی"

سال: ۱۴۰۲ هـ. ش – ۱۴۴۴ هـ. ق



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



امارت اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

رساله‌ی ماستری

تفسیر موضوعی سوره الجاثیه

محصل : کرشمه "نعیمی"

استاد رهنما : دکتور عبدالباري "حمیدی"

سال ۱۴۰۱ هـ ش - ۱۴۴۴ هـ ش

الحمد لله
البرحمين
م



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

د پیاوړتیا د تفسیر و حدیث

بورده ماستری

تصدیق نامه

محترمه کرشمه بنت محمد نعیم ID: SH-MST-99-734 محصله دور ششم تفسیر و حدیث
که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: تفسیر موضوعی سوره الجاثیه
به روز ششم تاریخ ۱۹ / ۹ / ۱۴۰۱ هـ ش موفقاته دفاع نمود، و به اساس
بررسی هیات تحکیم مستحق ۸۸ (نمره به عدد) هشتاد و هشت (نمره به حروف) گردید.

موفقت شان را از الله متعال خواهیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	استاد شکرالله مخلص	عضو هیات	
۲	دکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی	عضو هیات	
۳	دکتور عبدالباری حمیدی	استاد رهنا و رئیس جلسه دفاع	

معاون علمی

آمر بورده ماستری

اهداء

این پایان‌نامه را که غرض نیل به درجه‌ی علمی ماستری نوشته شده اهداء می‌کنم:

به مهربان‌ترین همراهان زنده‌گی‌ام، پدر و مادرم که حضورشان همیشه گرمابخش روح من بوده است و تمام اعضای خانواده‌ام؛

به همسر عزیزم که همیشه در زمینه‌ی رشد معنوی‌ام در زنده‌گی حامی‌ام بوده است؛
به همه‌ی استادان بزرگوارم که بنده را همواره چه مستقیم و چه غیر مستقیم در کسب علم و دانش یاری رسانده‌اند، آنانی که فروغ نگاهشان و گرمی کلامشان و شرینی زبانشان سرمایه‌های زنده‌گی جاودان هستند؛

به همه‌ی دوستان و همراهانم به‌ویژه آنانی که بنده را در عرصه‌ی از عرصه‌های زنده‌گی یاری کرده‌اند؛

به همه‌ی دوستداران علم و معرفت و خصوصاً حافظان قرآن کریم و به تمام امت اسلامی.

سپاس‌گزاری

سپاس‌ خدای بزرگ را که مرا یاری رساند تا بتوانم این مقطع تحصیلی را به اتمام برسانم و رساله‌ی خویش را به تحریر آورده و گامی در راستای اعتلای علم بردارم.

جا دارد که از وزارت محترم تحصیلات عالی کشور اظهار امتنان نمایم که زمینه‌ی آموزش مرحله‌ی ماستری را در افغانستان فراهم ساخته است. و تشکری خاص می‌نمایم از استادان پوهنتون سلام و دست‌اندرکارانِ بُورد ماستری که توانستند با فراهم ساختن زمینه‌ی تحصیل در مقطع ماستری در عرصه‌ی علوم اسلامی مصدر خدمت واقع شوند، و تمام اساتید گرامی‌ام که در طول دوره‌ی تعلیمی و تحصیلی به من رهنمایی و همکاری نمودند.

آن‌چنان‌که آشکار است تهیه و تدوین یک اثر علمی بدون همکاری و رهنمایی اساتید بزرگوار و دانشمند ممکن و میسر نیست بجا می‌دانم تا از زحمات و همکاری‌های بی‌شائبه و همه‌جانبه‌ی استاد رهنمای خویش محترم پوهاند دکتور عبد الباری حمیدی که با راهنمایی‌های دلسوزانه‌ی‌شان این تحقیق تدوین گردیده است، اظهار سپاس و امتنان نمایم.

خلاصه

موضوع محوری سوره‌ی الجاثیه تأسیل و ترسیخ عقیده‌ی اسلامی، عناصر و ارکان سه گانه‌ی آن مَطْمَح نظر می‌باشد. این سوره اصول اساسی عقیده‌ی اسلامی را در هفت مقطع بیان و روشن می‌سازد.

در مقطع نخستین که شامل (۶) آیت می‌شود از وضوح و وضاحت قرآن کریم، و اثبات وجود آفریدگار و یکتایی الله، و شش دلیل از دلایل توحید و قدرت‌ش یاد آوری می‌شود که هر یک از این اوصاف، دلیل توحید، و بیانگر کمال رحمت و علم و قدرت آن ذات واحد و لا شریک است.

در مقطع دوم و عید و تهدیدی سخت برای تکذیب‌کننده‌گان نشانه‌های الهی و عذاب آن‌ها بیان شده و سپس خاطر نشان ساخت که سزای آنان دوزخ است، و بتان و معبودان دروغین هیچ سودی به آن‌ها نمی‌رسانند، و قرآن تنها کتاب هدایت‌بخش و روح‌پرور است که از گمراهی نجات می‌بخشد. در مقطع سوم درباره‌ی نعمت‌های گران‌قدری که خداوند به بنده‌گانش داده، سخن به میان آورده است، تا او را سپاس‌گزار باشند و در مورد نعمت‌هایی که به آن‌ها ارزانی داشته است بیندیشند، و دریابند که منبع و مصدر این نعمت‌های ظاهری و باطنی تنها ذات خدا می‌باشد، و جز الله خالق و روزی دهنده‌ی نیست. در آیات مقطع چهارم قرآن از رهبری مؤمنانه‌ی بشریت صحبت می‌کند. این رهبری سر انجام در رسالت محمدیه متمرکز می‌شود. به اختلاف بنی‌اسرائیل اشاره می‌کند و بیان می‌دارد چگونه بعد از آن‌که خدا برای‌شان کتاب و حکومت و نبوت داد، درباره‌ی کتاب‌شان اختلاف ورزیدند.

در مقطع پنجم تفاوت نیکوکاران و بدکاران در دنیا و آخرت ذکر نموده و بر جدایی قاطعانه میان حال کسانی که مرتکب بدی‌ها می‌شوند، و میان حال کسانی که کارهای نیکو می‌کنند و مؤمن هستند. حکم می‌کند.

در مقطع ششم ذکر حال مادی‌گرایان و انکار قیامت است که به بیان باورهای جاهلانیه‌ی کافران درباره‌ی عقیده‌ی آخرت پرداخته شده است. آنان می‌گفتند زنده‌گی تنها همین زنده‌گی دنیا است و بس. و پس از این زنده‌گی دیگری وجود ندارد. ما به سبب گردش ایام چنان می‌میریم که گویا یک ساعت از حرکت باز می‌ایستد. پس از مرگ هیچ روحی باقی نمی‌ماند که قبض شود و مدت‌ها بعد بار دیگر در کالبد صاحبش دمیده شود. اگر چنین ادعای دارید، نیاکان مرده‌ی ما را زنده کنید و به زنده‌گی بازگردانید. سپس الله متعال آن‌ها را با پیشکش کردن دلیل‌نهایت قاطع - که پاسخی به پرسش‌شان بود - تنبیه نموده است.

در مقطع هفتم و آخری از آیات سوره، پاداش مؤمنانِ فرمان‌بردار و سزای کافران سرکش بیان شده و سوره با یادآوری جزای عادلانه‌ی روز قیامت که در آن روز انسان‌ها به دو فرقه تقسیم می‌شوند: گروهی در بهشت جای می‌گیرد و گروهی روانه‌ی دوزخ می‌شوند، خاتمه یافته است.

واژه‌های کلیدی: الجائیه، سوره‌ی الجائیه، تفسیر موضوعی.

فهرست مطالب

صفحات	عناوین
۱.....	مقدمه
۲.....	اسباب اختیار موضوع
۲.....	اهمیت موضوع
۳.....	سوالات تحقیق
۳.....	پیشینه‌ی تحقیق
۴.....	اهداف تحقیق
۴.....	روش تحقیق
۵.....	مشکلات تحقیق:
۶.....	خطه و پلان تحقیق

تمهید

کلینت و مفاهیم

۹.....	موضوع اول: تعریف تفسیر و تفسیر موضوعی قرآن کریم:
۹.....	فرع اول: تعریف تفسیر در لغت و در اصطلاح
۱۱۱.....	فرع دوم: تعریف تفسیر موضوعی:
۱۴.....	فرع سوم: نشأت و پیشینه تاریخی تفسیر موضوعی
۱۵.....	فرع چهارم: انواع تفسیر موضوعی
۱۶۷.....	فرع پنجم: فواید و اهمیت تفسیر موضوعی برای سوره‌های قرآن کریم
۱۸.....	موضوع دوم: تعریف سوره‌ها
۱۸.....	فرع اول: تعریف لغوی واژه‌ی سوره
۱۹.....	فرع دوم: تعریف اصطلاحی سوره
۱۹.....	موضوع سوم: ویژگی‌های تفسیر موضوعی سوره‌ها
۲۰.....	موضوع چهارم: اهداف تفسیر موضوعی قرآن کریم
۲۳.....	موضوع پنجم: معرفی سوره‌ی مبارکه‌ی جاثیه
۲۳.....	فرع اول: نام و وجه تسمیه‌ی سوره‌ی جاثیه:
۲۴.....	فرع دوم: زمان و محل نزول و ترتیب آن:

- فرع سوم: تعداد آیات، کلمات و حروف سوره‌ی مبارکه‌ی جائیه ۲۴
- فرع چهارم: مکی یا مدنی بودن سوره‌ی جائیه ۲۵
- فرع پنجم: موضوع و محور اساسی سوره‌ی جائیه ۲۶
- فرع ششم: فضایل سوره‌ی جائیه ۲۶
- موضوع ششم: مناسبت در میان سوره‌ها و اهمیت آن ۲۷
- فرع اول: تعریف مناسبت در لغت و در اصطلاح ۲۷
- فرع دوم: اهمیت علم مناسبت در میان سوره‌ها ۲۸
- فرع سوم: مناسبت سوره‌ی جائیه به ماقبل و مابعد ۲۹

مقطع اول

مصدر قرآن و اثبات وجود آفریدگار و یکتایی او (آیات ۱ - ۶)

- موضوع اول: بیان مناسبت ۳۳
- فرع اول: مناسبت آیات این مقطع با موضوع سوره ۳۳
- فرع دوم: مناسبت آیات این مقطع با آخر سوره‌ی ماقبل ۳۳
- موضوع دوم: ترجمه و تفسیر اجمالی آیات و فایده ۳۴
- فرع اول: ترجمه‌ی آیات ۳۴
- فرع دوم: تفسیر اجمالی آیات ۳۴
- فرع سوم: فایده ۳۷۶
- فرع چهارم: تفسیر نکات مهم مقطع ۳۷
- فرع پنجم: معنی کلمات ۳۹۸
- موضوع سوم: احکام و اندرزهای استنباط شده از مقطع ۴۰

مقطع دوم

وعید تکذیب‌کنندگان نشانه‌های الهی و عذاب آن‌ها (آیات ۷ - ۱۱)

- موضوع اول: بیان مناسبت ۴۲
- فرع اول: مناسبت آیات این مقطع با محور سوره ۴۲
- فرع دوم: مناسبت آیات این مقطع با مقطع گذشته ۴۳۲
- موضوع دوم: سبب نزول، ترجمه و تفسیر اجمالی آیات ۴۴۳
- فرع اول: سبب نزول ۴۴۳

فرع دوم: ترجمه آیات	۴۴۳
فرع سوم: تفسیر اجمالی آیات	۴۴
فرع چهارم: فایده	۴۶۵
فرع پنجم: تفسیر نکات مهم مقطع	۴۷۶
فرع ششم: معنی کلمات	۴۸
موضوع سوم: احکام و اندرزهای استنباط شده از مقطع	۴۸

مقطع سوم

برخی از نعمت‌های پروردگار بزرگ بر بنده‌گانش (آیات ۱۲ - ۱۵)

موضوع اول: بیان مناسبت	۵۲۱
فرع اول: مناسبت آیات این مقطع با محور سوره	۵۱
فرع دوم: مناسبت آیات این مقطع با مقطع گذشته	۵۲۱
موضوع دوم: سبب نزول، ترجمه و تفسیر اجمالی آیات	۵۳۲
فرع اول: سبب نزول	۵۳۲
فرع دوم: ترجمه‌ی آیات	۵۳۲
فرع سوم: تفسیر اجمالی آیات	۵۴۳
فرع چهارم: تفسیر نکات مهم مقطع	۵۵۴
موضوع سوم: احکام و اندرزهای استنباط شده از مقطع	۵۴

مقطع چهارم

نعمت‌های دینی و فرو فرستادن شرائع (آیات ۱۶ - ۲۰)

موضوع اول: بیان مناسبت	۵۹
فرع اول: مناسبت آیات این مقطع با محور سوره	۶۰۹
فرع دوم: مناسبت آیات این مقطع با مقطع گذشته	۶۰۹
موضوع دوم: ترجمه و تفسیر اجمالی آیات	۶۰
فرع اول: ترجمه‌ی آیات	۶۰
فرع دوم: تفسیر اجمالی آیات	۶۱
فرع سوم: تفسیر نکات مهم مقطع	۶۲
فرع سوم: معنی کلمات	۶۳

موضوع سوم: احکام و اندرزهای استنباط شده از مقطع ۶۴

مقطع پنجم

تفاوت زنده‌گی نیکوکاران و بدکاران در دنیا و آخرت (آیات ۲۱ - ۲۳)

موضوع اول: بیان مناسبت ۶۷۵

فرع اول: مناسبت آیات این مقطع با محور سوره ۶۷۵

فرع دوم: مناسبت آیات این مقطع با مقطع گذشته ۶۷۵

موضوع دوم: سبب نزول، ترجمه و تفسیر اجمالی آیات ۶۸

فرع اول: سبب نزول ۶۸

فرع دوم: ترجمه‌ی آیات ۶۹

فرع سوم: تفسیر اجمالی آیات ۶۹

فرع چهارم: تفسیر نکات مهم مقطع ۷۰

فرع پنجم: معنی کلمات ۷۲

موضوع سوم: احکام و اندرزهای استنباط شده از مقطع ۷۲

مقطع ششم

مادی‌گرایان و انکار قیامت (آیات ۲۴ - ۲۹)

موضوع اول: بیان مناسبت ۷۶

فرع اول: مناسبت آیات این مقطع با محور سوره ۷۶

فرع دوم: مناسبت آیات این مقطع با مقطع گذشته ۷۶

موضوع دوم: سبب نزول، ترجمه و تفسیر اجمالی آیات ۷۷

فرع اول: سبب نزول ۷۷

فرع دوم: ترجمه‌ی آیات ۷۷

فرع سوم: تفسیر اجمالی آیات ۷۸

فرع سوم: تفسیر نکات مهم مقطع ۸۰

فرع چهارم: معنی کلمات ۸۳

موضوع سوم: احکام و اندرزهای استنباط شده از مقطع ۸۴

مقطع هفتم

پاداش مؤمنان فرمان‌بردار و سزای کافران سرکش (آیات ۳۰ - ۳۷)

۸۶	موضوع اول: بیان مناسبت
۸۶	فرع اول: مناسبت آیات این مقطع با محور سوره
۸۶	فرع دوم: مناسبت آیات این مقطع با مقطع گذشته
۸۶۶	موضوع دوم: ترجمه و تفسیر اجمالی آیات
۸۶	فرع اول: ترجمه‌ی آیات
۸۷	فرع دوم: تفسیر اجمالی آیات
۸۸	فرع سوم: تفسیر نکات مهم مقطع
۸۹	فرع چهارم: معنی کلمات
۹۰	موضوع سوم: احکام و اندرزهای استنباط شده از مقطع
۹۱	نتیجه‌گیری
۹۳	پیشنهادات
۹۴	الف: فهرست آیات
۹۶	ب: فهرست احادیث
۹۷	ج: فهرست اعلام
۹۷	فهرست منابع
۱۰۴	Abstract

مقدمه

الحمد لله رب العالمين، حمداً طيباً مباركاً فيه، كما ينبغي لجلال وجهه وعظيم سلطانه، والصلاة والسلام على معلم الناس الخير وهادي البشرية الي الرشد، وقائد الخلق الي الحق ومخرج الناس من الظلمات الي النور بأذن ربهم الي صراط العزيز الحميد، سيدنا وإمامنا وأسوتنا وحبيبنا محمد بن عبدالله وعلى آله وصحبه ومن تبعهم بإحسان الي يوم الدين.

اما بعد

قرآن کتاب معجز و جواب گوی نیازهای بشر در هر زمان و احوال بوده، و دارندهی موضوعات ناب است، و در آن شفا، هدایت، رحمت، بیان موعظه‌ی نیکو و توضیح احکام پروردگار وجود دارد که اگر تمام عمر بنی آدم در آن صرف شود باز هم به پایان ژرفای آن راه نخواهند یافت، و اگر تمام تلاش‌ها مصروف گردند باز از زلال پاک آن چیزی نخواهند کاست، از همین روست که علمای امت در مورد، توجه خاص به تفسیر قرآن، و بیان و مدارسه و سُفتن گنج‌های آن و سیراب شدن از دریای خوش طعمش متفق القول اند. چون قرآن کریم به مثابه‌ی درخت انبوه پربار است که در هر رگ و برگ درختش هزار حکمت نهفته است، که انسان با حاصل کردن اندرزه‌های آن زنده‌گی خود را چراغان ساخته می‌تواند.

بدین ملحوظ انسان به‌عنوان خلیفه‌ی الله متعال مکلف است، حسب توانایی و طاقت منحصر به فرد که دارد، قرآن کریم را به محتوای رهنمودیت و ارشادیت که منتج به فلاح هر دوگیتی می‌شود نه تنها خویشتن را مستفاد گرداند، بلکه برای تعلیم دیگران نهایت تلاش خود را بذل نماید.

بنده بنا بر عبارت فوق الذکر و مکلفیت دانش‌گاهی خویش پایان نامه‌ی خود را در مورد یکی از سوره‌های کلیدی قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی جائیه از جمله سوره‌های مکی قرآن عظیم شان است و دارای موضوعات مختلف، توحید، حقانیت قرآن، معاد و همچنین عقیده را مورد بحث قرار می‌دهد، مصدر رساله‌ام گردانیدم ان شاء الله که توانسته باشم با این عملم گلی را درباغ پر ثمر تفسیر و رهنمودیت قرآن غرس کرده باشم.

اسباب اختیار موضوع

- ۱- خدمت به کتاب الله و طلب رضای الله متعال، از الله متعال خواهانم این خدمت را مورد قبول گردانیده و به میزان حسناتم بیفزاید.
- ۲- واضح ساختن مقاصد و اهداف تربیتی و اصلاحی سوره و آیات قرآن کریم به سبب این که کتاب هدایت‌گر و نجات‌بخش است.
- ۳- بیان عزمت قرآن و شریعت پیامبر- صلی الله علیه وسلم - و هم بنابر مکلفیت دانشگاهی خویش و رهنمای استاد رهنمای مصمم به انتخاب این موضوع گردیدم.

اهمیت موضوع

- قرآن کریم کتاب هدایت مسلمانان است و موضوعاتی که در این کتاب بزرگ ذکر شده است برای هر فرد از مسلمانان مهم و فهمیدن آن ضروری است، زیرا این کتاب برای ما حیثیت قانون الهی را دارد. بررسی و تحقیق این موضوع از جهات ذیل داری اهمیت می‌باشد:
- ۱- سوره‌ی مبارکه‌ی الجاثیه یکی از سوره‌های پر محتوای قرآن کریم بوده که در آن موضوعات کلیدی در باب عقیده‌ی اسلامی یعنی ایمان به الله متعال و یگانه‌گی اش و ایمان به قرآن و نبوت حضرت محمد - صلی الله علیه وسلم - و ایمان به آخرت و بحث جر و بحث و جزا به‌طور مفصل و غیره موضوعات گنجانیده شده است، از همین جهت تحقیق در این سوره از دید بنده حایز اهمیت است.
 - ۲- نمونه از دعوت به عفو و گذشت در عین قاطعیت و عدم انحراف از مسیر حق.
 - ۳- عدم غفلت از حوادث تکان دهنده قیامت چون درین سوره اشارات گویایی ست براین حوادث مخصوصا نامه اعمال که تمامی کارهای انسان را بی کم و کاست در بر می‌گیرد.
 - ۴- قرآن کریم یک کتاب زنده و پویاست، که مطالب آن مطابق به واقع می‌باشد هر اندازه که علم پیشرفت می‌کند حقایق موضوعات قرآن کریم بیش‌تر روشن شده و انسان چنان تصور می‌کند که قرآن کریم همین امروز برای بشریت نازل گردیده است، و سوره‌ی مبارکه‌ی الجاثیه نیز حاوی مطالبی ست که چنین ادعا را به حقیقت مبدل می‌نماید.
 ۵. تفکر و تدبیر و تحقیق درباره‌ی سوره‌های قرآن کریم نه تنها دارای اجر عظیمی است بلکه ایمان انسان را افزوده و سبب اطمینان قلبی انسان نیز می‌شود و سوره‌ی مبارکه‌ی الجاثیه نیز از جمله آنهاست.

نظر به اهمیت موضوع فوق خواستم به سهم خویش خدمت‌گزار کتاب الله متعال و مشوق خواهران مسلمانم باشم، بناءً بر این تفسیر موضوعی سوره الجاثیه را به حیث موضوع تحقیق پایان‌نامه‌ی ماستری‌ام انتخاب نمودم

سوالات تحقیق

رساله همچنین حل‌کننده‌ی سوالات به میان آمده در ذهن خواننده است که بنابر کندوکاوی ایجاد می‌شود نیز است.

سوالات اصلی تحقیق

. تفسیر موضوعی سوره الجاثیه چگونه و از چه قرار می باشد؟

سوالات فرعی تحقیق

۱. وجه تسمیه‌ی این سوره؟ و آیا این سوره نام دیگر هم دارد؟
۲. مناسبت سوره‌ی جاثیه با سوره‌ی ماقبل و ما بعد چیست؟
۳. میان مقاطع مختلف سوره‌ی جاثیه چه مناسبت وجود دارد؟
۴. درس‌ها و اندرزهای گرفته شده از مقاطع سوره کدام‌هااند؟

پیشینه‌ی تحقیق

تفسیر موضوعی قرآن کریم پدیده‌ی نیست که تازه به شگوفایی رسیده باشد بلکه از دیر زمان به‌خاطر روش خاص و ساده‌اش حایز اهمیت بود، دامنه‌ی وسیع در تفسیر قرآن داشت و دارد. مانند تفسیر فی ظلال القرآن، التفسیر الموضوعی للقرآن، تفسیر المنیر، تفسیر تفهیم القرآن، ده‌ها جلد دیگر... و قابل تذکر است که در این زمان تحقیقات خاصی درباره‌ی یک سوره‌ی قرآن کریم نیز صورت گرفته است، مانند سوره‌ی الجاثیه، کتاب‌های که در مورد تفسیر موضوعی سوره‌ی مبارکه‌ی الجاثیه بحث و بررسی کردند؛

۱. کتاب التناسق الموضوعی فی سوره الجاثیه، تالیف ساره بنت احمد بنت عثمان حکمی.
۲. التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، که مجموعه‌ی از نخبه‌گان علم تفسیر و علوم قرآنی تحت اشراف دکتور مصطفی مسلم آن را به رشته تحریر در آورده است.
۳. التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم، که دکتور عبدالحمید طهماز آن را نگاشته است، این دو تفسیر سوره‌ی المبارکه الجاثیه ضمن سایر سوره‌های قرآن کریم براساس اسلوب و منهج تفسیر موضوعی ذکر کرده‌اند.

هم اکنون که در ابتدای تحقیق تحت تفسیر موضوعی سوره‌ی مبارکه‌ی الجاثیه قرار دارم در جست‌وجوی مقدماتی به تحقیق در عین موضوع به لسان فارسی دری و در عین سوره بر نخوردم. ممکن است به زبان دیگر در جوامع خارج از کشور تحقیق مشابهی در سوره‌ی مبارکه‌ی الجاثیه انجام شده باشد و در این صورت این بحث تحقیقی یک بحث تکمیلی در سلسله بحث‌های تفسیر موضوعی سوره‌ی مبارکه‌ی الجاثیه به زبان فارسی دری و ملی کشور خواهد شد.

اهداف تحقیق

این تحقیق بنابر اهدافی به رشته‌ی تحریر در آمده است. سلسله‌ی اهداف این بحث تحقیقی عبارت اند از:

۱. علاقه و رغبت به تفکر و تدبر در قرآن کریم به مقتضای این فرموده‌ی الله متعال: (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْآنَ ...) سوره‌ی محمد، آیه ۲۴.
۲. بیان مکانت و عظمت قرآن.
۳. علاقه مندی به آگاهی از مقاصد و اهداف تربیتی که در سوره (الجاثیه) بیان شده است. انگیزه دادن بانوان و هم‌نوعان خود در عزم و همت دینی و مراجعه به کتاب هدایت‌گر و نجات‌بخش.

روش تحقیق

۱. بنده نخست پیرامون موضوع مطلوب مطالعات و تحقیقاتی مقدماتی‌ام را به گونه‌ی کامل انجام دادم و تا پایان تحقیق مطالعه‌ی کتاب‌های مأخذ را ادامه دادم.
۲. بعد از جست‌وجو در کتاب‌خانه‌ها و منابع اینترنتی، کتاب‌ها و منابعی مطلوب در این تحقیق را جمع‌آوری و یا هم یادداشت کردم.
- ۳ - من در تحقیق این رساله از میراث خانه‌های علمی به صورت فزیک و مجازی نیز بهره بردم؛ مانند: المکتبه الشاملة وغيره ...

بعد از سیراب ساختن اندیشه‌ی خویش در رابطه با موضوع اقدام به طرح خطه و پلان کردم.

- ۴ - جمع بندی آیاتیکه بر یک مقطع در سوره الجاثیه مناسبت دارد؛ ترجمه، تفسیر اجمالی، سبب نزول، فایده، شرح کلمات و بررسی اهداف و مقاصد به صورت کتاب خانه‌ی با استفاده از اقوال علماء و مفسرین.

- ۵ - آیات را ترجمه نموده و به تفسیر آن از منابع مختلف پرداخته ام.

۶. با وجود اینکه رساله بنده از احادیث بیشتر بی نصیب بوده ولی با آن هم تا حد توان سعی کردم تا احادیث را با اسناد کامل از منابع اصلی‌شان شرح نمایم.
۷. ترجمه اعلام مشهور را با ذکر منابع در پاورقی جا داده ام.
- ۸- نام کتاب، زمان و مکان طبع و نام مؤلف بدون مواصفات در پاورقی ذکر نموده ام.
- ۹ - فهرست موضوعات را در ابتدا رساله و فهرست آیات، احادیث، اعلام و فهرست منابع را در آخر رساله جا داده ام.
۱۰. تنظیم این رساله در هفت مقطع می‌باشد، که به صورت اجمالی و تفصیلی هر یک را بیان کردم.

مشکلات در تحیه تحقیق:

طور که برای همه‌گان معلوم است، اجرای هر عمل و کار با یک سری از چالش‌ها و مشکلات همراه می‌باشد، بنده نیز در اجرای این تحقیق به یک سلسله از چالش‌ها دست و پنجه نرم کردم که در پایان به آن پرداخته‌ام.

۱. نبود یک کتابخانه‌ی مجهز و با داشتن تمام و سایل تحقیق؛ تا محقق بتواند با سهولت هر چه تمام به منابع و مآخذ مورد نظر دسترسی داشته باشد.

۲. فاصله‌ی زیاد میان محل بود و باش بنده و کتابخانه‌های مورد نظر که بعضاً جهت بهره‌برداری از کتب مطلوب دچار ضیاع وقت در مسیر راه می‌شدم.

۳. کمبود زمان.

۴. عدم همکاری نهادهای علمی کشور علی‌الخصوص برای بانوان.

۵. کمبود منابع معتبر به زبان ملی کشور، و نبود مراکز پژوهش.

با وجود مشکلات متذکره به لطف رب العزت این پایان‌نامه را به پایهی اکمال رسانیدم.

استدعا دارم که پروردگرم این تلاش ناچیز بنده را نزد خود مضاعف بگرداند و مرا با قبول پایان‌نامه‌ام مژده دهد.

ربنا علیک توکلنا والیک انبنا والیک المصیر.

خطه و پلان تحقیق

این بحث با در نظر داشت معیارها و اصول تحقیق، به شرح ذیل تقسیم بندی شده است:

مقدمه

تمهید که شامل مفاهیم کلی بحث می شود:

موضوع اول: تعریف تفسیر و تفسیر موضوعی قرآن کریم.

موضوع دوم: تعریف سوره‌ها.

موضوع سوم: ویژگی‌های تفسیر موضوعی.

موضوع چهارم: اهداف تفسیر موضوعی سوره‌های قرآن کریم.

موضوع پنجم: معرفی سوره‌ی مبارکه‌ی جائیه.

فرع اول: نام و وجه تسمیه‌ی سوره‌ی جائیه.

فرع دوم: زمان و محل نزول و ترتیب آن.

فرع سوم: تعداد آیات، کلمات و حروف سوره‌ی مبارکه‌ی جائیه.

فرع چهارم: مکی یا مدنی بودن سوره‌ی جائیه.

فرع پنجم: موضوع و محور اساسی سوره‌ی جائیه.

فرع ششم: فضایل سوره‌ی جائیه.

موضوع ششم: مناسبت در میان سوره‌ها و اهمیت آن.

مقطع اول: آیات کونی بر اثبات وجود برحق الله متعال.

(آیات ۱ الی ۶)

موضوع اول: بیان مناسبت

فرع اول: مناسبت آیات این مقطع با محور سوره

فرع دوم: مناسبت آیات این مقطع با آخر سوره‌ی ما قبل اجمالی آیات و فایده

فرع اول: ترجمه‌ی آیات

فرع دوم: تفسیر اجمالی آیات

موضوع دوم: ترجمه و تفسیر

فرع سوم: فایده

فرع چهارم: تفسیر نکات مهم مقطع

فرع پنجم: تفسیر واژه‌های مهم

موضوع سوم: احکام و اندرزهای استنباط شده از مقطع

مقطع دوم: وعید تکذیب‌کنندگان نشانه‌های الهی و عذاب آن‌ها

(آیات ۱ الی ۶)

مقطع سوم: برخی از نعمت‌های پروردگار بزرگ بر بنده‌گانش

(آیات ۱۲ الی ۱۵)

مقطع چهارم: نعمت‌های دینی و فرورفرستان شرائع

(آیات ۱۶ الی ۲۰)

مقطع پنجم: تفاوت زنده‌گی نیکوکاران و بدکاران در دنیا و آخرت

(آیات ۲۱ الی ۲۳)

مقطع ششم: مادی‌گرایان و انکار قیامت

(آیات ۲۱ الی ۲۳)

مقطع هفتم: پاداش مؤمنان فرمان‌بردار و سزای کافران سرکش

(آیات ۳۰ الی ۳۷)

خاتمه و نتیجه‌گیری

فهرست آیات

فهرست احادیث

فهرست اعلام

فهرست منابع

تمهید

کلیت و مفاهیم

این بخش شامل شش موضوع اساسی و چندین مطلب فرعی می‌باشد که موضوعات آن قرار ذیل است:

موضوع اول: تعریف تفسیر و تفسیر موضوعی قرآن کریم.

موضوع دوم: تعریف سوره‌ها.

موضوع سوم: ویژگی‌های تفسیر موضوعی.

موضوع چهارم: اهداف تفسیر موضوعی سوره‌های قرآن کریم.

موضوع پنجم: معرفی سوره‌ی مبارکه‌ی جاثیه.

موضوع ششم: مناسبت در میان سوره‌ها و اهمیت آن.

موضوع اول: تعریف تفسیر و تفسیر موضوعی قرآن کریم:

فرع اول: تعریف تفسیر در لغت و در اصطلاح.

تفسیر از دو لحاظ مورد تعریف قرار می‌گیرد؛ یکی از لحاظ لغوی و دوم از لحاظ اصطلاحی؛ به این شرح:

اول: تعریف لغوی: در معنای لغوی تفسیر علما اقوال متعددی دارند که از آن جمله:

ابن منظور^۱ - رحمه الله - در مورد معنای لغوی تفسیر در "لسان عرب" چنین نوشته است: "التفسير من الفسر وهو الإيضاح والبيان وهو كشف المراد عن اللفظ المشكل"^۲

«تفسیر از ریشه‌ی فسر گرفته شده است و فسر به معنای ظهور و بیان است و تفسیر به معنای کشف مراد از لفظ مشکل است.»

چنانچه الله متعال درین مورد می‌فرماید: ﴿وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا﴾^۳ (آنان هیچ

مثلی برای تو نمی‌آوردند مگر این‌که ما حق را برای تو می‌آوریم با تفصیل و بیان بهتری). تفسیراً: ای بیانا و تفصیلاً. درین آیت تفسیر به معنای بیان و وضاحت می‌باشد.

و هم‌چنان راغب اصفهانی^۴ - رحمه الله - گفته است: "الفسر: إظهار المعنى المعقول. والتفسير في المبالغة كالفسر، والتفسير قد يقال فيما يختص بمفردات الألفاظ وغريبها، وفيما يختص بالتأويل، ولهذا يقال: تفسير الرويا وتأويلها"^۵

«فسر در لغت به معنای اظهار معنای معقول است. [اما به نظر می‌رسد که به دلیل خصوصیت معنایی باب تفعیل که اغلب در معنای مبالغه و تکثیر است]، تفسیر هم افاده‌ی مبالغه را می‌کند، یعنی مبالغه در اظهار معنای معقول.»

۱- ابن منظور: محمد بن مکرم بن علی ابو الفضل جمال الدین بن منظور انصاری رویعی افریقی، صاحب لسان عرب و امام لغت عرب از نسل رویع بن ثابت انصاری در سال ۶۳۰ هجری در مصر متولد شده است (و برخی گفته‌اند در طرابلس غرب تولد یافته است) در دیوان انشاء در قاهره ایفای خدمت می‌کرد بعد به صفت قاضی در طرابلس انجام وظیفه نموده است و در آخر عمر به مصر برگشت نمود و در آنجا فوت نمود این دانشمند با قلم خود ۵۰۰ جلد کتاب نوشته است و در آخر عمر از نعمت بینایی محروم گردیده بود، او در سن ۸۷ سالگی از دنیا رفت و در شهر «قراه» از مربوطات قاهره پایتخت مصر دفن است. رزکلی، الأعلام، ج ۷، ص ۱

۲- ابن منظور، محمد بن مکرم (۷۳۵هـ) لسان عرب، ج ۵، ص ۵۵، طبع اوال، ۱۴۰۸ هـ، دار صادر، بیروت.

۳ - [الفرقان: ۳۳]

۴- ذهبی، دکتور محمد حسین، التفسیر والمفسرون، ناشر: مکتبه وهبه، القاهرة، ج ۱ ص ۵.

۵ - راغب اصفهانی (۵۰۲ - ۱۱۰۸ م) امام علامه الحسین بن محمد بن المفضل، ابو القاسم، معروف به راغب اصفهانی: ادیب از حکما و علما و از اهل اصفهان بود و در بغداد سکونت می‌کرد، و عالم معروف و هم قرن امام غزالی بود، وی صاحب تصنیفات زیادی است از آن جمله تحقیق البیان فی التأویل القرآن، و مفردات القرآن و غیره. رزکلی، ج ۲، ص ۲۵۵. و سیر اعلام النبلا، ج ۱۸، ص ۱۲۰.

۶- راغب اصفهانی، ابو القاسم الحسین بن محمد (متوفای: ۵۰۲هـ)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: صفوان عدنان الداودی. ط: دارالقلم، الدار الشامیه - دمشق بیروت. طبع: اول - ۱هـ جزء ۱. ماده فسر. ص- ۶۳۶.

تفسیر، گاهی برای تبیین و توضیح مفردات و کلمات ناآشنا استفاده می‌شود و گاهی به معنای تأویل هم به کار می‌رود؛ چنان‌که گفته می‌شود: تفسیر خواب، یعنی تأویل و تعبیر خواب.»

چنان‌چه الله متعال در این مورد می‌فرماید: ﴿وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا﴾

دوم: تعریف اصطلاحی: علمای علوم قرآن و مفسرین در تعریف اصطلاحی تفسیر آراء و اقوال مختلفی دارند از آن جمله:

ابو حیان اندلسی^۱ - رحمه الله - تفسیر را چنین تعریف کرده است: " هو علم يبحث فيه عن كيفية النطق بألفاظ القرآن، ومدلولاتها، وأحكامها الإفرادية والتركيبية، ومعانيها التي تُحمل عليها حالة التركيب، وتتمات ذلك"^۲

« تفسیر، علمی ست که در آن از چگونگی تلفظ کلمات قرآن و مدلولات آن، احکام فردی و ترکیبی قرآن، معانی و مگمالات قرآن بحث می‌شود.»

برهان الدین زرکشی^۳ - رحمه الله - تفسیر را چنین تعریف کرده است: "إن علم التفسیر، هو علم نزول الآیة، وسورها، وأقاصيصها، والإشارات النازلة فیها، ثم ترتیب مکیها و مدنیها، و محکمها و متشابهها، و ناسخها و منسوخها، خاصها و عامها، و مطلقها و مقیدها، و مجملها و مفسرها، و أمثال ذلك" ؛

«علم تفسیر عبارت است از آشنایی با نزول آیات قرآنی، سوره‌های قرآن، داستان‌های قرآن، اسباب نزول آیات، شناخت آیات مکی و مدنی، شناخت آیات محکم و متشابه، شناخت ناسخ و منسوخ، آشنایی با احکام عام و خاص، مطلق و مقید، مجمل و مفسر و دیگر موضوعات مربوط به شناخت قرآن.»

۱ - ابو حیان، محمد بن یوسف بن علی بن یوسف ابن حیان اثر الدین ابو حیان اندلسی جیانی (۶۵۴-۷۴۵ق) از بزرگان تفسیر، حدیث و ادبیات اهل سنت به شمار می‌رود. او در نواحی شهر غرناطه به دنیا آمد، به شهر مالقه مهاجرت کرد، و در آنجا رشد یافت، و سپس با انتقال به قاهره در آنجا ساکن شد و در همان جا وفات یافت. او همچنین به شهرهای مختلفی از مناطق سرزمین اسلامی مثل افریقا، اندلس، اسکندریه مصر و حجاز مسافرت کرد و از محضر بیش از چهارصد و پنجا استاد بهره برد. تبحر او در رشته‌های مختلف علوم به ویژه ادبیات عرب موجب شد تا او را با القابی مثل شیخ النجاة، یا امام النجاة، شیخ المحدثین و رئیس العلماء عنوان بدهد. و در ۲۸ صفر سال ۷۴۵هـ در قاهره وفات یافت و در مقبره صوفیه بیرون از باب نصر به خاک سپرده شد. معجم الشعراء العرب، قسم التراجم والطبقات، ج ۱ ص ۳۶۵.

۲ - ابو حیان، محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، ج ۱، ص ۱۲۱، تحقیق: صدیقی محمد جمیل، طبع: اول، ۱۴۲۰ هـ دار الفکر بیروت، لبنان.

۳ - بدرالدین محمد بن بهادر بن عبدالله زرکشی، فقیه شافعی، مسافر، اصولی، محدث و ادیب از مصر بود که در سال ۷۴۵ هجری تولد شد. کتاب معروف او در علوم قرآنی کتاب البرهان فی علوم القرآن است. او در این کتاب با استقصاء کاملی از فنون و علوم قرآنی، کتاب خود را در ۴۷ فصل جمع‌آوری کرد که هر فصلی فنی و علمی از فنون و علوم قرآنی را مورد کنکاش قرار داده است و در مورد هر کدام مطالب مورد نیاز را گرد آورده است، او سر انجام در سال ۷۹۴ هـ، چشم از جهان فرو بست. زرکلی، الاعلام، ج ۶، ص ۶۰.

۴ - زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۴۸.

و شیخ عبد العظیم زرقانی^۱ - رحمه الله - در مورد تعریف اصطلاحی تفسیر چنین می‌گوید: "علم

یبحث فیہ عن القرآن الکریم من حیث دلالتہ علی مراد اللہ تعالی بقدر الطاقة البشریة"^۲

« تفسیر عبارت است از فهم منظورِ الله متعال از طریق تأمل در آیات قرآنی، به مقدار توان انسان».

این تعریف به نسبت دیگر تعریف‌ها شامل و راجح است به‌خاطری که درین تعریف یک قید مهم

است و آن هم فهم قرآن به اندازه‌ی توان بشری است چرا که قرآن همه چیز را شامل است، و مفسر به

مقدار توان بشری خود می‌فهمد.»

فرع دوم: تعریف تفسیر موضوعی:

تفسیر موضوعی از دو جزء ترکیب شده، "تفسیر" و "موضوعی" و این یک ترکیب وصفی است، و

تعریف تفسیر در فرع گذشته بیان شد، در این‌جا اول کلمه‌ی "موضوعی" از لحاظ لغت تعریف می‌گردد

و سپس تفسیر موضوعی به شکل مرکب تعریف می‌شود.

الف: تعریف لغوی: الموضوع: کلمه‌ی موضوع در لغت عربی از وَضَعَ یَضَعُ وَضَعًا فهو وَاضِعٌ

فذلک مَوْضُوعٌ گرفته شده است به معنای گذاشتن چیزی در زمین،^۳ ثابت نمودن آن یا هم قرار دادن

یک شی در یک مکان، این امر هم مشابه آیات قرآن کریم است که در یک موضوع با هم مشابهت

دارند که در روش تفسیر یک مفسر آن را با هم ارتباط می‌دهد و این روش یا هم در یک سوره

می‌باشد یا در آیات.^۴

چنان‌چه ابن فارس^۵ - رحمه الله - می‌نویسد: "والوضع: الخفض للشیء وحطه"^۶ « وضع به معنای

پایین آوردن و کم کردن یک چیز است.»

۱- محمد عبدالعظیم زرقانی، از اهالی جعفری ولایت غربی مصر است و نسبش به زرقان شده و زرقان شهری تابع ولایت منوفیه. وی از علمای الأزهر در مصر بود. و از پوهنحی اصول الدین جامعه الأزهر فارغ شده و بعد در آن‌جا به‌حیث معلم در رشته‌ی علوم قرآن و حدیث ایفای وظیفه کرد. و در قاهره پایتخت مصر وفات نمود. و از تألیفاتش، مناهل العرفان فی علوم القرآن است. الاعلام، از خیر الدین زرکلی. ج ۶، ص ۲۱۰.

۲ - زرقانی، عبد العظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، طبع اول، سال ۱۹۹۶ هـ، تحقیق: مکتب بحوث و الدراسات. ناشر: دار الفکر، بیروت. ج ۲، ص ۳.

۳ - مجمع اللغة العربية بالقاهرة، المعجم الوسيط، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۲، ص ۱۰۵۲.

۴ - دغامین، أ. د. زیاد خلیل الدغامین، التفسیر الموضوعی ومنهجه البحث فیہ، نشر: دار عمار، طبع اول سال ۱۴۲۸ هـ - ۲۰۰۷ م، ص ۱۹.

۵ - ابن فارس: احمد بن فارس بن زکریا قزوینی رازی، از ادبا لغت و ادب است، وی در سال ۳۲۹ هجری موافق با ۹۴۱ م تولد شده است. اصل از قزوین است و منتهی در همدان اقامت گزیده بعد به ری سفر کرده و در آن‌جا در سال ۳۹۵ هجری مطابق ۱۰۰۴ م وفات کرد. از تصانیف آن مقابیس اللغة والمجل در علم عربی، جامع التأویل فی تفسیر القرآن است، الاعلام الزرکلی ج ۱، ص ۱۹۳.

۶- ابن فارس، ابو الحسن احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقابیس اللغة، دار احیاء التراث العربی - بیروت ۲۰۰۱ م ص ۱۰۵۵ ماده «وضع»

و موضوع در اصطلاح لغت: "المادة التي يبني عليها المتكلم أو الكاتب كلامه"^۱ «عبارت از ماده که متکلم یا هم کاتب کلام خود را بر آن بنا می‌کند.»

همچنان امام راغب اصفهانی - رحمه الله - در کتاب خود می‌نویسد: "الوضع أعم من الحط ومنه الموضوع، قال تعالى: ﴿يَحْرُفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ﴾^۲ ويقال ذلك في الحمل والحمل ويقال وضعت الحمل هو موضوع، قال: ﴿أَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ﴾^۳ - ﴿وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ﴾؛ فهذا الوضع عبارة عن الإيجاد والخلق"^۴

«وضع یعنی پایین و فروآوردن، معنای آن از حط و انحطاط فراگیرتر است، الله متعال در این آیه فرموده است: ﴿يَحْرُفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ﴾ در این جا "مواضع" جمع "موضع"، جا و مکان هر چیزی است که در دسترس باشد و در وضع حمل به کار می‌رود چنانچه در عربی می‌گویند: «وضعت الحمل» یعنی بارش را پایین گذاشت یا وضع حمل کرد، در آیه‌ی دیگر الله متعال می‌گوید: ﴿وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ﴾ (یعنی جام‌های گذاشته شده) و همچنان الله متعال می‌فرماید: ﴿وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ﴾ (یعنی خداوند زمین را برای مردم در دسترس‌شان قرار داده که آن را در اختیار بگیرند و بهره‌مند شوند.) واژه‌ی وضع - در این آیه یعنی ایجاد و خلق است.»

ب: تعریف اصطلاحی: بعد از دانستن تعریفات (تفسیر) و (موضوع) که مفردات (تفسیر موضوعی) می‌باشد، حالا به معنا و مفهوم تعریف اصطلاحی "تفسیر موضوعی" می‌پردازیم، و قابل ذکر است که تعریفات متعددی از محققان در این زمینه ارائه شده است که از نظر محتوا تقریباً مشابه هستند، هر چند برخی عبارات آن متفاوت است که قرار ذیل بیان می‌شود:

" جمع الآيات الكريمة ذات المعنى الواحد، و وضعها تحت عنوان واحد، والنظر فيها بما يؤلف منها موضوعاً واحداً مستخرجاً من الآيات الكريمة على هيئة مخصوصة"^۵

۱- المعجم الوسيط، ابراهيم مصطفى، حمد الزيات، حامد عبدالقادر، محمد النجار، تحقيق: مجمع اللغة العربية بالقاهرة، دار احياء التراث العربي، بيروت، ج ۲، ص ۱۰۵۲.
۶- [المائدة: ۱۳].

۷- [الغاشية: ۱۴]

۸- [الرحمن: ۱۰]

۹ - راغب اصفهانی، حسین بن محمد، تحقیق محمد سعید کیلانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۵۲۶، الطبعة الأولى، ۱۴۱۲، در المعرفة، بیروت.

۶- فتح الله سعید، عبد الستار، المدخل الی التفسیر الموضوعی، ناشر: دار التوزیع والنشر الاسلامیة - سال ۱۴۱۱ هـ ۱۹۹۱ م، ص ۳۳.

«جمع آوری آیات قرآن کریم تحت یک عنوان که دارای یک معنی باشد و بررسی آن، قسمی که موضوع یگانه را که گرفته شده از آیات متبرکه است در یک قالب خاص تألیف می‌نماید.»

"هو المنهج الذي يتخذ المفسر سبيلاً للكشف عن مراد الله من خلال الموضوعات التي يطرحها، والقضايا التي يعالجها، توضيحاً لهداية القرآن وتجليه لوجه إعجازه"^۱

« تفسیر موضوعی عبارت از: روشی است که مفسر از طریق مباحثی که مطرح می‌کند و مسائلی که به آن می‌پردازد، مراد الله را آشکار نماید تا رهنما بودن قرآن را روشن نموده و اعجاز آن را نمایان سازد.»

"هو العلم الذي يتخذ من الموضوعات الظاهرة أساساً في الكشف عن منهج القرآن وأسلوبه في معالجته لها، متخذاً من القواعد والشروط المرعية في التفسير سلماً للوصول إلى هدي الكتاب وجلال شأنه"^۲

« تفسیر موضوعی عبارت از: علمی است که ظاهر موضوعات در واضح گردانیدن روش قرآن و چگونگی معالجه‌ی موضوعات با آن اساس قرار داده می‌شود، که گرفته شده از یک عده قوانین و شروط است، که رعایت آن پایه‌ی است برای رسیدن به رهنمود قرآن و بزرگی منزلتش.»

" أنه علم يتناول القضايا حسب المقاصد القرآنية من خلال سورة أو أكثر"^۳

« تفسیر موضوعی: علمی است که از طریق یک یا چند سوره به مسائل قرآنی می‌پردازد. در تعریفات که ذکر شده عبارات علما در آن به دلیل انواع مختلف آن متفاوت است، برخی از آن‌ها اشاره کرده‌اند که این تفسیر مختص یکی از موضوعاتی است که در آیات قرآن کریم در جای متعدد سوره آمده است، و برخی دیگری گفته‌اند جمع آوری آیات قرآن کریم تحت یک عنوان که دارای یک معنی باشد و بررسی آن، وعده‌ی از باحثین گفته‌اند علمی که از طریق یک یا چند سوره به مسائل قرآنی می‌پردازد می‌باشد که بحث ما هم تحت این مفهوم می‌باشد، بناءً این تعریفات اقسام سه‌گانه تفسیر موضوعی را در بر گرفته است.^۴

۱- عبد الرحيم، عبد الخليل، التفسير الموضوعي بين كفتي الميزان، رسالة جامعية بجامعة الأردن، سال ۱۹۹۲، ص ۳۴.
۲- همان مصدر سابق، ص ۳۴.
۳- مسلم، مصطفى مسلم، مباحث في التفسير الموضوعي، ناشر: دار الفلم - دمشق سال ۱۹۹۸ هـ، ص ۱۶.
۴- باحث.

فرع سوم: نشأت و پیشینه تاریخی تفسیر موضوعی

اصطلاح «تفسیر موضوعی» یک اصطلاح نسبتاً جدید است، که بر بعضی از تفسیرهای معاصر اطلاق شده است و این روش برای اولین بار در قرن چهاردهم ظهور کرده است اما دیدگاه راجح این است که در تفاسیر گذشته این نام کم‌تر به چشم می‌خورد و لکن علمای کرام از قدیم فعالیت‌های تفسیری را انجام داده‌اند که شبیه تفسیر موضوعی است و این اصطلاح را به‌نام تفسیر قرآن بالقرآن می‌نامند. این نوع تفسیر در صدر اسلام وجود داشت که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - همچون قضایا را ارائه نموده است. زمانی‌که از ایشان - صلی الله علیه وسلم - درباره‌ی تفسیر برخی از آیات قرآن کریم سوال می‌شد؛ مثلاً: امام بخاری و مسلم - رحمهما الله - از عبدالله بن مسعود روایت می‌کند که فرمود: هنگامی‌که این آیه نازل شد ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ﴾^۱ «کسانی‌که ایمان آورده باشند و ایمان خود را با شرک (پرستش چیزی با خدا) نیامیخته باشند.» بالای مردم سخت تمام شد، فرمودند؛ یا رسول الله، کدام از ما بر نفس‌های مان ظلم نکرده‌ایم؟ رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: مراد از ظلم در این آیه چیزی نیست که شما فکر می‌کنید، آیا مگر شما سخنان مرد صالح (لقمان حکیم) را نشنیده‌اید. که برای پسرش می‌فرماید: ﴿إِنَّ أَلَّ شُرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾^۲ «واقعاً شرک ستم بزرگی است.»

اما در قرون دوم و سوم تألیفات در موضوعات احکام القرآن وجود داشته است و در موضوعات خاص احکام قرآنی علمای کرام تألیفات داشته‌اند که به‌طور مثال آثار و تألیفات ذیل را می‌توان به‌عنوان اولین آثار در تفسیر موضوعی نام برد:

۱. «احکام القرآن» تألیف محمد بن سائب کلبی - رحمه الله - که در سال ۱۴۶ قمری وفات کرده است.

۲. «الأشباه والنظائر» که مؤلف آن مقاتل بن سلیمان بلخی است و در سال ۱۵۰ هجری وفات کرده است، او در این تفسیر کلماتی را بیان کرده است که در لفظ متحد هستند و در معنا متفاوت می‌باشند.

۴ - [الأنعام: ۸۲].

۱- [لقمان: ۱۳].

۳. «احکام القرآن» تألیف امام شافعی - رحمه الله - که در سال ۲۰۴ هجری از دنیا رفته است و این تفسیر از کتاب‌های مشهور در باب احکام قرآن می‌باشد.
۴. «الناسخ والمنسوخ» مؤلف این کتاب ابو عبید القاسم بن سلام است که در سال ۲۲۴ هجری وفات کرده است و آیات ناسخ و منسوخ را جمع‌آوری کرده است.
۵. «احکام القرآن» تألیف امام ابوبکر جصاص - رحمه الله - که در سال ۳۷۰ هجری فوت نموده است.^۱

و امثال این‌ها که این عمل قدم دوم برای ترویج تفسیر موضوعی به حساب می‌رود، که بلاخره امروز علما و باحثین کتاب‌های مستقلی پیرامون این موضوع تألیف کرده‌اند که می‌توانیم از تفسیرهای مشخصی مانند: التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم و نماذج منه، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم لمصطفی مسلم، التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم از دکتور عبدالحمید محمود طمهاز و غیره نام برد.

فرع چهارم: انواع تفسیر موضوعی

تفسیر موضوعی را از حیث تعلق اش با قرآن میتوان به انواع ذیل تقسیم نمود.

الف: تفسیر موضوعی مربوط به اصطلاحات قرآنی

چنین است که در یک بحث علمی یک لفظ و اصطلاح خاص اختیار کرده شود که در قرآن کریم مکرراً ذکر شده است و باحث یک لفظ و اصطلاح قرآنی را از حیث لفظ و معنا در قرآن کریم جستجو نماید و همچنان مشتقات آن را نیز پیدا نموده و دلالت آن به موضوع بحث و لطایف علمی آن را استخراج نماید.

ب: تفسیر موضوعی با انتخاب موضوع قرآنی

قسمی است که محقق موضوع خاص از موضوعات قرآن کریم را که ابعاد واقعی در زنده گی فرد و جامعه داشته و یا یک موضوع علمی باشد، غرض بحث انتخاب نماید که برای مسلمانان مفید بوده و در حل مشکل دینی و امور زنده گی شان کمک نماید این نوع تفسیر موضوعی عام بوده و مخصوص بر یک سوره یا کلمه قرآن کریم نمی باشد .

۱ - مسلم، مصطفی مسلم، مباحث فی التفسیر الموضوعی، الناشر: دار القلم، الطبعة: الرابعة ۱۴۲۶هـ - ۲۰۰۵م، ص ۱۲۰

به این صورت که تحقیق کننده یک بحث کوتاه در یک موضوع را در نظر داشته و دلایل آن را در آیات قرآن جستجو نماید.^۱

ج: تحقیق روی یک موضوع معین در یک سوره

مثل تحقیق روی مسئله حقوق زن در سوره نساء و بیان حالت یهود در سوره بقره و بیان حالت نصاری در سوره مائده و قصه اصحاب کهف در سوره کهف و بیان داستان یوسف علیه السلام در سوره یوسف و غیره.

د: تفسیر موضوعی با انتخاب یک سوره قرآن کریم

درین نوع تفسیر روی یک هدف خاص و اساسی در یک سوره قرآن کریم بحث کرده می شود و هدف در این نوع محور بحث بوده و بعد از معرفی سوره و ربط آن به سوره قبلی و بعدی سوره از حیث موضوعات بحث به مقاطع تقسیم شده و آیات مربوط به هر مقطع جمع بندی می شود.^۲ که بحث ذیل هم روی این چنین تفسیر می باشد.

فرع پنجم: فواید و اهمیت تفسیر موضوعی برای سوره های قرآن کریم

الف: فواید تفسیر موضوعی:

انواع تفسیر با توجه به روش های آن به بخش های متعددی تقسیم شده، که از آن جمله می توان به تفسیر موضوعی قرآن کریم اشاره نمود، که در نزد علما تفسیر موضوعی دارای فواید زیاد و جایگاه و اهمیت خاص می باشد.

روش تفسیر موضوعی که به بررسی مباحث قرآنی به صورت جداگانه می پردازد، فواید مهم و متمایزی دارد از آن جمله:

۱. شناخت انواع هدایت الهی چون هر موضوع از موضوعات قرآنی جنبه یی هدایت الهی را در خود دارد، و تفسیر موضوعی در روشن شدن این جنبه ها کمک می کند.
۲. قدرت و توان آراسته و مزین نمودن اخلاق خود با اخلاق قرآن کریم.
۳. دست یافتن به شناخت روش های متنوع در فهم و درک قرآن کریم.
۴. فهم تفسیر موضوعی کمک می کند انسان را در رد نمودن شبهات دشمنان اسلام..

۱ - حمیضی، ابراهیم بن صالح، المدخل الی تفسیر موضوعی، ط (۱۴۳۷) هـ، ناشر: مکتبه ملک فهد الوطنیه و دار ابن جوزی، ص ۲۹.

۲ - مسلم، مصطفی مسلم، مباحث فی التفسیر الموضوعی، ص ۲۳ - ۲۸؛

۵. توان شناسایی انواع روش‌های قرآنی.

۶. ایمان انسان را زیاد می‌کند و تأثیر بسزایی در فهم خوب قرآن کریم دارد و غیره.^۱

ب: اهمیت تفسیر موضوعی:

تفسیر موضوعی از اهمیت خاصی برخوردار است و این نوع تفسیر انسان را به شکل ساده و آسان به محتویات و مفاهیم قرآن زودتر و دقیق‌تر آشنا می‌سازد، و موارد زیر بیانگر اهمیت تفسیر موضوعی است.

- این نوع از علوم قرآنی دارای منفعت بسیاری بوده، خصوصاً در عصر امروزی، که تمدن‌های ماده پرست و بی‌دین از پر کردن خالیگاه‌ها و حل مشکلات که بشر ثانیه‌های خود را در آن می‌گذرانند عاجز مانده است، چون که از رهنمود و عدالت اسلام دور شده‌اند.

- مقصد از عاجز ماندن تمدن‌های ماده‌پرست و ملحد از حل مشکلات در عصر امروزی، آشکار شدن حقیقت و ماهیت آن نزد بسیاری از اشخاص که به آن افتخار می‌نمودند است، در حالی که بدون تردید این تمدن‌ها در هر زمان و مکان عاجزاند.

این نوع از علوم قرآنی راه جدیدی برای گسترش آموزه‌های دینی بوده، که با آن به مطالعه‌ی يك موضوع واحد پرداخته می‌شود، چون که از خلال ترکیب در مورد موضوع معین و جست‌وجو در مورد مأخذ آن در تمام قرآن - چی سوره‌های مکی باشد و یا مدنی - و برای واضح ساختن همه جواب آن، توجه باحث یا مفسر در مطالعه‌ی آن به صورت عام و تام مهیا می‌شود، که اگر مفسر تفسیر را به صورت عموم مطالعه نماید چنین آماده‌گی را حاصل نخواهد کرد.

همچنین این نوع تفسیر به دانشمندان رشته‌های مختلف مجال تحقیق را وسیع می‌گرداند، تا آن چه را که مربوط به تخصص وی در قرآن است به گونه عمیق‌تر از آن چه که دیگران به آن پرداخته‌اند روشن کنند.

مثلاً: متخصص فقه به تفسیر آیاتی که در آن تشریح احکام و حدود و غیره است می‌پردازد، متخصص رشته‌ی اقتصاد به تفسیر آیاتی که درباره‌ی مال، توزیع، تولید و انفاق است می‌پردازد،

۱- زهرانی، احمد بن عبدالله، التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم ونماذج منه، الناشر: الجامعة الاسلامیة بالمدينة المنورة ۱۴۱۳ هجری، ص ۱۲-۱۳

ستاره‌شناس یا فلک‌شناس و متخصص علم فزیک به تفسیر آیات کونی یا تکوینی جهان هستی می‌پردازد و متخصص تعلیم و تربیه به تفسیر آیات توجیهی، قصص و عبرت‌ها و غیره می‌پردازد. بنابراین هر متخصص به موضوع تخصص و رشته‌ی مورد علاقه‌ی خود می‌پردازد، بر آن تمرکز نموده و بر اساس قواعد تفسیری در نظر گرفته شده در آن تجدید و نوآوری می‌کند، که این بسیار مفید می‌باشد.

- و موضوع دیگر این‌که این نوع تفسیر سازنده است، چون برای مردم نوع دیگری از اعجاز معنای قرآن را تمثیل می‌کند و ساحه‌ی آن وسیع بوده و موضوعات با ارزش را در بر می‌گیرد که معادل است با صدها کتاب، هر چند که صفحات این نوع تفسیر محدود باشد، در معنا، وجوه و گسترده‌گی آن مطالب ارزشمندی نمایان شده است، و آن هم توسط یک مرد اُمی در یک ملت بی‌سواد آورده شده است.^۱

موضوع دوم: تعریف سوره‌ها

فرع اول: تعریف لغوی واژه‌ی سوره

ابن فارس^۲ (س، و، ر) را از یک اصل دانسته است که بر بلندی و ارتفاع دلالت می‌کند مانند - سَارَ یَسُورُ - یعنی فلان کس قهرش ارتفاع گرفت. و السُّور جمع "سوره" معنای هر طبقه از منزل می‌باشد.^۳

فیروز آبادی^۴ - رحمه الله - در قاموس المحيط گفته است که السُّور حائط المدینه یعنی سور معنای دیوار شهر را می‌دهد که جمع آن أسوار و سیران می‌باشد.^۵

۱ - ألمعی، دکتور زاهر بن عواض، درسات فی التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم، طبع: دوم سال ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۱ م، ص ۱۹-۲۰.
۲ - ابن فارس: احمد بن فارس بن ذکریا قزوینی رازی، از ادبیات لغت و ادب است، او در سال ۳۲۹ هـ - موافق با ۹۴۱ م تولد شده است. اصل او از قزوین است و مدتی در همدان اقامت گزیده بعد به ری سفر کرده و در آنجا در سال ۳۹۵ هـ مطابق ۱۰۰۴ م وفات کرد. از تصانیف آن مقابیس اللغة و المجلد در علم عربی، جامع التأویل فی تفسیر القرآن است. الاعلام للزرکلی ج ۱ ص ۱۹۳.

۳ - ابن فارس، معجم مقابیس اللغة ص ۳۷۵ ماده «سور»
۴ - امام مجد الدین ابو طاهر، محمد بن یعقوب بن محمد بن ابراهیم بن عمر الشیرازی الفیروزآبادی، متوفی سال ۸۱۷ هـ ق می‌باشد. ایشان از جمله بزرگان اهل علم در عصر خویش بوده و در عده‌ی کثیر از علوم اسلامی علی الخصوص زبان و آداب آن، دست بلند داشت و نیز وی تألیفات زیاد را از خود به جای گذاشته است بزرگ‌ترین اثر گرانمایه‌ی او عبارت از قاموس (المحیط) که نام مکمل آن " القاموس المحيط و القاموس الوسیط الجامع لما ذهب من کلام العرب شماطیط" می‌باشد که از جمله مشهورترین قوامیس زبان عربی پنداشته می‌شود. زرکلی، الاعلام ج ۱ ص ۳۱۳.

۵ - فیروزآبادی، مجد الدین محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، دار الحدیث القاہرہ، ص ۴۳۲.

واژه‌ی سوره در قرآن کریم به دو معنی به کار رفته است نخست به معنای بخش و قسمت از قرآن ﴿فَاتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ﴾^۱ دوم واژه‌ی سوره در قرآن کریم به معنای پرده و حایل آمده، چنانچه الله متعال

می‌فرماید: ﴿فَضْرِبَ بَيْنَهُمْ سُورًا لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ﴾^۲

فرع دوم: تعریف اصطلاحی سوره

" طائفة من الآيات القرآنية لها بدء ونهاية " ^۳

«سوره: مجموعه‌ی از آیات قرآن کریم است که آغاز و پایان دارد.»

یا ممکن است گفته شود: سوره عبارت از جزء معین است که مبدأ آن قرآن بوده که تغییرناپذیر می‌باشد و به اسم خاصی مسمی بوده که سه یا بیش‌تر از آیات را در بر گرفته و معنای آیات آن به اساس یک هدف مکمل متمرکز می‌باشد که اساس آن را اسباب نزول یا مقتضیات که شامل معانی مناسب بوده است، تشکیل می‌دهد.^۴

موضوع سوم: ویژه‌گی‌های تفسیر موضوعی سوره‌ها

می‌توان ویژه‌گی‌های تفسیر موضوعی سوره‌های قرآن کریم را در موارد ذیل برشمرد:

۱. بحث تمهیدی راجع به تعریف سوره با ذکر اسم توفیقی و اجتهادی سوره، ربط در میان نام توفیقی و اجتهادی، وجه تسمیه، سبب نام‌گذاری، تعداد آیات، فضایل خاص سوره، مکان نزول، سبب نزول سوره. البته این بحث تمهیدی در تفسیر موضوعی یک سوره یکی از روش‌های خاص و مهم تفسیر موضوعی سوره‌ها قرآن کریم می‌باشد که در مباحث بعدی ممد و مهم می‌باشد.
۲. مشخص نمودن زمان و مکان (مکی و مدنی بودن) سوره و این‌که در کدام مرحله دعوت به دین اسلام از دو دور مکی و مدنی رسالت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نازل شده است.

۱ - [البقرة: ۲۳]

۲ - [الحديد: ۱۳]

۳ - اسماعیل، محمد بکر اسماعیل (متوفی ۱۴۲۶هـ)، دراسات فی علوم القرآن، الناشر: دار المنار، طبع دوم سال ۱۴۱۹هـ - ۱۹۹۹م، ص ۵۶.

۴ - ابو العلاء، عادل بن محمد، مصابیح الدرر فی تناسب آیات القرآن الکریم والسور، ناشر: مؤسسة الرسالة، بیروت - لبنان ۱۴۳۴هـ - ۲۰۰۴م ص ۲۴.

۳. بیان نمودن اهداف اساسی و مقاصد مهم سوره رعایت قرائت‌ها در آیات سوره جهت استدال برای اهداف و مقاصد سوره.
۴. مشخص نمودن موضوع و محور سوره به صورت مختصر و فشرده و بیان ربط آیات به موضوع و محور سوره.
۵. بیان ربط و مناسبت سوره به ماقبل و مابعد در ترتیب مصحفی از حیث تناسب آن به موضوعات عام در هر دو سوره و بیان ربط و مناسبت آیات سوره به همدیگر و با موضوع و محور سوره و ربط مقاطع سوره به یکدیگر.
۶. تقسیم سوره به مقاطع و جمع‌بندی آیات مربوط به هر مقطع و تقسیم سوره‌های طویل و متوسط به مراحل و مشخص نمودن آیات برای هر مرحله.
۷. خلص نمودن حقایق خاص، دلالت‌ها و اشارات در سوره و تطبیق آن به ابعاد واقعی و مشکلات بشری در عصر حاضر.
۸. تفسیر سوره با استفاده از شیوه‌های تفسیری و با استدلال از اقوال مفسیرین با مراجعه به کتب معتبر تفسیر.
۹. رعایت وحدت موضوعی در سوره‌ها و محور سوره که موضوعات آن سوره در اطراف آن می‌چرخد برخی از محققین مقاصد سوره‌ها را عنوان تحقیق قرار داده‌اند مثل: بیان فتن در سوره‌ی کهف و شرح الوهیت در سوره‌ی انعام و ترکیز به اصلاح مجتمع در سوره‌ی حجرات.^۱

موضوع چهارم: اهداف تفسیر موضوعی قرآن کریم

علما موارد ذیل را از اهداف تفسیر موضوعی قرآن کریم بر شمرده‌اند:

ذریعه‌ی این علم به حسب طاقت بشری معانی سوره‌ها و آیه‌های قرآن کریم توضیح گردیده و مراد الله متعال و مقاصد اصلی قرآن کریم با رعایت مصالح بشری در تمام عصرها واضح می‌شود این علم از اسلوب‌های مهم و مفید در تقریب معانی آیات و سوره‌های قرآن

^۱ - عیص، زید عمر عبدالله، التفسیر الموضوعی بین التاویل والتمثیل، ناشر: دار الحدیث، طبع دوم، ص ۲۹.

کریم بوده و قضایای معاصر را با قرآن کریم ربط می‌دهد می‌توان اهداف و فواید تفسیر موضوعی را ذیلاً برشمرد:

۱- این علم به شیوه‌ی تفسیر قرآن به قرآن کمک می‌نماید زیرا در تفسیر موضوعی یک موضوع یا مصطلح تحقیقی در آیات متعدد قرآن کریم جست‌وجو شده و آیات متعدد برای توضیح آن جمع‌آوری می‌شود تا این که بعضی آیات توسط بعضی آن تفسیر شده و موضوع مورد نظر بیان شود.

۲- این شیوه‌ی تفسیری قرآن کریم یک شیوه‌ی جدید قرآن است که برای دسترسی به تفسیر قرآن کریم و مقالات تحقیقی به حسب ایجابات زمانی مهم بوده و از افکار منحرف‌کننده که برخی از نویسندگان آن را تفسیر معاصر قرآن کریم می‌نامند جلوگیری می‌شود.

۳- این شیوه‌ی تفسیر قرآن کریم متضمن انواع هدایات ربانی از خلال تحقیقات موضوعی و مصطلحات قرآن کریم بوده که زمینه‌ساز تأمل و تدبر در قرآن کریم می‌باشد.

۴- قرآن کریم یک کتاب زمان‌شمول بوده و معالجه‌ی همه‌ی قضایای معاصر در آن نهفته است که از خلال بیان مقاصد قرآنی و عبرت گرفتن از موعظه‌ها، قصص و هدایات آن به دست می‌آید و راه رسیدن به آن شیوه‌ی تفسیر موضوعی می‌باشد.^۱

۵- از طریق شیوه‌ی تفسیر موضوعی شکوک و شبهات خواهش‌پرستان و دشمنان اسلام و دخالت آنان در قرآن کریم در زمان‌های سابق و عصر جدید رد می‌شود که این خود یکی از اهداف تفسیر موضوعی می‌باشد.

^۱ - عیص، زید عمر عبدالله، التفسیر الموضوعی بین التناصیل و التمثیل، ناشر: دار الحدیث، طبع دوم، ۲۷.

۶- از همین طریق وجوهات جدید اعجاز قرآن کریم برملا می‌گردد زیرا در تفسیر موضوعی آیات که در یک امری تشریحی یا قضایای علمی دیگر وارد شده جمع‌آوری شده و دلالت آن به امر تشریحی و قضایای علمی با استفاده از علوم معاصر بررسی می‌گردد.

۷- از همین طریق برخی از علوم معاصر مثل علوم اقتصادی، تربیوی، سیاست مدنی و غیره از تحقیق و جست‌وجوی آیات قرآن کریم به‌دست می‌آید.

۸- این شیوه‌ی تفسیری در واقع تفسیر قرآن کریم با اتباع از مفسرین قدیم با شیوه و مفکوره جدید می‌باشد که برای تدریس در جامعات و دانشگاه‌ها مطابق به خواست‌های عصر جدید بوده که مصالح و خواست‌های امت اسلامی در همه جوانب دینی و اجتماعی در آن رعایت می‌گردد و از همین طریق وضعیت زنده‌گی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مسلمانان در عصر کنونی بهبود می‌یابد.^۱

^۱ - سعید، عبد الستار فتح الله، المدخل الی التفسیر الموضوعی، ناشر: دار التوضیح و النشر الاسلامیه - قاهره - مصر، سال ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۱ م، ص ۴۰.

موضوع پنجم: معرفی سوره‌ی مبارکه‌ی الجاثیه

فرع اول: نام و وجه تسمیه‌ی سوره‌ی جاثیه:

الف: معنای نام جاثیه: جَنَّا: روی زانوهایش نشست، چنان چه الله متعال می‌فرماید: {وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ

جَائِيَةً} ای: بارکة علی ركبها. ^۱ «نشسته بر زانو»

نام این سوره نزد اکثر علما جاثیه است، به سبب این‌که همه‌ی مخلوقات از اثر دیدن حالات شدید روز قیامت به زانو می‌افتند و وحشت‌زده منتظر حساب می‌باشند. این نام از آیتی گرفته شده که در سوره‌ی مذکور است، ﴿وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً﴾.

(در کتاب الدر المنثور از ابن عباس^۲ - رضي الله عنه - در مورد این سوره روایت است که اسم این سوره (حم الجاثیه) بوده و در بخش سوره‌های ذکر گردیده، که در مکه نازل شده و حاکم در مستدرکش این سوره را (حم الجاثیه) نام‌گذاری نموده است.^۳

این سوره دارای دو اسم توقیفی^۴ نیز می‌باشد، عبارت است از: (سورة الشريعة) و (سورة الدهر) سبب مسمی شدن به این نام‌ها الشريعة و الدهر ذکر این نام‌ها در سوره است، مثلاً: الشريعة ﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ...﴾ و الدهر ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ...﴾ قول اول (اسم اول) به عبد الله بن زبیر^۵ و همه‌ی اهل حرمین منسوب گردیده است و اسم دوم را آلوسی^۶ و

^۱ - راضی، یاسراسماعیل، البطاقات ۱۱۴ بطاقة تعریف بسور قرآن الکریم، ط۱ مدینه منوره ۱۴۴۱هـ - ۲۰۲۰م، ص ۴۵.

^۲ - ابن عباس: عبدالله بن عبدالمطلب، پسر کاکای نبی - صلی الله علیه وسلم - حبر امت، مقلب به ترجمان قرآن، یکی از کسانی شش گانه که مکرر در روایت حدیث از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به وی چنین دعا نمود: «اللهم فقهه فی الدین و علمه التاویل» در سال ۶۸ هـ در طایف از دنیا رحلت نمود. عسقلانی، ابن حجر، الاصابه فی تمیز الصابه، ج ۴، ص ۱۲۱.

^۳ - حاکم، أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ناشر: دار الکتب العلمیه - بیروت، طبع: اول، ۱۴۱۱ - ۱۹۹۰، ج ۲ ص ۴۹۰.

^۴ - توقیفی: حکم یا موضوع متوقف بر بیان شارع را توقیفی گویند یعنی هر حکم یا موضوعی که عقل بدان راه نداشته و منوط به بیان شارع مقدس باشد توقیفی نامیده می‌شود مانند: نماز، روزه.....

^۵ - عبدالله فرزند زبیر بن عوام، از قبیله‌ی قریش و تیره‌ی بنی هاشم بود. مادرش اسماء نام داشت و دختر خلیفه‌ی اول، ابوبکر بود، عبدالله بن زبیر اولین کودک از مهاجران بود که در شوال سال دوم هجری در مدینه دیده به جهان گشود و به همین خاطر مهاجران را خوشحال نمود. عبدالله سرانجام در جنگ با حجاج، در ماه جمادی الآخر سال ۷۳ به قتل رسید. او در هنگام مرگ ۷۲ سال داشت. Wikifeqh.ir.

^۶ - آلوسی: ابو النشاء شهاب الدین (۱۲۷۰-۱۲۱۷ هجری، ۱۸۵۴-۱۸۰۲ م) شهاب الدین محمود بن عبدالله آلوسی، وی یکی از علماء برجسته فقه حنفی، مفسر، ابیب لغت عربی در سده‌ی سیزدهم هجری بوده است وی دارای ذکاوت عجبی بود در سن ۱۳ سالگی شرح بر قطر الندوی نوشت سپس بدست آورد اجازه روایت را، از بسیار علمای بغداد وی یکی از اساتید مشهور وقت بوده است و مقلب گردید به «علامه» مولفات وی بیشتر از بیست اند از جمله مشهور ترین آن دقائق التفسیر، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی (یعلبکی معنیر «الوسی» نگاه شود: الوافی فی الوافیات، مولف: صلاح الدین خلیل بن ایبک الصفدی، ط: دار احیاء التراث - بیروت، ۱۳۲۰ هـ ۴۰۰۰م، تحقیق احمد الارناؤوط و ترکی مصطفی، ج ۱، ص ۹۶.

ابن عاشور^۱ ذکر نموده‌اند و ابن عاشور فرموده است: این سوره به سبب منفرد واقع شدن کلمه دهر به این نام مسمی شده است.

فرع دوم: زمان و محل نزول و ترتیب آن:

الف: زمان و محل نزول: در این مورد دو قول وجود دارد:

اول: این‌که سوره‌ی الجاثیة به اتفاق سلف از سوره‌های مکی بوده و نظر به ترتیب مصحف بعد از سوره‌ی حم الدخان و قبل از سوره‌ی حم الأحقاف نازل شده است.^۲

قول دوم: زمان نزول این سوره در روایت معتبری وارد نشده است. اما مضامین آن به روشنی احساس می‌شود که این سوره اندک زمانی پس از سوره‌ی دخان نازل شده باشد، چرا که در مضامین هر دو سوره چنان شباهتی وجود دارد که گویی دوگانه‌گی به نظر می‌رسند.^۳

ب: ترتیب نزول:

در رابطه به ترتیب نزول این سوره علما می‌گویند: سوره‌ی جاثیة در ترتیب مصحف عثمانی ۴۵ و در ترتیب نزولی ۶۵ سوره است که بعد از سوره‌ی دخان و قبل از سوره‌ی حم الأحقاف نازل شده است.^۴

فرع سوم: تعداد آیات، کلمات و حروف سوره‌ی مبارکه‌ی جاثیة

وهی سبع و ثلاثون آية وأربعمائة وثمان وثمانون كلمة وألفان ومائة وأحد وتسعون حرفاً.^۵
تعداد آیات سوره‌ی جاثیة ۳۷ آیه بوده، تعداد کلمات آن چهارصد و هشتاد و هشت (۴۸۸) کلمه و تعداد حروف آن به دوهزار و یک صد نود و یک (۲۱۹۱) حرف می‌رسد.

۱- ابن عاشور محمد ظاهر بن عاشور: رئیس مفتیان مالکی تونس و رئیس دانشگاه الزيتونة تونس بود. در سال (۱۲۹۶) تولد شده و در سال (۱۳۹۳) وفات کرده است، مهم‌ترین اثر او تفسیر التحرير والتتوير است. رزکلی، الأعلام، ج ۶ ص ۱۷۳.
۲- ابن ضریب، ابو عبالله محمد بن ایوب، فضائل القرآن، (متوفی ۲۹۴هـ)، تحقیق: غزوة بدیر، الناشر: دار الفکر، دمشق- سوریه ۱۴۰۸هـ - ۱۹۸۷ م، ص ۲۴
۳ مودودی، مولانا سید ابو الاعلی، تفهیم القرآن، ناشر: نشر احسان، چاپ اول - ۱۳۹۸، ص ۴۹۱
۴ - طویل، احمد بن احمد بن محمد عبدالله، محتویات سور القرآن الکریم، ریاض، طبع اول سال ۱۴۳۴هـ - ۲۰۱۳م، ص ۲۷۳.
۵- خازن، علاء الدین علی بن محمد بن ابراهیم، معروف به خازن (متوفی: ۷۴۱هـ-)، تفسیر خازن مسمی به لباب التأویل فی معانی التنزیل، محقق: تصحیح محمد علی شاهین، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى - ۱۴۱۵ هـ، ج ۴، ص ۱۲۲.

فرع چهارم: مکی یا مدنی بودن سوره‌ی جاثیه

امام قرطبی^۱ در تفسیر خود چنین گفته است: این سوره بنا بر قول حسن^۲، و جابر^۳، و عکرمه^۴ - رحمهم الله - مکی گفته شده است و ابن عباس، و قتاده^۵ - رضي الله عنهما - آیه‌ی ذیل را ﴿قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُ وَالَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (جاثیه: ۱۴) گفته‌اند که در مدنی و در مورد عمر بن الخطاب^۶ - رضي الله عنه - نازل شده است.

شیخ محمد بن صالح العثیمین^۷ - رحمه الله - فرموده است " درباره‌ی مکی و مدنی بودن یک سوره اصل این است که هر گاه یک سوره‌ی قرآن کریم مکی گفته شود لازم است تا تمامی آیات آن مکی باشد و هر گاه یک سوره‌ی مدنی گفته شد نیز باید تمامی آیات آن مدنی باشد و اگر چند آیت در یک سوره‌ی مکی مدنی شمرده شود و برعکس آن در یک سوره‌ی مدنی چند آیت به مکی بودن استثناء گردد، باید در هر دو صورت دلیل موجه بر آن وجود داشته باشد"^۸

قسمی که قبل اشاره گردید در این مورد قول ابن عباس، و قتاده - رضي الله عنهما - را من حیث دلیل ذکر کرده و گفتیم که یک آیت این سوره به قول ابن عباس، و قتاده - رضي الله عنهما - یعنی آیت ۱۴ مدنی است اما بنا بر قول عده‌ی دیگر از مفسرین تمام آیات این سوره‌ی مکی است.

-
- ۱- امام قرطبی - رحمه الله - : ابو عبدالله محمد ابن احمد بن ابوبکر بن فرح انصاری خزرجی اندلسی قرطبی یکی از امامان بزرگ تفسیر بوده که در قرن هفتم می‌زیست. قرطبی در سال ۶۰۱ هجری قمری در شهر قرطبه دیده به جهان گشوده است و در سال ۶۷۱ هجری قمری در همان شهر دیده از جهان بسته است، شمس الدین داودی - طبقات المفسرین ۱۴۰۳ هجری ۱۹۸۳ م، الناشر بار الکتب العلمیه ط ۱ ج ۲ ص ۶۵- سال چاپ ۱۹۹۵ م بیروت دار القلم.
 - ۲- حسن بصری، ابو سعید حسن بن یسار البصری از جمله‌ی تابعین است. موصوف تابعی بزرگواری است، که در مدینه‌ی منوره به دنیا آمده و در زیر سایه‌ی شفقت حضرت امر المؤمنین علی بن ابی طالب - رضي الله عنه - بزرگ شده است. حضرت حسن بصری از اهل بصره بوده و یکی از علمای وارسته، فقهای متبحر، دانشمندان فصیح و عارفین زمان خود بود. نامبرده بیش‌ترین علم خود را از حضرت علی - رضي الله عنه - آموخته است. الأعلام لزرکلی، ج ۲ ص ۲۲۶.
 - ۳- جابر بن عبدالله بن عمرو بن حرام اسلمی یک تن از اصحاب جلیل القدر پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بوده که در سال ۷۸ به عمر ۹۴ ساله‌گی وفات نموده است همچنان ایشان از جمله آن عده از اصحاب‌اند که در بیعت الرضوان حضور داشت. تاریخ الاسلام للذهبی ج ۱ ص ۳۰۲ بیروت دار القلم.
 - ۴- عکرمه، عالم بزرگ ابو عبدالله عکرمه بربری مدنی هاشمی، از ابن عباس، عایشه و ابو هریره روایت کرده است، در مورد خود میگوید: چهل سال طلب علم نمودم، ابن عباس زنجیر بر پایم می‌نهاد تا قرآن و سنت را بیاموزم، مردمان بسیاری از او روایت نموده‌اند، در سال ۱۰۴ هـ وفات نموده است. تفسیر المفسرون، ج ۱ ص ۸۴.
 - ۵- قتاده بن دعامة بن قتاده بن عزیز السدسی؛ از جمله‌ی بزرگان تابعین به حساب آمده و مفسر و محدث عصر خویش بود. ایشان در سال ۶۰ هجری به دنیا آمده و در سال ۱۱۷ هجری وفات یافته است. ذهبی، سیر اعلام النبلاء: ج ۵ ص ۲۷۰.
 - ۶- عمر - رضي الله عنه - فرزند خطاب؛ اسم کنیه‌ی شان ابو حفص و اسم لقب‌شان فاروق بود، سه سال بعد از عام الفیل در مکه مکرمه متولد شده و به عمر ۶۳ سالگی بعد از ده و نیم سال خلافت به شهادت رسیده است. مولف: دکتر علی محمد صلابی، (بررسی و تحلیل زنده‌گانی خلیفه‌ی دوم): طبع: ۱۳۸۸ هـ. ش ۱۴۳۱ هـ. ق، بیروت - لبنان - دار المعرفه، ص ۲۲.
 - ۷- ابو عبدالله محمد بن صالح العثیمین الوهیبی التمیمی، در ۲۷ رمضان سال ۱۳۴۷ هجری مطابق به ۹ مارچ سال ۱۹۲۹ میلادی در منطقه عنیزه سعودی دیده به جهان گشود وی یک عالم بزرگ فقیه، خطیب، استاد پوهنتون و عضو سابق در هیئت کبار علما بوده که از وی صدها اثر گران‌سنگ در عرصه‌های مختلف به جا مانده است بلاخره وی در ۱۵ شوال سال ۱۴۲۱ هجری مطابق به ۲۰۰۱ میلادی در سن ۷۴ سالگی دار فانی را وداع گفت. منبع: پایگاه پرسمان و هابیت.
 - ۸- عثیمین محمد بن صالح، تفسیر سوره‌ی زمر، ط ۱ - ۱۴۳۶ - مؤسسه‌ی محمد بن صالح العثیمین الخریه، ص ۸ و ۹

فرع پنجم: موضوع و محور اساسی سوره‌ی جاثیه

موضوع و محور این سوره همانند دیگر سوره‌های مکی، به ویژه سوره‌های هفت‌گانه‌ی آل حم است که تأویل و ترسیخ عقیده‌ی اسلامی و عناصر و ارکان سه‌گانه‌ی آن مَطْمَح نظر می‌باشد؛ این عناصر عبارتند از: ایمان به الله تعالی و یگانه‌گی او، و اعتقاد به نزول قرآن از نزد الله متعال و به پیامبری محمد - صلی الله علیه وسلم - و رسالتش، و تصدیق به روز آخرت و حساب و برانگیخته شدن و پاداش اخروی.^۱

فرع ششم: فضایل سوره‌ی جاثیه

قرآن کریم در کل دارای فضیلت زیادی است حتی علما در مورد فضیلت قرآن کریم کتاب‌های زیادی تألیف و تصنیف کرده‌اند. در ضمن این‌که قرآن کریم فضیلت کلی دارد هر یکی از سوره‌های قرآن کریم خالی از فضیلت نیستند چون فضیلت کل در برگیرنده‌ی فضیلت جزء است. گرچند در مورد فضایل سوره جاثیه از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - به شکل خاص کدام حدیثی روایت نگردیده است. بناءً می‌توان حدیث عبد الله بن مسعود - رضی الله تعالی عنهما - را که در باب فضایل قرآن کریم وارد شده است، در مورد فضایل این سوره ذکر کرد، زیرا سوره‌ی جاثیه نیز یکی از جمله سوره‌های قرآن کریم بوده، و همه احادیث که در مورد فضیلت قرآن کریم به شکل عام روایت شده‌اند، این سوره را نیز شامل می‌شوند.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: " مَنْ قَرَأَ حَرْفًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَلَهُ بِهِ حَسَنَةٌ، وَالْحَسَنَةُ بِعَشْرِ أَمْثَالِهَا، لَا أَقُولُ الْم حَرْفٌ، وَلَكِنْ أَلِفٌ حَرْفٌ وَوَاوٌ حَرْفٌ وَمِيمٌ حَرْفٌ " ^۲

«از عبد الله بن مسعود - رضی الله تعالی عنهما - روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: کسی که یک حرف از کتاب الله عزوجل را تلاوت نماید در برابر آن حرف به آن شخص پاداش داده می‌شود، و پاداش آن ده برابر است، نمی‌گویم که (الم) یک حرف است بلکه الف یک حرف و لام یک حرف و میم یک حرف مستقل می‌باشد، که در مقابل هر یک این حروف ده ثواب داده می‌شود.»

۱- زحیلی، ا. د. وهبة بن مصطفى، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، مترجم: سيد جمال الدين «هروي» ج ۲ ص ۲۷۲. ناشر: دار ...
۲ - ترمذی، محمد بن عیسیٰ أبو عیسیٰ الترمذی السلمي، الجامع الصحیح سنن الترمذی، الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر، تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون، ج ۵ ص ۱۷۵ رقم ۲۹۱۰، قال أبو عیسیٰ هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ غَرِيبٌ مِنْ هَذَا الْوَجْهِ، حكم الألباني: صحیح.

موضوع ششم: مناسبت در میان سوره‌ها و اهمیت آن

فرع اول: تعریف مناسبت در لغت و در اصطلاح

الف: مناسبت در لغت:

مأخوذ از نسب (ن، س، ب) بوده و یک کلمه‌ی واحد می‌باشد، به معنای پیوستن چیزی به چیزی دیگری است^۱، فلان شخص با آن شخص مناسبت دارد، پس آن شخص نسیب (قریب) آن شخص دیگر است و میان آنان مناسبت (مشابهت) وجود دارد.^۲

زرکشی فرموده است: «مناسبت در لغت یعنی نزدیک به هم بودن و فلان چیز با فلان مناسبت است، یعنی بدان نزدیک است و همانند آن. واژه‌ی «نسیب» نیز از همین ریشه است که همان خویشاوند نزدیک می‌باشد؛ مانند: دو برادر یا پسر کاکاها و جز آن...»^۳

ب: مناسبت در اصطلاح مفسرین

ابوبکر بن العربی^۴ در کتابش «سراج المریدین» مناسبت را چنین تعریف نموده است: «ارتباط آیت‌های قرآن کریم با همدیگرش مانند کلمه‌ی است که معانی اش مرتبط و حروفش منظم است.»^۵

سیوطی فرموده است: «مناسبت به معنای هم‌شکلی و هم‌بستگی میان آیات، و پیوند معنایی آیه‌ی با آیه دیگر است که گاه به صورت عام و خاص، گاه پیوند عقلی، حسّی و خیالی یا نوعی از علاقه و تلازم ذهنی مثل سبب و مسبّب، علت و معلول و یا حتی دو مخالف و ضدی است که پیوسته‌گی موضوعی را نشان می‌دهد.»^۶

و زرکشی فرموده است: «که مناسبت عبارت است از امری معقولی است، هرگاه به عقل‌ها پیشکش گردد با قبول آن را تلقی می‌کنند.»^۷

۱ - ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریاء القزوینی الرازی، معجم مقیاس اللغة، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، ناشر: دار الفکر، سال ۱۳۹۹ هـ - ۱۹۷۹ م ج ۵ ص ۴۲۳.

۲ - رازی، زین الدین ابو عبدالله محمد بن ابی بکر بن عبد القادر الحنفی الرازی (ت ۶۶۶ هـ)، مختار الصحاح، محقق: یوسف شیخ محمد، ناشر: المكتبة العصرية - دار النموذجية، بیروت - صیدا، طبع پنجم سال ۱۴۲۰ هـ - ۱۹۹۹ م، ص ۳۰۹.

۳ - زرکشی، امام بدر الدین محمد بن عبد الله الزرکشی، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، ج ۱ ص ۵۲.

۴ - ابو بکر بن العربی: محمد بن عبدالله بن محمد المعافری الاشبیلی المالکی، یکی از ائمه مالکی، فقیه، محدث، مفسر، اصولی، ادیب و تکلم است، بر سال (۴۶۸ هـ) در (اشبیلیه) تولد یافت بعد از اخذ علوم از نزد پدرش و علمای اشبیلیه با معیت پدرش راهی دمشق شد، در علوم دین به رتبه اجتهاد رسید، در حدیث، فقه، اصول، تفسیر، ادب، تاریخ، تصنیفات زیاد دارد، و زمانی هم متولی قضای (اشبیلیه) بود، ابن بشکوال می‌گوید: ابن العربی ختام علمای اندلس و آخرین ائمه و حفاظ اندلس است، و در سال (۵۴۳ هـ) در قریب فارس وفات نمود و در آنجا دفن شد: از الاعلام زرکلی: ج ۶ ص ۲۳۰.

۵ - سیوطی، جلال الدین، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۳ ص ۲۶۹.

۶ - سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۳ ص ۲۷۱.

۷ - زرکشی، امام بدر الدین محمد بن عبد الله الزرکشی، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، ج ۱ ص ۳۵.

در این صورت مناسبت علمیست که وجوه‌های ارتباط و مشابهت آیات و سوره‌ها را آشکار می‌سازد.^۱

فرع دوم: اهمیت علم مناسبت در میان سوره‌ها

نخست: ارتباط آن با کتاب الله است، و آیا در دنیا کتاب با عظمت‌تر و با منزلت از کتاب الله وجود دارد؟ پس نسبت منزلت و شرف این علم از برای منزلت و شرف کسی است که این را بیان، نقل و ابلاغ نموده است، چنان‌که بیان دارنده‌اش الله، نقل‌کننده‌اش بهترین ملائکه (جبریل علیه السلام) به بهترین، کامل‌ترین و با عظمت‌ترین بشر، محمد رسول الله - صلی الله علیه وسلم - است.

دوم: این علم یکی از وجوه اعجاز قرآن کریم محسوب می‌گردد، سیوطی فرموده است: «نوع چهارم از اعجاز قرآن: مناسبت آیات و سوره‌ها و ارتباطشان با همدیگر است، تا این‌که یک کلمه‌ی واحد در ترتیب معانی و تنظیم اساس باشد، چنان‌که علما در مورد اسرار آن تألیفات بسیاری کرده‌اند، من جمله علامه ابو جعفر بن الزبیر، شیخ ابی حیان در کتابی چنین آن را مسمی نموده است: البرهان فی مناسبت ترتیب سور القرآن.

و از اهل این عصر شیخ برهان الدین بقاعی در کتاب به نام نظم الدرر فی تناسب الآی والسور مسمی نموده است. و کتاب را که خودم در مورد اسرار التنزیل تصنیف نموده‌ام کفیل آن است، کتاب جامعی برای مناسبات سوره‌ها و آیات همراه ضمیمه‌ی مرتب همه وجوه اعجاز و اسلوب‌های بلاغی است. و خلاصه مناسبات سوره‌ها را در جزء جداگانه قرار داده‌ام و آن را به نام تناسق الدرر فی تناسب السور مسمی گردانیده‌ام. و همچنان گفت: «علم مناسبت علمی شریف است، اهتمام مفسرین به آن از لحاظ دقت و اهمیت آن کم بوده، ممکن است بیش‌ترین اهتمام را به آن امام فخر الدین رازی نموده باشد، چنان‌که در تفسیرش فرمود: بیش‌ترین لطایف قرآن در بخش ترتیب و روابط قرار دارد.»^۲

۱ - سیوطی، الإیتقان فی علوم القرآن، ج ۱ ص ۲۷ - ۳۵.
۲ - سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر جلال الدین، (متوفی ۹۱۱ هـ)، معترك الأقران فی اعجاز القرآن، ناشر: دار الکتب العلمیه - بیروت - لبنان، طبع: اول ۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۸ م، ج ۱ ص ۴۳.

فرع سوم: مناسبت سوره‌ی جائیه به ماقبل و مابعد

تمام سوره‌های قرآن کریم با یک دیگر ارتباط و مناسبت دارند چون قرآن کریم در مجموع به اشکال و عبارات گوناگون یک موضوع را که عبارت از هدایت و رهنمایی انسان به سوی معرفت خداوند متعال و شناخت آخرت است، دنبال می‌کند.

الف: مناسبت آغاز سوره با آخر آن

این سوره با سخن در مورد دو اسم الله متعال (عزیز و حکیم) آغاز گردیده که در ابتدای آن الله متعال می‌فرماید: ﴿حَم، تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾^۱، و هم چنان با این دو اسم مبارک الله ذو الجلال سوره

خاتمه یافته است.^۲ چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾^۳

ب: مناسبت سوره‌ی جائیه با سوره‌ی ماقبل

سوره‌ی جائیه نیز به سوره‌ی ماقبلش که سوره‌ی دخان است، خالی از مناسبت نیست، که مفسرین آن را چنین بیان کرده‌اند:

سوره‌ی دخان به توصیف و مدح قرآن پایان یافت است چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾^۴ (پس جز این نیست که ما "فهم" قرآن را با زبان تو" که زبان فصیح و گویاست" آسان ساختیم تا آنان متذکر و هوشیار شوند). و سوره‌ی جائیه به ذکر عظمت قرآن آغاز می‌گردد قسمی که الله متعال می‌فرماید: ﴿حَم، تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ﴾^۵ (ح.م.م. این کتاب (قرآن نام) از سوی خداوند باعزت و باحکمت نازل می‌گردد).^۶

در سوره‌ی گذشته تخویف به عذاب است و در این سوره راه نجات از این عذاب ذکر است.

در سوره‌ی قبلی ذکر نعمت‌ها بر بنی اسرائیل است و در این سوره ناسپاسی آن‌ها بیان شده است.

۱ - [الجائیه: ۲-۱]

۲ - راضی، یاسر اسماعیل، البطاقات ۱۱۴ بطاقة تعريف بسور قرآن الکریم، ط۱ مدینه منوره ۱۴۴۱ هـ - ۲۰۲۰ م، ص ۴۵

۳ [الجائیه: ۳۷]

۴ - [الدخان: ۵۸]

۵ - [الجائیه: ۲-۱]

۶ - بدخشانی، محمد اکرام الدین، ازهرالبیان فی تفسیر کلام رحمان، چاپ دوم، ناشر: مکتبه اسلامی لاهور، تاریخ ۱۳۹۴ هـ، ج ۷، ص ۶۴۸.

در سوره‌ی دخان عظمت قرآن کریم ذکر شده است و در این سوره زجر شدیدی برای مخالفت‌کننده‌گان قرآن کریم و قبائح آن‌ها بیان شده است.^۱

این سوره با این جمله که قرآن کریم از جانب الله متعال نزول یافته، آغاز شده است، که تکمیل‌کننده‌ی آن چیزی است، که سوره‌ی قبله با آن خاتمه یافته است و آن این‌که قرآن کریم بر زبان پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و زبان قومش که عربی است، نازل شده است، پس قرآن کریم هم از نگاه متن، محتوا و هم از نگاه معنا و روش (سبک)، عربی است، از همین جهت اصرار و تشویق به پیروی از قرآن کریم و ایمان داشتن به آن شده است.

هر دو سوره در اهداف بزرگ و عمده‌ی که مورد نظر قرآن است، شباهت دارند و آن اهداف عمده و بزرگ عبارت‌اند از اثبات یگانگی الله متعال که از خلال دلایل قدرت الهی در پیدایش آسمان‌ها و زمین تبیین شده است، بحث از جدال و مناقشه‌ی مشرکین در مورد عقاید فاسدشان و بیان کردن نمونه‌های از سرنوشت امت‌های گذشته، که الله متعال آن‌ها را بسبب تکذیب و انکارشان از پیامبران، هلاک ساخت.^۲

۱. در سوره‌ی ماقبل ذکر شد که بنی اسرائیل را برتری دادیم بر دانش آیت ۳۲ ﴿وَلَقَدْ اخْتَرْنَاَهُمْ

عَلَىٰ عِلْمٍ﴾ در این سوره ترقی است به گذشته در آیت ۱۶ ﴿وَفَضَّلْنَاَهُمْ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ﴾.

۲. در سوره‌ی دخان ذکر گردید که فرعون به موسی استهزاء و سخریه نمود وی را تباه کردیم در

این سوره می‌فرماید نه تنها فرعون بلکه کدام اشخاصی با قرآن و پیامبر استهزاء کند، وی را

هلاک می‌سازیم ﴿وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾.^۳

در سوره‌ی ماقبل بیان شبهه‌ی مشرکین بود در این سوره هم بیان شبهه مشرکین ذکر می‌گردد.^۴

ج: مناسبت سوره‌ی جائیه با سوره‌ی مابعد

سوره‌ی جائیه با سوره‌ی مابعدش از سه وجه با هم مناسبت دارند:

۱. آغاز هر دو سوره به سخن از عظمت و توصیف قرآن کریم شده است.

۱- رستمی، ابي زكريا عبدالسلام، تفسير أحسن الكلام، مترجم: صادقه بنت سيد عبدالأحد، ناشر: دار التفسير جامعه عربيه پشاور، ج ۵ ص ۴۴۱.

۲- زحيلي، أ. د. وهبة بن مصطفى، التفسير المنير في العقيدة و الشريعة والمنهج، دار الفكر المعاصر - دمشق، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۸ هـ، ج ۲۵ ص ۲۴۶.

۳ - [الجائيه: ۹]

۴ - طاهري، محمد طيب، الياقوت والمرجان في خلاصة من الفرقان، ناشر: مكتبة اليمان، طبع سال ۲۰۰۹م، ص ۲۲.

۲. موضوعات هر دو سوره با هم مشابه است، و آن عبارت از اثبات توحید، اثبات نبوت، اثبات وحی و رستاخیز و قیامت است.

۳. در خاتمه سوره‌ی جائیه مشرکان را در برابر شركشان مورد توبیخ قرار داده، و سوره احقاف را به توبیخ مشرکان در برابر شركشان، آغاز نموده از ایشان مطالبه دلیل می‌کند، و سپس ضعف و ناتوانی معبودان مشرکان را بیان می‌کند که آن‌ها نمی‌توانند دعای کسی را اجابت کنند.^۱

۱ - بدخشانی، محمد اکرام الدین، ازهرالبیان فی تفسیر کلام رحمان، ج ۷ ص ۶۸۳

مقطع اول

آیات کونی بر اثبات وجود برحق الله متعال (آیات ۱ - ۶)

چنانچه در بحث تمهید بیان گردید، این سوره‌ی هفت موضوع اساسی دارد که در این رساله به هفت مقطع تقسیم شده و هر کدام به گونه جداگانه تفسیر می‌گردد، عنوان مقطع اول نظر به مفهوم شش آیه‌ی اول این سوره (چنانچه قبلاً بیان گردید محور اساسی سوره‌ی الجاثیه) است، این مقطع طی سه موضوع و شش فرع به بحث گرفته می‌شود که عناوین موضوعات آن قرار ذیل است:

موضوع اول: بیان مناسبت

فرع اول: مناسبت آیات این مقطع با محور سوره

فرع دوم: مناسبت آیات این مقطع با آخر سوره ماقبل

موضوع دوم: ترجمه و تفسیر اجمالی آیات و فایده

فرع اول: ترجمه‌ی آیات

فرع دوم: تفسیر اجمالی آیات

فرع سوم: فایده

فرع چهارم: تفسیر نکات مهم مقطع

فرع پنجم: منی کلمات.

موضوع سوم: احکام و اندرزهای استنباط شده از مقطع

موضوع اول: بیان مناسبت

فرع اول: مناسبت آیات این مقطع با موضوع سوره

چنانچه قبلاً بیان گردید محور اساسی سوره‌ی الجاثیه مانند سوره‌های دیگر مکی، به‌ویژه سوره‌های هفت‌گانه‌ی آل حم است که تأویل و ترسیخ عقیده‌ی اسلامی و عناصر و ارکان سه‌گانه‌ی آن مَطْمَح نظر می‌باشد؛ این عناصر عبارت‌اند از: ایمان به الله تعالی و یگانه‌گی او، و اعتقاد به نزول قرآن از نزد الله متعال و به پیامبری محمد - صلی الله علیه وسلم - و رسالتش، و تصدیق به روز آخرت و حساب و برانگیخته شدن و پاداش اخروی.^۱

مناسبت آیات مقطع اول با موضوع سوره واضح و روشن است، چون آیات آغاز این سوره با بحث در مورد منبع و منشأ قرآن شروع شده که عبارت از خدایی که در ملکش مقتدر است و در خلقت و آفرینش جهان هستی حکیم است، آن که قرآن مجید را از روی مهر و رحمت بر بنده‌گان نازل کرده است، تا چراغی پرفروغ فراه آنان باشد، و راه سعادت و خیر را برای بشریت روشن گرداند.^۲ سخن با دلایل توحید آغاز شده است. در این رابطه به نشانه‌های بی‌شمار پراکنده در هر سو، از وجود خود انسان گرفته تا آسمان اشاره شده و فرموده است به هر سو که نگاهی بیندازید خواهید دید که هر پدیده به همان توحیدی گواهی می‌دهد که شما از پذیرفتنش خودداری می‌کنید.

این جانداران گوناگون، این شب و روز، این باران‌ها و گیاهانی که از آن می‌رویند، این باده‌ها و این آفرینش خود انسان، تمام این‌ها را اگر کسی چشم‌ها را باز نموده ببیند و بدون هرگونه تعصبی از عقلش به‌درستی استفاده کرده به این پدیده‌ها ببیند، در آن صورت این نشانه‌ها برای اثبات این که این کائنات نه بی‌خدا و بی‌صاحب است و نه خدایان متعددی بر آن فرمان‌روایی می‌کنند و آن را اداره می‌کنند، و بلکه تنها یک خدا آن را آفریده و همان یک خدا آن را اداره می‌کند، به‌طور کامل کافی است.^۳

فرع دوم: مناسبت آیات این مقطع با آخر سوره‌ی ماقبل

آیات این مقطع با تصریح این که نزول قرآن از جانب الله است، شروع شده، و این گفته تکمیل‌کننده‌ی سوره‌ی قبلی است که در اخیر آن ذکر شده بود.

۱- زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۵ - ۲۶ ص ۲۷۲.

۲ - صابونی، محمد علی الصابونی، صفوة التفاسیر، ترجمه‌ی فارسی، مترجم: محمد طاهر حسینی، ناشر: موسسه انتشارات ایمان، ج ۴ ص ۳۵.

۳ - مودودی، تفهیم القرآن، ج ۵ ص ۴۹۱ - ۴۹۲.

قرآن به زبان عربی که زبان پیامبر و قومش است نازل شده، و آنان به آسانی معانی و اسالیب آن را درک کرده می‌توانند، پس باید تلاش ورزید از قرآن پیروی نموده و به آن ایمان آورند.^۱ و هم در خاتمه سوره‌ی جائیه مشرکان در برابر شرکشان مورد توبیخ قرار داده، و این سوره را به توبیخ مشرکان در برابر شرکشان، آغاز نموده از ایشان مطالبه دلیل می‌کند، و سپس ضعف و ناتوانی معبودان مشرکان را بیان می‌کند که آن‌ها نمی‌توانند دعای کسی را اجابت کنند.^۲

موضوع دوم: ترجمه و تفسیر اجمالی آیات و فایده

فرع اول: ترجمه‌ی آیات

{حم ﴿۱﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿۲﴾ إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿۳﴾ وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿۴﴾ وَاختِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿۵﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبَأَىٰ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ ﴿۶﴾} ^۳

حم فرو فرستادن این کتاب از طرف الله است غالب و با حکمت، به تحقیق در آسمان‌ها و زمین نشانه‌هاست مؤمنان را، و در آفریدن شما و آنچه که پراکنده می‌کند از جانوران نشانه‌هایی ست قومی را که یقین دارند. و در اختلاف شب و روز و در آن چه فروآورده‌ی الله از طرف آسمان روزی (باران)، پس زنده کرد به آن زمین را بعد از مردن آن، و در گردانیدن باده‌ها نشانه‌هاست قومی را که تعقل می‌کند. این نشان‌های الله است می‌خوانیم آن را بر تو بهراستی پس به کدام سخن بعد از سخن الله و آیت‌های او ایمان می‌آرند.

فرع دوم: تفسیر اجمالی آیات

{حم ﴿۱﴾ : از حروف مقطعه است که معنای آنرا جز الله کسی نمی‌داند.

۱ - زحیلی، ا. د. وهبة بن مصطفى، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، مترجم: سيد جمال الدين «هروى» ج ۵ ص ۲۷۱.

۲ - بدخشانی، محمد اکرام الدين، ازهر البيان في تفسير كلام الرحمن، ج ۷ ص ۲۴۷.

۳ - [الجائیه: ۱ - ۶].

﴿ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴾: فرو فرستادن کتاب قرآن، یا کتاب فرستاده شده. واژه (تنزیل) به معنی مصدري خود و یا این که به معنی اسم مفعول است و اضافه صفت به موصوف است.

﴿ آيَاتٍ ﴾: ﴿ إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴾: بدون شك در آسمانها و زمین دلائل دلائل فراوان بر وجود خدا و نشانه‌های بزرگ بر یگانگی او است.

﴿ فِي خَلْقِكُمْ ﴾: در خلقت و آفرینش شما بدین صورت زیبا و آراسته و دستگانه‌های داخلی پیچیده و اسرارانگیز: رشته‌های ارتباطی سلسله اعصاب، رگها و مویرگها، مغز، سلولها، گردش خون، خصال و صفات ویژه و تنوع خلقت و فطرت ظاهری و باطنی هر يك از افراد بشر.

﴿ وَمَا يَبُتُّ مِنْ دَابَّةٍ ﴾: و نیز در آفرینش جنبندگانی که خداوند در سراسر زمین پراکنده می‌سازد از موجودات نرّه‌بینی گرفته تا حیوانات غول‌پیکر، با ویژگی‌های گوناگون و ساختارهای جوراجور و الوان و اشکال رنگارنگ.

﴿ يَبُتُّ ﴾: پراکنده می‌سازد. اصل معنی این واژه، تفریق و جدایی و زیر و رو کردن چیزی است مانند زیر و رو شدن خاک به وسیله باد. در اینجا اشاره به آفریدن و ایجاد کردن موجوداتی است که موجود نبوده اند و خداوند تعالی آنها را پدیدار و ظاهر کرده است.

﴿ آيَاتٍ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴾: نشانه‌های بزرگ و دلائل قوی برای پی بردن به خدا و خالق یکتا است برای کسانی که در پی رسیدن به یقین باشند.

﴿ وَآخِذَا لَمَأَسَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ ﴾: در دگرگونی شب و روز از لحاظ تغییر رنگ و کوتاهی و درازی و آمد و رفت هر یک در وقت خود.

﴿ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ ﴾: آنچه خداوند از آسمان از رزق نازل کرده است. مراد از رزق، باران است که سبب رزق و روزی می باشد به دلیل جمله بعد: ﴿ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ﴾.

﴿ آيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴾: دلایل بزرگی است برای عاقلان. آنان که به تعقل می‌پردازند و اهل عقل و درایت هستند.

﴿تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ﴾: وزش بادها و تغییر جهت آنها، و بالطبع جابه‌جائی هوا.

﴿تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ﴾: اینها آیات خدا است که به حق بر تو می‌خوانیم.

﴿بِالْحَقِّ﴾: به حق و حقیقت، راست و درست.

﴿فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعَدَ اللَّهُ وَأَيَّاتِهِ يُؤْمِنُونَ﴾: پس بعد از سخن خدا و آیه‌های او و بعد از نشانه‌های موجود در

گستره جهان به کدام سخنی ایمان می‌آورند؟! یعنی اگر به خدا و آیات او با وجود این همه دلایل موجود در گستره جهان و پیدا در عبارات قرآن ایمان نیاورند، پس به چه سخنی ایمان می‌آورند؟!

در ابتدای این سوره دو مطلب را به اطلاع شنونده‌گان می‌رساند. یکی این‌که این کتاب ساخته‌وپرداخته‌ی خود محمد – صلی‌الله‌علیه‌وسلم – نیست، بلکه از سوی خدا بر او نازل می‌شود. دوم آن‌که آن را خدایی نازل می‌کند که هم ارجمند و نیرومند و چیره است و هم حکیم و سنجیده‌کار. نیرومند و چیره بودن او حکم آن را دارد که انسان جرأت سرپیچی از فرمان او را نکند، چراکه با نافرمانی کردن به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند از مجازات او رهایی یابد و حکیم بودن او خواستار آن است که انسان باکمال میل و رضایت از دستورات و احکام او پیروی کند، چرا که امکان ندارد آموزه‌یی از آموزه‌های او نادرست یا نامناسب یا زیان‌آور باشد.^۱

الله متعال در این آیات شریفه از ابتدای سوره‌ی جاثیه شش دلیل از دلایل توحید را ذکر کرده است، که دلالت بر بزرگی و عظمت و کمال توانایی او دارد و این‌که او تنها شایسته پرستش است، از آن جمله:

اول: آفریدن آسمان‌ها و زمین؛

دوم: آفریدن انسان‌ها؛

سوم: آفریدن چهارپایان؛

چهارم: تفاوت شب و روز؛

پنجم: نازل کردن آب از آسمان و زنده نمودن زمین توسط آن؛

ششم: تقلیب یا گردش بادها.

۱ - مودودی، تفهیم القرآن، ج ۵ ص ۴۹۴.

و الله متعال ذکر نموده که این آیات و دلایل تنها به نفع مؤمنانی است که بر حجت‌ها و آیات خداوند متعال تأیید و استدلال می‌کنند.^۱

فرع سوم: فایده

در پایان استدلال اول ﴿لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ و در پایان استدلال دوم ﴿يُوقِنُونَ﴾ و در پایان آیه‌ی پنجم ﴿يَعْقِلُونَ﴾ گفت. و سبب این هر سه تعبیر مختلف است که از این دلایل کسی فایده می‌گیرد که سه وصف داشته باشد:

این‌که مؤمن باشد، و از اهل یقین باشد که مرتبه خاص ایمان است، باز عقل با بصیرت داشته باشد که یقین را از شک خالص می‌سازد، و از ورود شک مانع می‌گردد. در این صورت انتقال از ایمان بهسوی یقین و باز بهسوی عقل از باب ترقی می‌باشد.

امام رازی^۲ - رحمه الله - انتقال از ایمان بهسوی یقین و باز بهسوی عقل را، از باب تنزیل می‌گوید: او در بیان مطلب این آیات می‌گوید: اگر واقعاً شما مؤمن هستید، بیایید این دلایل را بفهمید، و اگر مؤمن نیستید، البته طالب جزم و یقین هستید، حقائق را فهمیده یقین حاصل کنید.

و در صورتی‌که نه مؤمن و نه طالب یقین باشید، کم از کم عاقل هستید، پس باید عقل خود را مهمل نگذارید، و آن را به‌کار انداخته از آن بهره ببرید تا به حقائق آشنا شوید.^۳

فرع چهارم: تفسیر نکات مهم مقطع

مهم‌ترین مسئله‌ی مورد بحث در آیات این مقطع، ترغیب است بهسوی قرآن یعنی در قرآن آیات زیبایی است برای تعلیم اثبات توحید و شریعت، که اثبات توحید با دلایل عقلی شش‌گانه ذیل بیان می‌شود:

دلایل وحدانیت الله سبحانه و تعالی

۱ - شنفیطی، شیخ محمد الامین بن محمد المختار، أضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، محقق: محمد بن عبدالعزیز الخالدی، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت لبنان، طبع سوم سال ۲۰۰۶م، ج ۷ ص ۲۱۴.

۲ - امام رازی: ابو عبدالله محمد بن عمر حسین بن حسن تمیمی بکری طبرستانی رازی فقیه، متکلم، فیلسوف و مفسر حکیم مسلمان که در سال (۵۴۴هـ ق) در - ری - متولد شده وفاتش را روز دوشنبه سال ۶۰۶ قمری در هرات گفته‌اند ایشان ملقب به فخر الدین یا امام رازی و یا امام فخر رازی نیز شده‌اند او در علوم نقلی و عقلی و نیز ادبی عصر خود تسلط داشته که برخی از مهم‌ترین آثار ایشان عبارت از تفسیر کبیر که به مفاتیح الغیب مسمی می‌باشد، البیان والبرهان، زبدة العالم فی الکلام، و شرح قانون ابن سینا و.... الاعلام للزرکلی ج ۶ ص ۳۱۳.

۳ - بدخشانی، محمد اکرام الدین، از هرات البیان فی تفسیر کلام الرحمن، ج ۷ ص ۶۰۶ - ۶۰۷.

دلیل اول: دلیل آفاقی است، می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾^۱ «یقیناً در

آسمان‌ها و زمین نشانه‌های بسیار است، برای مؤمنان.»

دلیل دوم و سوم: خلقت انسان و خلقت جنبنده‌گان است. می‌فرماید: ﴿وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ

آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾^۲ «در آفرینش شما و (نیز در آفرینش) جنبنده‌گانی که پراکنده می‌سازد. نشانه‌ها

است برای قومی که (به وجود الله و وحدانیت او) باور کامل دارند.»

در این آیه اشاره به دو امر شگفت‌انگیز است:

۱. آفرینش انسان که یکی از شگفت‌انگیزترین مخلوقات پروردگار است.

۲. خلقت صدها هزار جانور خورد و بزرگ، با اشکال و رنگ‌ها و طبایع مختلف که این همه نیز

نشانه‌ی قدرت و از علم و حکمت لا محدود او تعالی سرچشمه می‌گیرد.

دلیل چهارم و پنجم و ششم: ﴿وَإِخْلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا

وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾^۳ «و در آمد و شد شب و روز، و در آبی که الله از آسمان فروریخته،

پس به وسیله‌ی آن زمین را بعد مردنش حیات بخشیده، و در وزش بادهای نشانه‌های بزرگی است، برای

قومی که می‌دانند.» در این جا دلیل چهارم از نظام شبان‌روزی، و رفت و آمد متناوب حکایت می‌کند.

دلیل پنجم: باران حیات‌بخش است که از آسمان فرود می‌آید و به وسیله‌ی آن در زمین زنده‌گی تازه

احداث می‌گردد. و از طرف دیگر رزق و روزی حیوانات تأمین می‌شود، و باعث زنده‌گی همه زنده

جان‌ها می‌گردد. که واقعاً شگفت‌انگیز است.

دلیل ششم: عجانب بادهای را وانمود ساخت، این مسلم است که بادهای از چندین ناحیه مختلف و

متفاوت‌اند:

- اختلاف کیفیات، مانند حرارت و برودت، و رطوبت و بیبوست؛

- اختلاف در محل وزش، جنوب و شمال، شرق و غرب؛

۱ - [الجاثیه: ۳]

۲ - [الجاثیه: ۴]

۳ - [الجاثیه: ۵]

- اختلاف در تأثیر، مانند سرسبزی و شادابی در نباتات، و رونق در زمین و یا عکس آن می‌باشد مانند نابود ساختن کشت و زراعت و اقوام سرکش؛ این همه نمونه‌های قدرت قادر توانا است که قرآن جابجا از تأثیرات این‌ها یادآوری می‌کند.^۱

فرع پنجم: معنی کلمات

۱. ﴿حَم﴾: از حروف مقطعه برای دلالت بر اعجاز قرآن کریم، و اشاریهی برای اهمیت احکام این سوره است.
- پروردگار متعال برخی از سوره‌ها را بدان‌ها آغاز کرده است تا بدین وسیله اعجاز قرآن را بنمایاند و نشان دهد که این قرآن باوجود این‌که از همان حروفی فراهم آمده است که عرب‌ها سخن خویش را از آن‌ها فراهم می‌نمایند ولیکن از آرائی کتبی چون قرآن، و حتا سوره‌یی همانند آن، در مانده و ناتوان‌اند.^۲
۲. ﴿يُتُّ﴾: پخش و پراکنده می‌سازد.
۳. ﴿وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ﴾: تغییر جهت وزش و احوال بادها.^۳
۴. ﴿فِي خَلْقِكُمْ﴾: در خلقت شما از زمان پیدایش حیات در شکم مادران تا زمان ممات و خداحافظی از این جهان.^۴
۵. ﴿لآيَاتٍ﴾: دلایل فراوان بر وجود خدا، و نشانه‌های بزرگ بر یگانگی او.
۶. ﴿رِزْقٍ﴾: در اینجا مراد سبب رزق و روزی است. از قبیل: باران و برف و نور و اشعه‌های گوناگون کیهانی.

۱ - بدخشانی، محمد اکرام الدین، ازهر البیان فی تفسیر کلام الرحمن، ج ۷ ص ۶۵۱ - ۶۵۲ - ۶۵۳.
 ۲ - زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۵ ص ۲۲۸.
 ۳ - مخلوف، حسنین محمد مخلوف، تفسیر و بیان کلمات قرآن، مترجم: عبد الکریم ارشد، چاپ اول سال: ۱۳۹۴ ش - ۱۴۳۶ هـ، ص ۲۱۵.
 ۴ - خرمدل، مصطفی خرمدل، تفسیر نور، ناشر: نشر احسان سال: ۱۳۹۴ ش - ۱۴۳۷ هـ، ص ۲۱۶.

۷. ﴿تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ﴾: مراد آیات قرآن است. ﴿بِالْحَقِّ﴾: به حق و حقیقت. راست و درست. ﴿

بَعْدَ اللَّهِ وَعَآيَاتِهِ﴾: بعد از سخن خدا و آیه‌های او. به‌غیر از خدا، که همه‌چیز دال بر بودن او

است، بعد از سخن خدا قرآن، و بعد از نشانه‌های موجود در گستره جهان.^۱

موضوع سوم: احکام و اندرزهای استنباط شده از مقطع

از آیات و موضوعات که در مقطع اول مورد بحث قرار گرفته نکات ذیل به دست می‌آید:

۱. بیان عظمت و بزرگی جایگاه قرآن کریم چون از جانب الله غالب و با حکمت نازل شده.

۲. فضیلت عقل سلیم در بکار بردن کارهای خیر و آنچه که از آن فایده به دست می‌آید.

۳. ایمان از یقین عام‌تر است و به ترتیب مقدم بر آن است و یقین در مرتبه بالاتر است.^۲

۴. ذات پاک خداوند متعال مصدر قرآن کریم است، و جز ذات الهی مصدر دیگری ندارد.^۳

۵. اثبات وجود خداوند متعال، وحدانیت و قدرت او با دلایل شش‌گانه در سه آیه:

دلیل نخست: از هستی - که آفرینش آسمان‌ها و زمین از شش وجه بر وجود خداوند متعال دلالت دارد

- چنانچه امام رازی - رحمه‌الله - گفته است: آن‌ها اجسام حادث‌اند، و هر حادثه را محدثی (به وجود

آورنده‌یی) می‌باید.

دوم: آن‌ها از اجزای همانند در عمق و سطح متفاوت مرکب شده‌اند، و این امر دلالت می‌کند که

وقوع هر جزء در جایگاه ویژه‌ی خود باید تخصیص دهنده و مرجعی داشته باشد.

سوم: با وجود این‌که افلاک و عناصر بزرگ در ماهیت جسمی خود مماثلت دارند، هر یک از آن‌ها به

ویژه‌گی خاصی چون گرما و سرما، نازک بودن و ضخیم بودن متصف‌اند که هر کدام از این

ویژه‌گی‌ها باید مرجعی داشته باشد.

چهارم: اجرام ستاره‌گان رنگ‌های مختلفی دارند به‌طور مثال مشتری رنگ سفید، مریخ سرخ و

زحل رنگ بنفش داشته، و خورشید درخشش خاصی دارد، و همچنین عطارد زرد بوده و نور ماه کم

و زیاد می‌شود، تفاوت رنگ‌های ستاره‌گان دلیل این امر است. که پروردگار قادر و مختار تنها ذاتی

است که هر یک از آن‌ها را به هر رنگ ویژه‌یی مختص گردانیده است.

۱ - خرم دل، مصطفی خرم‌دل، تفسیر نور، ص ۲۱۶۴ - ۲۱۶۵.
۲ - جزائری، جابر بن موسی بن عبد القادر بن جابر أبو بکر، أيسر التفاسير لكلام العلي الكبير، ناشر: مكتبة العلوم والحكم، طبع: دوم، ۱۴۰۷هـ/۱۹۸۷م، ج ۴ ص ۲۰۵.

۳ - وهبة زحيلي، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، ج ۲۶ - ۲۵ ص ۲۷۸.

پنجم : هر يك از افلاك مكلف است به جهت معینی حرکت نماید، و همچنین باید به مقدار معین از سرعت در گردش باشد، و این خود دلیلی است که دانا و آگاهی وجود دارد، و آن ذات پاک الله است. ششم: هر فلکی وظیفه‌ها و کارهای مخصوص خود را دارد، که باید تخصیص دهنده‌ی با اختیار وجود داشته باشد.^۱

دلیل دوم و سوم دلایل انفسی، که عبارت از آفرینش خلقت انسان‌ها و حیوانات با ترکیب عجیب، ویژه‌گی‌ها و توانایی‌های مادی و معنوی شگرف است، و این همه برای ما خاطر نشان می‌سازد که آفریننده‌ی توانا وجود دارد، و آن الله متعال می‌باشد.

دلیل چهارم، و پنجم و ششم از ظواهر هستی، و آن گردش دایمی و پی‌درپی شب و روز، و فرود آوردن باران و برف برای زنده گرداندن زمین از انواع گیاهان و تغذیه‌ی چشمه‌سارها و جویبارها، گردش و تغییر بادها از جهتی به جهت دیگر است، و همه‌ی این‌ها وجود آفریننده‌ی توانا و چیره، حکیم و صاحب آفرینش ناب و بدیع را آشکار می‌سازد.^۲

۱ - رازي، أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي الرازي الملقب بفخر الدين الرازي، مفاتيح الغيب، ج ۱۴ ص ۴۹۹
<http://www.altafsir.com>
۲ - زحيلي، التفسير المنير في العقيدة والشريعة والمنهج، ج ۲۶ - ۲۵ ص ۲۷۹.

مقطع دوم

وعید تکذیب‌کنندگان نشانه‌های الهی و عذاب آن‌ها ۱ (آیات ۷- ۱۱)

این مقطع دارای (۵) آیت می‌باشد که موضوع آن و عید تکذیب‌کنندگان نشانه‌های الهی و عذاب آن‌ها است.

محتویات این مقطع با در نظر داشت موضوعات ذیل مورد بحث قرار می‌گیرد:

موضوع اول: بیان مناسبت

فرع اول: مناسبت آیات این مقطع با محور سوره

فرع دوم: مناسبت آیات این مقطع با مقطع گذشته

موضوع دوم: سبب نزول، ترجمه و تفسیر اجمالی آیات

فرع اول: سبب نزول

فرع دوم: ترجمه آیات

فرع سوم: تفسیر اجمالی آیات

فرع چهارم: فایده

فرع پنجم: تفسیر نکات مهم مقطع

فرع ششم: معنی کلمات.

موضوع سوم: احکام و اندرزهای استنباط شده از مقطع

موضوع اول: بیان مناسبت

فرع اول: مناسبت آیات این مقطع با محور سوره

موضوع و محور این سوره همانند دیگر سوره‌های مکی، به‌ویژه سوره‌های هفت‌گانه‌ی آل حم اصول عقیده اسلامی است.

و در آیات این مقطع سخن است در مورد مجرمان تکذیب‌کننده‌ی قرآن، آنان‌که آیات پرفروغش را می‌شنوند، اما جز تکبر و طغیان و گردن‌کشی چیزی نمی‌اندوزند. و سوره‌ی آنها را به عذاب دردناک در اعماق دوزخ تهدید کرده است.^۱

فرع دوم: مناسبت آیات این مقطع با مقطع گذشته

بعد از توضیح نشانه‌های الهی برای کفار، و بیان این‌که اگر کافران به این آیات – که کاملاً روشن هستند – ایمان نیاورند، بعد از آن دیگر به هیچ سخنی ایمان نخواهند آورد، وعید و تهدیدی سخت برای تکذیب‌کننده‌گان این نشانه‌ها و کسانی که بر تکذیب خویش اصرار می‌ورزند وعده سپرد، سپس خاطر نشان ساخت که سزای آنان دوزخ است، و بتان و معبودان دروغین هیچ سودی به آنها نمی‌رسانند، و قرآن تنها کتاب هدایت‌بخش و روح‌پرور است که از گمراهی نجات می‌بخشد.^۲

الله سبحانه در آیه‌ی (۲، ۶، ۸ و ۹) همین سوره به‌سوی عظمت قرآن اشاره نمود، اکنون در این آیه باز هم به عظمت شأن قرآن اشاره نموده می‌فرماید: (هَذَا هُدًى) « این قرآن (برای مؤمنان) مایه‌ی هدایت است. » راه‌های حق و باطل را برای ایشان روشن می‌سازد، و رهروان حق را به سرمنزل مقصود می‌رساند. و کسانی را که از هدایت قرآن بهره‌مند نشده به آن کفر می‌ورزند، مورد تهدید شدید قرار داده می‌فرماید: (وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزٍ أَلِيمٍ)^۳ « و کسانی که به آیت‌های پروردگار خویش کافر شوند، برای ایشان عذابی از نوع دردناک‌ترین عذاب است. »^۴

۱ - صابونی، صفة التفسیر، ج ۴ ص ۳۵.

۲ - زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۲۵ - ۲۶ ص ۲۸۱.

۳ - [الجاثیة: ۱۱]

۴ - بدخشانی، محمد اکرام الدین، ازهر البیان فی تفسیر کلام رحمان، ج ۷ ص ۶۵۷.

موضوع دوم: سبب نزول، ترجمه و تفسیر اجمالی آیات

فرع اول: سبب نزول

﴿ وَيُلِّ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴾: دروغگوی صاحب گناه یعنی: نضر بن حارث. ۱

در شأن نزول این آیت روایات متعددی آمده است، از بعضی معلوم می‌شود که این درباره نضر بن حارث نازل شده، و در بعضی آمده است که این درباره‌ی حارث بن کله است، و بعضی گفته‌اند که مراد از آن ابوجهل و اصحاب اوست. ۲

و در حقیقت برای تشریح مفهوم قرآنی تعیین هیچ شخصی لازم نیست، لفظ «کل» نشان می‌دهد، که اگرچه نزول این آیه درباره‌ی این سه شخص می‌باشد، اما مراد از آن، هر شخصی است که حامل چنین صفاتی باشد. ۳

فرع دوم: ترجمه آیات

{ وَيُلِّ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿۷﴾ تَتَلَّى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِيرَةٌ بِعَذَابِ أَلِيمٍ ﴿۸﴾ وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿۹﴾ مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۰﴾ هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رَجْزِ أَلِيمٍ ﴿۱۱﴾ } ۴

وای است هر دروغگوی گنهگار را، که می‌شنود آیت‌های الله را که خوانده می‌شود بروی باز اصرار می‌کند (به کفر خود) تکبرکنان گویا نشنیده است آن را پس مژده دهید او را به عذاب دردناک. و چون شنیده بداند از آیات ما چیزی را می‌گیرد آن را به مسخره، آن جماعت ایشان را است عذاب ذلیل‌کننده، پیش روی ایشان دوزخ است و دفع نکند از ایشان آنچه کسب کردند چیزی را (از عذاب) و دفع نکند (نیز) آنچه گرفتند به‌جز الله دوستان و ایشان راست عذاب بزرگ، این (قرآن) هدایت است و آنان که کافر شدند به آیات پروردگار خود ایشان راست عذاب دردناک از جنس عذاب سخت.

۱ - بغوي، محيي السنة، أبو محمد الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء البغوي الشافعي (المتوفى: ۵۱۰هـ)، معالم التنزيل في تفسير القرآن = تفسير البغوي، محقق: عبد الرزاق المهدي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبع: اول - ۱۴۲۰ هـ، ج ۴ ص ۴۹۹.

۲ - قرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي (المتوفى: ۶۷۱هـ)، الجامع لأحكام القرآن = تفسير القرطبي، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، ناشر: دار الكتب المصرية - القاهرة، الطبع: دوم - ۱۳۸۴هـ - ۱۹۶۴ م، ج ۱۶ ص ۱۵۸.

۳ - ديوبندی، علامه مفتی محمد شفیع عثمانی، ترجمه: حضرت مولانا محمد یوسف حسین پور، تفسیر معارف القرآن، ناشر: شیخ الاسلام احمد جام، چاپ ۷ سال ۱۳۹۴، ج ۱۲ ص ۳۹۹.

۴ - [الجاثیه: ۷- ۱۱]

فرع سوم: تفسیر اجمالی آیات

« وای بر هر دروغزن گناه پیشه‌ی» یعنی: وای بر هر بسیار دروغگوی بسیار گنهگار «که آیات خدا را که بر او خوانده می‌شد، می‌شنود سپس سماجت می‌ورزد.» یعنی: بر کفر خویش مصرانه باقی‌مانده و بر شیوه‌ی باطلی که بر آن قرار داشته، پایبندی می‌ورزد و از آن‌چه که از کلام خداوند - جل‌جلاله - می‌شنود، پند نمی‌گیرد «مستکبرانه» یعنی: او بر کفر خویش در حالی سماجت و اصرار می‌ورزد که خود را از این امر که به‌حق گردن نهد، بزرگتر و برتر می‌بیند، حقی که عبارت از کلام پروردگار متعال آفریننده وی می‌باشد، پروردگاری که نامش متعالی و سلطه‌اش برتر است. «چنان‌که گویی آن‌ها را نشنیده است» یعنی: حال آن دروغزن گناه پیشه در عدم التفات به این آیات، شبیه حال کسی است که آن‌ها را نشنیده است «پس او را به عذابی دردناک مژده ده» یعنی: به او خبر ده که برایش نزد خداوند قهار - به‌عنوان جزای اصرار و استکبار و عدم استماع وی به این آیات - عذابی سخت دردناک است.

«و چون» آن دروغزن گناه‌پیشه «بر چیزی از آیات ما آگاه شود» یعنی: چیزی از علم آیات الهی به وی برسد «آن‌ها را» یعنی: آیات الهی را «به تمسخر می‌گیرد» یعنی: آیات الهی را موضوعی برای ریشخند و تمسخر و ابراز شگفتی خود قرار می‌دهد، معانی‌پی را که این آیات بدان‌ها پرداخته‌اند، دست‌آویز این ریشخند و تمسخر خویش می‌گرداند. چنان‌که در آیه‌ی (۴۳) از سوره‌ی «دخان» در این مورد روایتی را نقل کردیم که: ابوجهل مقداری خرما و کره خواست و آنگاه به یارانش گفت: از این زقوم بخورید زیرا محمد به شما جز شهد و عسل را وعده نمی‌دهد و این همان زقومی است که او شما را از آن می‌ترساند! «این گروه» دروغ‌پرداز بهتان‌پیشه که اوصاف آن‌ها گذاشت: «عذابی خوارکننده خواهند داشت» به سبب پافشاری‌شان بر کفر و استکبارشان از شنیدن آیات خداوند - جل‌جلاله - و به تمسخر گرفتن آن. عذاب مهین: عذابی است خوارکننده و فضیحت‌بار. بدین‌سان، خدای عزوجل از راه طرح این‌گونه تهدیدها، بر حرمت و قدسیت کتاب خویش از این‌که در معرض تمسخر و استهزا قرار گیرد، تأکید می‌گذارد.^۱

امام مسلم در صحیح خود از ابن عمر روایت کرده که گفت: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -

أَنْ يُسَافَرَ بِالْقُرْآنِ إِلَى أَرْضِ الْعُدُوِّ مَخَافَةَ أَنْ يِنَالَهُ الْعُدُوُّ»^۲

۱ - رستمی، اَبی زکریا عبدالسلام، تفسیر أحسن الکلام، ج ۵ ص ۴۵۶.
۲ - تخریج نموده ابن حدیث را بخاری در الجهاد، باب کراهیة السفر بالمصحف إلى أرض العدو، ج ۶ ص ۱۳۳، و مسلم في الإمارة، باب النهي أن يسافر بالمصحف إلى أرض الكفار إذا خيف وقوعه بأيديهم، شماره حدیث: (۱۸۶۹)، ج ۳ ص ۱۴۹۰.

« عبدالله بن عمر - رضی الله عنه - می فرماید: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از این که با قرآن به سرزمین دشمن مسافرت شود، نهی کردند؛ از بیم آن که مبدا دشمن به آن اهانت کند.»

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - به امت خود بهترین ها را در همه امور آموخت و از آن این است که مسامانان قرآن را گرامی داشته و حفظ کنند و آن را از هر آسیبی حتی کوچک شمردن آن حفظ کنند. و در این حدیث پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - از سفر با قرآن به سرزمین دشمن نهی فرموده است چراکه احتمال می رود قرآن در معرض اهانت قرار بگیرد اما اگر ظن غالب عدم وجود این مورد باشد جایز است. و هم مراد از قرآن در اینجا مکتوب است نه حفظ در سینه ها و نهی در حدیث از بیم آن بود که دشمن به آن صدمه بزند.

« دوزخ پشت سر آن هاست» یعنی: در پشت سر احساس افتخار و شرف و عزت آن ها به دنیا و تکبر از حق؛ جهنم قرار دارد پس آن ها باید یقین داشته باشند که جهنم در پشت سرشان است و بهزودی آنان را در خواهد یافت.

«این هدایتی است» یعنی: این آیاتی که ذکر آن در این سوره گذشت؛ همانا رهنمودی و هدایتی است برای راه یافته گان به قرآن عظیم، یعنی برای کسانی که آن چه را در آن است، می پذیرند «و کسانی که به آیات پروردگارشان» یعنی: به قرآن «کافر شدند، برایشان عذابی از رجز دردناک است» رجز سخت ترین عذاب است. ۱

فرع چهارم: فایده

در این آیت ها شش و صف قبیح و شش عذاب را ذکر نموده، شش و صف قبیح ﴿ أَفَّاكٌ ﴾ کسیکه در بازگشت سخن از حق مبالغه و کوشش میکند به دروغ گفتن، فریب دادن و تحریف کردن ﴿ اٰثِمٌ ﴾ گنهگار بزرگ کافر و مشرک را گویند ﴿ یَسْمَعُ آیَاتِ اللّٰهِ ﴾ می شنوند آیتهای الله متعال ﴿ ثُمَّ یُصِرُّ ﴾ باز محکم می گردند به کفر ﴿ مُسْتَكْبِرًا ﴾ تکبر کننده می باشند ﴿ اتَّخَذَهَا هُزُوًا ﴾ به مسخره می گیرند و قتیکه از آیت ها الله چیزی بدانند و شش عذاب آنها ﴿ وِیْلٌ ﴾ هلاکت است ﴿ بَعْدَابٍ اٰلِیْمٍ ﴾ که در صفت عذاب اول ذکر کرد شده زیرا شخص مذکور در دنیا توسط اصرار و تکبر در وقت شنیدن، به قلب بیان کننده قرآن بسیار درد رسانده است، ﴿ عَذَابٌ مُّهِیْنٌ ﴾ در صفت دوم ذکر کرده زیرا توسط استهزا کردن

۱ - تفسیر انوار القرآن، مترجم: عبدالرؤف مخلص، ناشر: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام، ج ۵ ص ۵۰۱ - ۵۰۲.

اهانت قرآن و صاحب قرآن را نموده است پس جزای او اهانت خواهد بود و جزای بعدی ذکر میکند ﴿ مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ ﴾ در پیش روی شان جهنم است و بعد ﴿ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ ﴾ و دفع کرده نمیتواند از ایشان یعنی مخالفت کننده گان حق دو نوع اند یکی سرمایه داران دنیا پریت که فکر آنها این است که توسط حصول مال از عذاب نجات حاصل می گردد دوم پیر پرستان که عقیده دارند پیران و اولیای ما، ما را نجات خواهد داد. ﴿ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴾ که در صفت سوم ذکر نموده است، اشاره است که این عذاب ایشان را از هر جهت در هر زمانه و هر عضو ایشان را احاطه کننده است. ۱

فرع پنجم: تفسیر نکات مهم مقطع

تهدید شدید برای منکرین قرآن

الله سبحان در کتاب مقدسش انسان را نظر به نحوه عملکردش در برابر قرآن، به دو گروه تقسیم کرده است.

گروه اول: مؤمنان پاکدل و اهل یقین اند که در قرآن تفکر می کنند، و ایمانشان بیش تر می گردد، از مقام ایمان به مقام یقین ترقی نموده از خطر شکوک و شبهات تا سرحد سلامت عقل می رسند، در این وقت علوم و معارف شان درجه به درجه افزایش پیدا می کند، و حال شان به جایی می رسد که از شنیدن قرآن چشم های شان اشک می ریزند.

گروه دوم: کسانی اند که در برابر آیات کلام الله، به عناد و استکبار می پردازند، و شنیدن قرآن در دل های سخت ایشان هیچ گونه تأثیر مثبت ایجاد نمی کند، و بلکه قرآن را گاهی سحر، و گاهی شعر می خوانند، پس الله تعالی این گونه مردم را در برابر این اعمال قبیح شان مورد تهدید شدید قرار داده می فرماید: ﴿ وَيَلُكُلُ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴾ ۲ «وای برای هر انسان دروغگو و گنهگار.»

سپس موضع گیری این ها را در برابر قرآن، در دو مقام ابراز می دارد:

اول: : اصرار بر انکار و استکبار در برابر قرآن، چنان که می فرماید: ﴿ يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ

يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِيرُهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴾ «آیت های الله را می شنود که بر وی خوانده می شود، سپس از روی تکبر (بر کفر خود) اصرار می ورزد، گویا این که آن ها را نشنیده است، پس او را به عذاب

۱ - رستمی، ابی زکریا عبدالسلام، تفسیر أحسن الكلام، ج ۵ ص ۴۴۶.

۲ - [الجاثية: ۷]

دردناکی مژدهده»، و پاداش استکبارش این است: ﴿فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ ۱ «پس او را به عذاب دردناکی مژدهده.»

در سوره‌ی لقمان درباره‌ی چنین افراد می‌فرماید: ﴿وَإِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ ۲ «و هنگامی‌که آیت‌های ما بروی خوانده شود، متکبرانه روی می‌گرداند،

گویا آن‌ها را نشنیده است، گویا هر دو گوشش گرانی است، پس او را به عذاب دردناکی مژدهده.» و همچنین در سوره‌ی حج بغض و عناد این گروه را در برابر آیات الهی شدیدتر توصیف می‌کند، می‌فرماید: ﴿وَإِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْمُؤْنَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا﴾ ۳ «و هنگامی‌که آیت‌های روشن ما برایشان خوانده شود، در چهره‌ی کافران ناخوشی را مشاهده

می‌کنی، نزدیک‌اند بر کسانی که آیت‌های ما را برایشان می‌خوانند حمله‌آور شوند.» دوم: استهزا و تمسخر ایشان به آیات الهی که این عمل ایشان نسبت به انکار و استکبار شدیدتر است، می‌فرماید: ﴿وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا﴾ ۴ «و هرگاه در مورد چیزی از آیت‌های ما آگاهی حاصل کند، آن را به مسخره می‌گیرند.»

سپس چنین شخص را به چندین وجه مورد تهدید قرار می‌دهد:

می‌فرماید: ﴿أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ ۴ «این گروه را عذاب ذلت‌بار است.»

بعد از آن عذاب مهین را بیان و توضیح می‌دهد: ﴿مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ﴾ «پیش روی ایشان دوزخ است»، به‌مجرد این‌که روح خبیث‌شان قبض شود وارد دوزخ می‌شوند.

بعد از آن چیزهایی را که در دنیا برای خود سودمند می‌دانستند، در دفع عذاب از ایشان غیرمفید اعلان نموده می‌گویند:

﴿وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا﴾ «و هیچ سودشان نخواهد رساند، آنچه کسب کرده‌اند.»

۱ - [الجاثية: ۸]
۲ - [لقمان: ۷]
۳ - [الحج: ۷۲]
۴ - [الجاثية: ۹]

تنوین در «شَیْئًا» برای تقلیل و کم نشان دادن است، یعنی این همه مال و اولاد، در قیامت برای ایشان کوچکترین سود و منفعتی نمی‌رساند.

﴿وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ﴾ «و نه (به ایشان سودی می‌رساند) آن چه به جز الله یاوران برگزیده‌اند»، یعنی کسانی را که در دنیا مشکل‌گشا، و فریادرس و غوث الأعظم می‌پنداشتند، آن‌ها در آخرت اند کمترین مشکل‌شان را حل نمی‌کنند، و از عذابی که متوجه ایشان می‌شود، هیچ‌چیزی کاسته نمی‌توانند.

﴿وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾^۱ «و برای ایشان عذاب بزرگی است.»

بیشتر عذاب آن‌ها را به «مهین» توصیف نمود اشاره به این که تنها عذاب نیست، بلکه آن عذاب، اهانت را هم با خود همراه دارد.

بار دیگر عذاب آن‌ها را به «عظیم» توصیف نمود اشاره به این که عذاب ایشان به حد نهایی خواهد رسید که از حد وصف بیرون است، و حقیقت آن را جز الله کسی نمی‌داند.

یا این که ﴿عَذَابٌ مُهِينٌ﴾ بیانگر عذاب آخرت است، و ﴿عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ اشاره به عذاب دنیوی است که

عبارت از کشته شدن ایشان به دست مسلمانان در آینده است.^۲

فرع ششم: معنی کلمات

﴿وَيْلٌ﴾: نابودی با حسرت یا عذاب شدید.

﴿أَفَاكٍ أَثِيمٌ﴾: دروغگوی سر تا پاه گناه.

﴿اتَّخَذَهَا هُرُوءًا﴾: او را مسخره می‌کند.

﴿وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ﴾: از آن‌ها دفاع نمی‌کند.

﴿رَجْزٍ﴾: عذاب شدید.^۳

موضوع سوم: احکام و اندرزهای استنباط شده از مقطع

۱ - [الجاثية: ۱۰]

۲ - بدخشانی، محمد اکرام الدین، ازهرالبیان فی تفسیر کلام رحمان، ص ۶۵۷.

۳ - مخلوف، حسنین محمد مخلوف، تفسیر و بیان کلمات قرآن، مترجم: عبد الکریم ارشد، ص ۲۱۵.

۱. مشرکان نمی‌خواستند به آیات خدا که بر آنان خوانده می‌شد، گوش فرا دهند، آیاتی که از وعده و وعید، هشدار و مژده، کفر و ایمان، امر و نهی، احکام و آداب، تاریخ گذشته‌گان و پند و حکمت سخن می‌گفت ولی آنان آن‌چنان از شنیدن کلام خدا نفرت داشتند که گویی هرگز آن‌ها را نشنیده‌اند و همواره بر عقاب کفر آمیز خود اصرار می‌ورزیدند.
۲. دشمنان که حاضر نبودند به آیات قرآن بیندیشند و درباره‌ی آن‌ها به تحقیق بپردازند هرگاه در مجلسی قرآن می‌خواندند و ناچار بودند که به آن گوش دهند، آن را به باد انتقاد و ریش‌خند می‌گرفتند و از هیچ‌گونه اهانت و بی‌احترامی خودداری نمی‌کردند.
۳. کافرانی که در دنیا ثروت و جاه و مقام به دست می‌آورند و فرزندان نیرومندی هم دارند و بت‌ها و فرشته‌گان را سرپرست و دوستان خود می‌پندارند و آن‌ها را می‌پرستند، هیچ‌کدام از آن‌ها در روز رستاخیز برایشان سودی نخواهد داشت و سرانجام شعله‌های آتش آنان را در کام خود فرو خواهد برد. ۱.
۴. عقل سالم اگر در اعمال خیر و سودمند به کار گرفته شود، بسیار خوب و ارزشمند است.
۵. قرآن کریم بزرگترین نور است، هر کس با نور قرآن هدایت نشود و از آن بهره نبرد، هرگز امیدی به راهیابی و سعادت او نیست. ۲.
۶. وعید شدید است بر اهل هر بسیار دروغگوی بسیار گنهگار.
۷. بدترین مردم کسی است که با شنیدن آیات خدا آن را مورد استهزا و تمسخر قرار می‌دهد و یا خواننده‌ی آن را تمسخر و استهزا می‌کند.
۸. کسی که در حالت کفر از دنیا رفت، هر آن‌چه که در زنده‌گی دنیا کسب کرده از پول و فرزندان و حیثیت و قدرت هیچ سودی برایش نمی‌رساند. ۳.

۱ - سپری، فریدون، نور الکلام، نشر احسان، چاپ اول - ۱۳۹۸، ج ۵ ص ۲۸ - ۲۹.
 ۲ - البازی، أنور البازی، تفسیر تربیتی قرآن کریم، ناشر: نشر احسان، چاپ: اول - ۱۳۹۵، ج ۳ ص ۴۹۲.
 ۳ - جزائری، أیسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر، ج ۴ ص ۲۰۸.

مقطع سوم

برخی از نعمت‌های پروردگار بزرگ بر بنده‌گانش ۱ (آیات ۱۲ - ۱۵)

این مقطع دارای (۴) آیت می‌باشد که موضوع آن برخی از نعمت‌های پروردگار بزرگ بر بنده‌گانش. محتویات این مقطع با در نظر داشت موضوعات ذیل مورد بحث قرار می‌گیرد:

موضوع اول: بیان مناسبت

فرع اول: مناسبت آیات این مقطع با محور سوره

فرع دوم: مناسبت آیات این مقطع با مقطع گذشته

موضوع دوم: سبب نزول، ترجمه و تفسیر اجمالی آیات

فرع اول: سبب نزول

فرع دوم: ترجمه آیات

فرع سوم: تفسیر اجمالی آیات

فرع چهارم: تفسیر نکات مهم مقطع

موضوع سوم: احکام و اندرزهای استنباط شده از مقطع

موضوع اول: بیان مناسبت

فرع اول: مناسبت آیات این مقطع با محور سوره

موضوع ویا محور اساسی این سوره اصول عقیده یعنی توحید با ارائه دلایل، عظمت قرآن و دلایل حقانیت آن و اثبات معاد و تفصیل مناظر آخرت است.

و در آیات این مقطع درباره‌ی نعمت‌های گران‌قدری که خدا به بنده‌گانش داده، سخن به میان آورده است، تا او را سپاس گزار باشند و در مورد نعمت‌هایی که به آن‌ها ارزانی داشته است بیندیشند، و دریابند که منبع و مصدر این نعمت‌های ظاهری و باطنی تنها ذات خدا می‌باشد، و جز الله خالق و روزی دهنده‌یی نیست. ۱.

فرع دوم: مناسبت آیات این مقطع با مقطع گذشته

پس از ارایه‌ی ادله‌ی وجود خدا و وحدانیت او تعالی، الله متعال برخی از نعمت‌هایی را تذکر داده است که بر قدرت ذات باری تعالی دلالت می‌کند؛ مانند تسخیر کشتی‌ها در دریاها برای سواری و حمل کالای تجارتي، و تسخیر زمین و فضا. سپس الله متعال مؤمنان را دستور داده است که کفار را مورد عفو و بخشش قرار دهند و این را هم تذکر داده است که جزای عمل خوب و یا بد، بر می‌گردد به انجام دهنده‌گان آن اعمال. برابر است که عمل خیر باشد یا شر. ۲.

در آیات گذشته بیان شده که چیزی جز تهدید و تنبه و سرزنش و نکوهش، سزاوار کسانی نیست که ایمان نمی‌آورند، بعد از این تهدید کردن هراس‌انگیز، و بیم دادن وحشت‌انگیز بر می‌گردد، و دل‌های‌شان را نرمک نرمک می‌بساید و لمس می‌نماید، با یادآوری کردن نعمت‌های که در این جهان بزرگ و سترگ خدا آن‌ها را در دسترس‌شان قرار داده است و در اختیارشان گذاشته است. ۳.

۱ - صابونی، صفوة التفاسیر، ج ۴ ص ۳۶.

۲ - زحیلی، التفسیر المنیر فی العقیده والشریعة والنهج، ج ۱۳ ص ۲۷۵.

۳ - سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۵ ص ۷۸۰.

موضوع دوم: سبب نزول، ترجمه و تفسیر اجمالی آیات

فرع اول: سبب نزول

﴿قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ﴾^۱، و شما به اهل ایمان بگویید که از کسانی گذشت کنند

که نسبت به معاملات خدا یقین ندارند، درباره‌ی شأن نزول این آیه دو روایت وجود دارد:

اول: این که یکی از مشرکین در مکه‌ی مکرمه به حضرت عمر - رضی الله عنه - ناسزاء گفت،

حضرت عمر - رضی الله عنه - خواست که او را قدری آزار برساند، آنگاه این آیه نازل شد.^۲

دوم: این که در غزوه‌ی بنی المصطلق آن حضرت - صلی الله علیه وسلم - با اصحاب بر سر چاه

مریسیع منزل گرفتند، رئیس منافقین، عبدالله بن ابی، نیز با لشکر مسلمانان بود، و غلام خود را برای

برداشتن آب از چاه، فرستاد که در آب کشیدن و برگشتن قدری دیرکرد، عبدالله وجه تأخیر را دریافت،

او گفت: غلام عمر به کناره چاه نشسته بود، و نگذاشت که کسی آب بردارد، تا وقتی که مشک آن

حضرت - صلی الله علیه وسلم -، و مشک ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - پر نشوند، بنابراین عبدالله

بن ابی گفت: بر ما و آن‌ها این مثال صادق می‌آید که «سمن کلبک یا کلبک» سگت را فربه کن تو را

می‌گزد، حضرت عمر - رضی الله عنه - از این گفته‌ی او اطلاع یافت، شمشیر به دست گرفت و

به سوی عبدالله حرکت کرد، آنگاه این آیه نازل شد.^۳

فرع دوم: ترجمه‌ی آیات

{اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ} ﴿١٢﴾ وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي

السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١٣﴾ قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ

أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ

﴿١٥﴾ ٤

١ - [الجاثية: ١٤]

٢ - آلوسي، شهاب الدین محمود بن عبد الله الحسینی (المتوفی: ١٢٧٠هـ)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، محقق: علی عبد الباری عطیة، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، طبع: اول، ١٤١٥ هـ، ج ١٣ ص ١٤٥.

٣ - آلوسی، شهاب الدین محمود بن عبد الله الحسینی (المتوفی: ١٢٧٠هـ)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج ١٣ ص ١٤٥.

= أبو الفداء، إسماعیل حقی بن مصطفی الإستانبولی الحنفی الخلوتی (المتوفی: ١١٢٧هـ)، روح البیان، ناشر: دار الفکر - بیروت، ج ٨ ص ٤٤١.

٤ - [الجاثية: ١٢ - ١٥]

خداوند همان کسی است که دریا را رام شما کرده است، تا کشتی‌های برابر فرمان و اجازه او (که به ماده‌ی کشتی‌ها و خود آب‌ها و دیگر عوامل طبیعی داده است) در دریا روان شوند، و شما انسان‌ها بتوانید از فضل خدا بهره‌گیرید، و شاید شما سپاس‌گزار گردید، (و شکر نعمت‌های بی‌کران یزدان را بجای آورید.) و آنچه که در آسمان‌ها و آنچه که در زمین است همه را از ناحیه‌ی خود، مسخر شما ساخته است. قطعاً در این (تسخیر موجودات مختلف و به گردش و چرخش در آوردن چرخه‌ی حیات به نفع انسان‌ها) نشان‌های مهمی (بر قدرت و مهربانی خدا در حق آدمی‌زاده‌گان) است. برای کسانی که می‌اندیشند (و اندیشمندان به اشیای دور و بر، و به خود زنده‌گی می‌نگرند.) تا کشتی‌های برابر فرمان و اجازه‌ی او (که به ماده‌ی کشتی‌ها و خود آب‌ها و دیگر عوامل طبیعی داده است) در دریا روان شوند. و شما بتوانید از فضل خدا بهره‌گیرید. و شما سپاس‌گزار گردید (و شکر نعمت‌های بی‌کران یزدان را بجای آورید). و آنچه که در آسمان‌ها و آنچه که در زمین است همه را از ناحیه‌ی خود، مسخر شما ساخته است. قطعاً در این (تسخیر موجودات مختلف و به گردش و چرخش در آوردن چرخه‌ی حیات به نفع انسان‌ها) نشان‌های مهمی (بر قدرت و مهربانی خدا در حق آدمی‌زاده‌گان) است، به کسانی که ایمان آورده‌اند، بگو: به کسانی ببخشایند که روزها (مصائب و بلاهای) الهی را چشم نمی‌دارند (و روزهایی را فراموش می‌کنند که بر سر گذشته‌گان کافر و فاسق و فاجر همچون قوم فرعون و لوط و ثمود چه آمده است و بامتانت و وقار از ایشان صرف‌نظر نمایند) تا خداوند خودش آنان را در برابر کارهایی که کرده‌اند کیفر دهد. هرکسی که کار نیک بکند، به سود خود اوست و هرکسی که کار بد بکند به زیان خود اوست. سپس همه‌ی شما به‌سوی پروردگارتان باز می‌گردید (و نتیجه‌ی اعمال خویش را می‌بینید).^۱

فرع سوم: تفسیر اجمالی آیات

در این آیت‌ها دلایل عقلی ذکر شده، که به طریقه‌ی انعامات‌اند از این جهت لفظ سخر را در این ذکر نموده است، مراد از تسخیر بحر این است که در آن چنان صفات را پیدا نموده است که شما در آن کشتی‌ها را رانده می‌توانید مانند نرمی، همواری، بادهای متوسط، امواج به‌اندازه‌ی و جذب نکردن کشتی‌ها به خود و غیره حالات و همه‌ی این‌ها به قدرت الله تعالی اند هیچ مخلوق در آن دخل ندارد، هم‌چنان مراد از تسخیر ﴿مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾، این است که در آسمان‌ها ملایک و در آن

۱ - شارب‌ی، سید قطب ابراهیم حسین (متوفاً: ۱۳۸۵هـ) فی ظلال القرآن، ناشر: دار الشروق-بیروت-قاهره، طب: ۱۷-سال ۱۲۱۴هـ - ج ۵ ص ۷۸۰-۷۸۱.

طرف آفتاب، مهتاب، ستاره‌ها و در زمین زنده‌جان‌ها، درخت‌ها، نباتات، نهرها، کوه‌ها و غیره (همه) را برای فایده و خدمت انسان پیدا نموده است و برای فایده گرفتن از آن الله تعالی اسباب آسان پیدا نموده است در ﴿جَمِيعًا مِنْهُ﴾، تصریح است که در این هیچ مخلوق دخل و اختیار ندارد صرف احسان است از طرف الله تعالی جَمِيعًا حال است از ﴿مَا فِي السَّمَاوَاتِ﴾، یا فعل پنهان است اعتقدوا جَمِيعًا مِنْهُ و من در مننه برای ابتداء است نه برای تبعیض.

بعد از دعوت توسط دلایل تعلیم ادب و حسن اخلاق است به دعوت (تبلیغ) کننده‌گان ﴿يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامًا﴾، یعنی مردمی (منکرین) که موحدین را تکالیف می‌دهند بی‌احترامی‌شان را نموده ایشان را دشنام می‌دهند آن‌ها در حقیقت بر عذاب‌های الله تعالی (که بر منکرین نازل شده‌اند) و بر نعمت‌های الله تعالی (که به موحدین داده شده‌اند) عقیده ندارند از این جهت ایشان چنین بداخلاقی می‌کنند ﴿يَغْفِرُوا﴾، مراد از این بی‌پرواهی کردن از آن‌ها، خاموش شدن از جواب دشنام و غیره صبر کردن است، اخلاق حسنه‌ی مذکور خواه قبل از فرضیت قتال باشند خواه بعد از آن منسوخ نیستند بلکه برای داعی هر وقت عمل بر این‌ها ضروریست ﴿لِيَجْزِيَ قَوْمًا﴾، این عام است برای مؤمنان و کافران. ۱

بعد از این‌که وعده‌ی شدیدترین عذاب را به آن‌ها داد، نعمت‌های گران‌قدر خود را خاطر نشان کرد تا او را سپاس گزار باشند و او را یگانه بدانند، و فرمود: ﴿لِلَّهِ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ﴾ خدا همان است که با قدرت و حکمت خود دریا را باوجود ژرفا و عظمتش برای شمارام و مطیع کرده است. ﴿لِيَجْزِيَ الْفُلْكَ فِيهِ بِأَمْرِهِ﴾ تا به خواست و اراده‌ی او کشتی‌ها بر سطح آن روان باشند بدون این‌که در اعماق آن فرو بروند. امام فخر گفته است: سطح آب را به صورت صاف و نرم خلق کرده است که کشتی بر آن حرکت کند، و چوب را طوری خلق کرده است که سبک باشد و بدون این‌که در آب فرو رود، بر سطح آن باقی بماند، و جز خدا هیچ‌کس بر چنین امری قادر نیست. ۲

فرع چهارم: معنی کلمات

۱ - رستمی، ابی زکریا عبدالسلام، تفسیر أحسن الكلام، ج ۵ ص ۴۴۷ - ۴۴۸.
۲ - زمخشری جار الله، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد (متوفی: ۵۳۸ هـ)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ناشر: دار الکتب - بیروت، طبع: سوم - ۱۴۰۷ هـ، ج ۴ ص ۲۲۷.

﴿لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ﴾: انتظار آمدن عذاب الهی بر دشمنانش را ندارند. ۱

﴿اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ﴾ تا ﴿لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ این دلیل عقلی دوم برای توحید است که به روش پیشرفته‌تر بیان شده است. نه تنها دریاها و نهرها در روی زمین را دستور داده شده است که در خدمت شما باشند، بلکه علاوه بر این‌ها، هر چیزی که در زمین و آسمان وجود دارد همه را در اختیار و در خدمت شما قرار داده است. هر کس که در این موارد تأمل و تفکر کند، می‌بیند که در این‌ها دلایل کافی بر وحدانیت و قدرت الله تعالی موجود است.

﴿قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾ تا ﴿ثُمَّ إِلَيَّ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾ این ترساندن از عذاب دنیوی است. کسانی که به عذاب الله تعالی ایمان ندارند، و بابتی باکی احکام الله تعالی را انکار می‌کنند. خدای تعالی در همین دنیا آنان را گرفتار عذاب می‌نماید. ۲

﴿ایام الله﴾ یعنی روزهای خدا آن روزها مراد است که الله تعالی در آن‌ها دشمنان خود را مورد سزای خاص قرار و یا فرمان‌برداران خود را به انعام و اکرام خصوصی سرفراز می‌فرماید - لهذا از ﴿لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ﴾ آن کفار مراداند که از رحمت او تعالی و از عذاب شدید او اندیشه ندارند. ۳

﴿لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ﴾ «کسانی که توقع روزهای خدا را ندارند.» اما در محاوره‌ی عربی مراد از ایام الله تنها روزها نیستند، بلکه روزهای تاریخی هستند که در آن‌ها اتفاقات بسیار مهمی اتفاق افتاده است. به‌طور مثال «ایام الله» برای روزهای بکار می‌رود که اتفاقات مهم تاریخ عرب و جنگ‌های بزرگ قبایل عرب در آن رخ داده است که نسل‌های بعدی تا قرن‌ها بعد آن‌ها را یاد می‌کرده‌اند. در این جا مراد ایام الله روزهای بد قومی هستند که در آن‌ها خشم خدا آن قوم را فروگیرد و به سزای کارهای بدش از بین برده شود.

﴿وَلْتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ﴾ یعنی در دریاها با تجارت، ماهیگیری، غواصی، دریانوردی و راه‌های دیگر برای به دست آوردن روی تلاش کنید.

۱ - مخلوف، حسنین محمد مخلوف، تفسیر و بیان کلمات قرآن، مترجم: عبد الکریم ارشد، ص ۲۱۵.
۲ - مولانا حسین علی، جواهر القرآن، مترجم: مولوی عبد الرحمن صالحانی، ناشر: انتشارات امام محمد غزالی، چاپ اول سال ۱۴۰۰ هـ ش، ص ۳۲ - ۳۴.
۳ - دیوبندی، مولانا محمود حسن، تفسیر کابلی، چاپ دوم سال: ۱۳۴۵، ناشر: کابل - افغانستان - دولتی مطبعه، ج ۲۵ ص ۴۸۵.

﴿جَمِيعًا مِنْهُ﴾ این فراز دو معنا دارد: یکی آن که بخشش خدا همانند بخشش پادشاهان دنیا نیست که

مقدار از دارایی‌هایی را که از خود ملت و مردم به دست آورده‌اند، به مردم می‌دهند، بلکه تمام این نعمت‌های جهان هستی آفریده و ملک خود خدا هستند و او از طرف خودش آن‌ها را به بشر عطا فرموده است. دوم این‌که نه در آفریدن این نعمت‌ها کسی دیگری با خدا شریک بوده است و نه در رام کردن آن‌ها برای بشر کسی دیگری دخالتی داشته است. خدا هم تنها آفریدگار آن‌ها است و هم این تنها اوست که آن‌ها را از طرف خودش به انسان عطا فرموده است. ۱.

موضوع سوم: احکام و اندرزهای استنباط شده از مقطع

۱. خداوند متعال با نعمت‌هایی که بر بنده‌گانش از قبیل: تسخیر دریا برای گشت‌وگذار کشتی‌ها به

خواست و اجازه‌اش، و برای به دست آوردن منافع، و فرورفتن در دریا به خاطر حصول لؤلؤ و مرجان، و شکار انواع ماهی ارزانی داشته منت گذاشت، تا شکر او تعالی را به‌جای آورند.

۲. همچنین با رام گردانیدن مخلوقات آسمانی و زمینی از قبیل: خورشید، ماه، ستاره‌گان، کوه‌ها و صحراها، دریاها، معادن، کشتزارها، درختان، گیاهان و غیره برای بنده‌گان بر آن‌ها منت گذاشت، همه‌ی نعمت‌های یادشده بر یکتایی الله و قدرت وی دلالت آشکار دارند.

۳. پاداش کار نیکو، و سزای کردار بد به صاحبش برگشته، و در آخرت به او سود و یا زیان می‌رساند. و همه‌ی مردمان برای پاداش و سزا نزد پروردگار خویش حاضر می‌شوند، و این حسابرسی هیچ سودی به پروردگار ندارد بلکه تنها برای مصالح بنده‌گان است. ۲.

۴. بر هر انسان واجب است خدا را به خاطر نعمت‌هایش شکر کند و این نعمت‌ها را در جهت خوشنودی پروردگارش به کار گیرد.

۵. بیان این حقیقت که کفر اهل کتاب به خاطر حسادت به پیامبر - صلی‌الله علیه وسلم - و قوم عرب‌زبان بوده است. ۳.

۶. خداوند به انسان نیروهای عقلانی و بدنی و چگونگی بهره‌مندی از دریا و ساختن کشتی و قایق و... را داده است تا بر آن‌ها سوار شوند و وسایل خود را به‌جاهای دوردست ببرند و

۱ - مودودی، تفهیم القرآن، ج ۵ ص ۵۰۰.

۲ - زحیلی، تفسیر المنیر، ج ۲۵ - ۲۶ ص ۲۸۹ - ۲۹۰.

۳ - البازی، أنور البازی، تفسیر تربیتی قرآن کریم، ج ۳ ص ۴۹۲ - ۴۹۷.

نیازمندی‌های خویش را فراهم کنند و به کسب‌وکار مشغول شوند؛ آیا نباید مردم در برابر این موهبت‌های خداوند سر تعظیم فرود آورند و پروردگار یکتا را بپرستند؟

۷. خداوند تمام موجودات آسمانی از جمله: ستاره‌گان، خورشید و ماه و ابر و باد و باران را که آفریده اوست و هم‌چنین آفریده‌گان زمینی مانند: کوه‌ها، دشت‌ها، گلستان‌ها، سبزه‌زارها، درختستان‌ها، دریاها، اقیانوس‌ها، جویبارها، چشمه‌ها و منابع درون زمین و انواع حیوانات حلال‌گوشت و بابر را در اختیار انسان‌ها قرار داده است تا از آن‌ها بهره‌مند شوند و خداوند را از عمق جان بستایند.

۸. خداوند به پیامبر و مسلمان دستور می‌دهد که در برابر کافران، مشرکان و بی‌دینانی که به کمک و یاری خداوند ایمان و اعتقاد ندارند، سکوت کنند و به بحث و جدال نپردازند و آنان را به حال خود واگذارند و برای بیدار کردن‌شان از خواب غفلت، شکیبایی ورزند و از خشونت بپرهیزند و اجر خود و هدایت آنان را از خدا بخواهند، اوست که هرکسی را بخواهد پاداش و کیفر می‌دهد. ۱

مقطع چهارم

نعمت‌های دینی و فرو فرستادن شرائع^۱ (آیات ۱۶ - ۲۰)

این مقطع دارای (۵) آیت می‌باشد که موضوع آن نعمت‌های دینی و فرور فرستادن شرائع است. محتویات این مقطع با در نظر داشت موضوعات ذیل مورد بحث قرار می‌گیرد:

موضوع اول: بیان مناسبت

فرع اول: مناسبت آیات این مقطع با محور سوره

فرع دوم: مناسبت آیات این مقطع با مقطع گذشته

موضوع دوم: ترجمه و تفسیر اجمالی آیات

فرع اول: ترجمه‌ی آیات

فرع دوم: تفسیر اجمالی آیات

فرع سوم: تفسیر نکات مهم مقطع

فرع چهارم: معنی کلمات.

موضوع سوم: احکام و اندرزهای استنباط شده از مقطع

۱ - زحیلی، التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج، ج ۱۳ ص ۲۸۴.

موضوع اول: بیان مناسبت

فرع اول: مناسبت آیات این مقطع با محور سوره

محور این سوره اصول عقیده ی اسلامی بوده و در آیات این مقطع قرآن از رهبری مؤمنانه‌ی بشریت صحبت می‌کند. این رهبری سرانجام در رسالت محمدیه متمرکز می‌شود. به اختلاف بنی‌اسرائیل اشاره می‌کند و بیان می‌دارد چگونه بعد از آن‌که خدا برای‌شان کتاب و حکومت و نبوت داد، درباره‌ی کتاب‌شان اختلاف ورزیدند. بیان می‌دارد که پرچم رهبری و حکومت، به دست صاحب دعوت و اَپسین داده می‌شود. در حالی‌که صاحب دعوت و اَپسین هنوز در مکه است. و دعوت و اَپسین از هر سو رانده و در محاصره است. ولیکن سرشت دعوت و اَپسین همان است که هست، و وظیفه‌ی آن همان است که هست از آن زمانی که پدیدار گردیده است و پای به عرصه‌ی کارزار گذاشته است. ۱

فرع دوم: مناسبت آیات این مقطع با مقطع گذشته.

بعد از بیان برخی از نعمت‌های عامِ الهی در دنیا، الله متعال نعمت‌های خاصی را برای بنی‌اسرائیل یادآوری کرده است که عبارت‌اند از نعمت‌های دینی و دنیوی. به دلیل این‌که نعمت‌های دینی بهتر از نعمت‌های دنیوی‌اند الله – جل‌جلاله – در قدم نخست از نعمت‌های دینی یادآوری کرده و سپس از بزرگترین نعمت الهی برای بشریت سخن گفته است که عبارت است از شریعت اسلامی. شریعتی‌که قرآن کریم آخرین مصدر مؤثقی آن به شمار می‌آید و این کتاب، وسیله‌ی بصیرت، هدایت و رحمت برای بشریت است. ۲

موضوع دوم: ترجمه و تفسیر اجمالی آیات

فرع اول: ترجمه‌ی آیات

{وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾ وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْثًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٧﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨﴾ إِنَّهُمْ لَنْ يُغْنُوا عَنْكَ

۱ - سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۵ ص ۷۸۲ - ۷۸۳.

۲ - زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۱۳ ص ۲۷۵.

مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ ﴿١٩﴾ هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

﴿٢٠﴾ ١

ما به بنی اسرائیل کتاب آسمانی و حکومت و نبوت بخشیدیم، و از روزی‌های حلال و پاکیزه بدیشان عطا کردیم، و آنان را بر جهانیان (عصر خویش) برتری دادیم. ما دلایل واضح و نشانه‌های روشنی درباره‌ی کار (نبوت و شریعت خود را) در اختیار بنی اسرائیل گذاردیم، ولی آنان (در این باره با یکدیگر) اختلافی نداشتند مگر بعد از آن که علم و آگاهی (از حقیقت دین و احکام آن) پیدا کردند. در این هنگام به سبب برتری جویی و عداوت و حسادت میان خود، (درباره‌ی دین و احکام آن) اختلاف ورزیدند. قطعاً پروردگار تو، روز قیامت در میان ایشان درباره‌ی چیزی که راجع بدان اختلاف پیدا کرده‌اند، داوری خواهد کرد (و به قضاوت خواهد نشست) سپس ما تو را (مبعوث کردیم و) بر آیین و راه روشنی از دین (خدا که برنامه‌ی تو و همه انبیا پیشین بوده است و اسلام نام دارد) قرار دادیم. پس از این آیین پیروی بکن و بدین راه روشن برو (چراکه آیین رستگاری و راه نجات است) و از هواها و هوس‌های کسانی پیروی مکن که (از دین خدا بی‌خبراند و از راه حق) آگاهی ندارند. آنان هرگز تو را از عذاب خدا نمی‌رهانند (و در آخرت در برابر خدا کمترین کمکی به تو نمی‌توانند بکنند، و هیچ دردی را از تو دوا نمی‌کنند). ستمگران کفرپیشه، برخی یار و یاور برخی دیگرند، و خدا هم یار و یاور پرهیزگاران است. این (قرآن و شریعت) وسیله‌ی بینش مردمان و مایه‌ی هدایت و سبب رحمت برای کسانی است که اهل یقین هستند.

فرع دوم: تفسیر اجمالی آیات

یعنی به بنی اسرائیل نعمت‌های دادیم که به دیگر مردمان نرسیده است، و به آنها ﴿الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ﴾ کتاب تورات و انجیل و داوری میان مردم و پیامبری دادیم، که مقام و منزلت نبوت، آنها را ممتاز کرده بود و نبوت از نسل ابراهیم بیش‌تر در میان بنی اسرائیل بود. ﴿وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ﴾ و خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و پوشاک‌های پاکیزه‌ی به آنان دادیم و «من» و «سلوی» را بر آنها فرود آوردیم. ﴿وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ و با این نعمت‌ها آنان را به جز امت اسلام بهترین امتی است که سود

مردم آفریده شده‌اند. و سیاق آیات دلالت می‌کند که منظور از این‌که آن‌ها را بر جهانیان برتری دادیم این است که آنان را بر دیگران برتری دادیم نه بر این امت.

زیرا خداوند نعمت‌هایی را که به بنی اسرائیل داده برای ما بیان می‌نماید، اما فضیلت‌هایی از قبیل کتاب و فرمان‌روایی و نبوت و غیره که باعث برتری بنی اسرائیل گشته بود این امت از همه‌ی آن فضیلت‌ها برخوردار است، و اضافه بر این‌ها فضیلت‌های زیادی برای امت و شریعت اسلام قرار داده‌شده، و شریعت بنی اسرائیل بخشی از شریعت اسلام است. و این کتاب بر همه‌ی کتاب‌های گذشته برتر و چیره است و محمد - صلی الله علیه وسلم - همه پیامبران را تصدیق می‌نماید. ۱

فرع سوم: تفسیر نکات مهم مقطع

۱. ﴿وَالْحُكْمُ﴾ مراد از حکم سه مطلب می‌باشد: یکی علم و فهم کتاب و دین. دوم حکمت کار

کردن طبق خواست کتاب. سوم توانایی داوری درست درباره‌ی امور مختلف. ۲

۲. ﴿وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ روشن است که برتری ایشان بر مردمان زمان خودشان بود. اولین

نماد برتری ایشان گزینش آنان برای رهبری برابر شریعت خدا، و اعطای کتاب و حکومت و

نبوت بدیشان بود. ۳

۳. ﴿بَعْبًا بَيْنَهُمْ﴾ به سبب لجبازی و طلب ریاست اختلاف پیدا کردند. امام فخر گفته است: مقصود

از آیه تعجب کردن از این حالت است؛ زیرا پیدایش علم سبب برطرف شدن اختلاف می‌شود،

در صورتی‌که در این‌جا سبب اختلاف شده است؛ زیرا شناخت و آگاهی برای آنان مهم آن‌ها

نیبود بلکه منظور از آن طلب ریاست و پیشی گرفتن بود، از این‌رو دانستند و عناد ورزیدند.

۴. ﴿وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ و از مشرکان پیروی مکن. بیضاوی گفته است: یعنی از آرای

جاهلانی که دنبال‌شو و شهوات و هوس‌های‌شان هستند، پیروی مکن. منظور رؤسای قریش

است که می‌گفتند: به دین پدران‌ت برگرد. ۴

۱ - سعدی، عبد الرحمن بن ناصر، تفسیر راستین ترجمه‌ی تیسیر الکریم الرحین، ترجمه: محمد گل گمشاد زهی، کتاب خانه عقیده، ج ۳ ص ۶۷۰.

۲ - مودودی، تفهیم القرآن، ج ۵ ص ۵۰۳.

۳ - سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۵ ص ۷۸۴.

۴ - بیضاوی، ناصر الدین أبو سعید عبد الله بن عمر بن محمد الشیرازی (المتوفی: ۶۸۵هـ)، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، محقق: محمد عبد الرحمن المرعشلی، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، طبع: الأولى - ۱۴۱۸ هـ، ج ۵ ص ۱۷۰.

۵. ﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأُمْرِ﴾^۱ سپس ما شما را بر یک طریقی خاص از دین قرار دادیم.

در این جا این امر را در ذهن نشانند، که بعضی از مسائل مربوط به اصول عقاید است، مانند توحید، آخرت و غیره، و بعضی مربوط به احکام عملی زنده‌گی، آنچه به اصول عقاید تو مربوط است، برای امت هر پیغمبری، یکسان‌اند، و در آن‌ها گاهی تبدیل و تغییر نمی‌آید.

اما احکام عملی در شرایع مختلف انبیای گذشته – علیه‌السلام – با توجه به اختلاف زمان آن‌ها، تغییر می‌کردند، در آیه مذکور احکام قسم دوم را به روش خاصی تعبیر نمود، و بنا بر این فقها از این آیه چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند، که برای امت محمدی تنها شریعت محمدی واجب‌العمل است، و آن احکامی که به امت‌های گذشته داده شده است، این‌که برای ما واجب‌العمل نیست، مگر در صورتی‌که قرآن و سنت آن‌ها را تأیید نماید، سپس یکی از صورت‌های تأیید این است که در قرآن یا حدیث به‌صراحت گفته شود که این حکم امت فلان پیغمبر برای ما واجب‌العمل است. صورت دوم این‌که قرآن یا نبی کریم – صلی‌الله علیه وسلم – حکم امت‌های گذشته را به‌طور تحسین و مدح بیان نموده، بر آن خاموش باشند و نگویند که این حکم در حق ما منسوخ است، از این معلوم می‌شود که این حکم هم، در شرع ما مجاری است، و در حقیقت واجب‌العمل بودن این حکم به حیث آن است، که جزء شریعت محمدی است.

ابن‌العربی مالکی که همانند دیگر مالکیان بر این رأی است که شرایع پیشین شرایع ما نیز هست نوشته است:

برخی از کسانی که در مسائل علمی سخن گفته‌اند، گمان کرده‌اند که این آیه: ﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ﴾ دلیل بر این است که شریعت‌های گذشته شریعت ما نیست؛ زیرا الله تعالی در این آیه از یک شریعت به پیامبر – صلی‌الله علیه وسلم – و امتش خبر داده است. و ما انکار نمی‌کنیم که پیامبر – صلی‌الله علیه وسلم – و امت‌شان شریعت ویژه‌ی دارند، بلکه اختلاف ما در مسائلی از شرایع پیشین است پیامبر – صلی‌الله علیه وسلم – از آن با مدح و ثنا یادآوری کرده‌اند، آیا لازم است که از این مسائل پیروی کنیم یا خیر؟ و در لزوم (پیروی) از این مسائل اشکالی وجود ندارد.^۲

فرع سوم: معنی کلمات

۱ - [الجائیه: ۱۸]

۲ - دیوبندی، معارف القرآن، ج ۱۲ ص ۴۰۶.

۱. ﴿بَغْيًا بَيْنَهُمْ﴾: از حسد و دشمنی با یکدیگر.

۲. ﴿بَيِّنَاتٍ﴾: معجزاتی دالّ بر حَقّانیت پیغمبران و صداقت دین خدا. دلایل و براهین روشن.

۳. ﴿بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ﴾: معجزاتی که حَقّانیت پیغمبران بنی اسرائیل و صداقت دین آسمانی ایشان را نشان می‌داد و می‌نمایاند. دلایل و حجّت‌های روشنی که کار و بار دین و شریعت خدایی را به اثبات می‌رساند. دلایل و براهینی که صفات پیغمبر خاتم و درستی دین اسلام را ثابت می‌کرد. ۱.

۴. ﴿شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ﴾: راه و روش روشن از امر دین.

۵. ﴿لَنْ يُغْنُوا عَنْكَ﴾: هرگز از تو دور نخواهند کرد.

۶. ﴿بَصَائِرُ لِلنَّاسِ﴾: دلایل روشنی است که راه نجات را به مردم نشان می‌دهد. ۲.

موضوع سوم: احکام و اندرزهای استنباط شده از مقطع

۱. باید از پیروی هوا و هوس و تبعیت از قانون‌های گمراه‌کننده به شدت پرهیز کرد. ۳.

۲. خداوند بزرگ با یادآوری شش نعمت که بر بنی اسرائیل ارزانی فرمود، بر آنان منت گذاشت، و آن نعمات عبارت‌اند از:

الف - تورات.

ب - دانش کتاب، و یا فیصله و قضاوت در خصومت‌ها.

ج - برانگیختن پیامبران زیاد در بین آن‌ها از زمان یوسف - علیه‌السلام - تا زمان عیسی - علیه‌السلام -.

د - روزی دادن از غذاها و میوه‌های مختلف سرزمین شام به آن‌ها.

ه - برتری دادنشان بر مردمان عصر و روزگاری که در آن می‌زیسته‌اند.

و - منت گذاشتن بر آن‌ها با دادن دلایل روشن حق، و شریعت که حلال و حرام آن آشکار بوده و معجزه‌های که صدق و ایمان را افزایش می‌داد.

۱ - خرمدل، تفسیر نور، ج ۳، ص ۲۱۷.

۲ - مخلوف، حسنین محمد مخلوف، تفسیر و بیان کلمات قرآن، مترجم: عبد‌الکریم ارشد، ص ۲۱۵.

۳ - البازی، أنور البازی، تفسیر تربیتی قرآن کریم، ج ۳، ص ۴۹۷.

- ۴ - از ویژه‌گی‌های بنی‌اسرائیل این بود که بعد از قیام حجت بر آنان، و دانستن حقیقت امر، و درک کردن صحت پیامبری محمد - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - با رجوع به وثایق دینی و اخبار تورات و انجیل و مژده‌ی آن کتاب‌ها به پیامبر آخر زمان و امر ایشان اختلاف نمودند، عده‌ی ایمان آورده و عده‌ی دیگر کافر شدند.
- ۵ - الله متعال محمد مصطفی، امت ایشان و کافه‌ی بشریت را دستور داده که از قرآن کریم پیروی نمایند و شریعت الهی راهکار روشن است که به‌سوی حق، خوش‌بختی و نجات اخروی رهنمود می‌سازد؛ زیرا دربرگیرنده‌ی دستورهای خداوند، نواهی، حدود و فرایض قطعی او تعالی است که هیچ‌گونه تردیدی در آن راه ندارد.
- ۶ قرآنی که الله تعالی بر قلب پیامبرش نازل فرموده براهین، دلایل و نشانه‌های برای مردم در حدود و احکام دارد. ۱.

مقطع پنجم

تفاوت زنده‌گی نیکوکاران و بدکاران در دنیا و آخرت (آیات ۲۱ - ۲۳)

این مقطع دارای (۳) آیت می‌باشد که موضوع آن تفاوت زنده‌گی نیکوکاران و بدکاران در دنیا و آخرت است.

محتویات این مقطع با در نظر داشت موضوعات ذیل مورد بحث قرار می‌گیرد:

موضوع اول: بیان مناسبت

فرع اول: مناسبت آیات این مقطع با محور سوره

فرع دوم: مناسبت آیات این مقطع با آخر سوره‌ی ماقبل

موضوع دوم: ترجمه و تفسیر اجمالی آیات

فرع اول: ترجمه‌ی آیات

فرع دوم: تفسیر اجمالی آیات

فرع سوم: تفسیر نکات مهم مقطع

فرع چهارم: معنی کلمات.

موضوع سوم: احکام و اندرزهای استنباط شده از مقطع

موضوع اول: بیان مناسبت

فرع اول: مناسبت آیات این مقطع با محور سوره

ارتباط و مناسبت محتویات این مقطع با محور سوره واضح است. چون محور سوره تثبیت اساس عقیده اسلامی و تأیید سه عنصر و ارکان آن که یکی آن ایمان و اعتقاد به نزول قرآن از نزد الله متعال و به پیامبری محمد - صلی الله علیه وسلم - و رسالتش می باشد و در آیات این مقطع از سرشت این قرآن نسبت به مؤمنان سخن رفته، و گفته شد که قرآن بینش های درون و دلایل متقن و براهین روشن، و هدایت و رحمت برای اهل یقین و معتقدان واقعی است... بر این سخن پیرو می زند با جدایی قاطعانه ای که میان حال کسانی است که مرتکب بدی ها می شوند، و میان حال کسانی است که کارهای نیکو می کنند و مؤمن هستند. این را ناپسند می شمارند که آنان و اینان را برابر بشمارند و یکسان بگمارند، در حالی که در ترازوی خدا آنان و اینان برابر و مساوی نیستند. خدا آسمان ها و زمین را بر حق و حقیقت و عدالت و دادگری، استوار و پایدار فرموده است، و حق و حقیقت در طرح و نقشه این جهان هستی، اصل و اساس است. در جوار این اصل ثابت و استوار، به هوا و هوس دگرگون شونده اشاره می کند، هوا و هوسی که برخی از مردمان از آن جدایی برای خود ترتیب می دهند و می سازند و آن را پرستش می کنند، و بدین سبب به گونه ای گمراه می گردند که راهیابی و هدایتی به دنبال ندارد. ۱

فرع دوم: مناسبت آیات این مقطع با مقطع گذشته

در آیات قبل الله متعال نعمت های خاصی را برای بنی اسرائیل یادآوری کرده است که عبارت اند از نعمت های دینی و دنیوی، در این جا مقایسه در میان مؤمنان و کافران برقرار کرده و به تفاوت بزرگی در میان آن ها اشاره نموده است. ۲

یعنی پس از آن که الله متعال تفاوت میان ظالمان کافر و پرهیزگاران را در قضیه ی ولایت و دوستی را بیان کرد، فرق میان این دو گروه را در قضیه رحمت و ثواب اخروی نیز مورد تذکر قرار داد. سپس، الله متعال دلیل تفاوت میان نیکوکاران و بدکاران را بیان کرده است و آن این است که الله - جل جلاله - هستی را آفریده و بر اساس حق و عدالت استوار کرده و اجر و پاداش را به عمل وابسته گردانیده است. سپس الله تعالی در مورد انسان بدکاری که از هوی و هوس خود پیروی می کند، سخن

۱ - سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۵ ص ۷۸۶ - ۷۸۷.
۲ - باحث.

گفته و کار او را قابل تعجب می‌داند و خاطر نشان می‌سازد که یگانه ذاتی که می‌تواند او را به راه راست رهنمون شود، الله متعال است. ۱.

موضوع دوم: سبب نزول، ترجمه و تفسیر اجمالی آیات

فرع اول: سبب نزول

ابن منذر و ابن جریر از سعید بن جبیر ۲ - رحمه الله - روایت کرده‌اند: قریش مدتی یک سنگ را عبادت می‌کردند و چون سنگ خوبتر از سنگ اول به دست می‌آوردند اولی را به دور می‌انداختند و به عبادت سنگ برتر می‌پرداختند. در این خصوص خدا جل‌جلاله آیهی ﴿فَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ...﴾ را نازل کرد. ۳.

امام قرطبی - رحمه الله - در تفسیر خود چنین نقل می‌کند: وَقَالَ مُقَاتِلٌ: نَزَلَتْ فِي أَبِي جَهْلٍ، وَذَلِكَ أَنَّهُ طَافَ بِأَبْنَيْتِ دَاتٍ لَيْلَةً وَمَعَهُ الْوَلِيدُ ابْنُ الْمُغِيرَةِ، فَتَحَدَّثَا فِي شَأْنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ ابُوجَهْلٍ: وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْلَمُ إِنَّهُ لَصَادِقٌ! فَقَالَ لَهُ مَهْ! وَمَا ذَلِكَ عَلَى ذَلِكَ؟! قَالَ: يَا أَبَا عَبْدِ شَمْسٍ، كُنَّا نُسَمِّيهِ فِي صِبَاهِ الصَّادِقِ الْأَمِينِ، فَلَمَّا تَمَّ عَقْلُهُ وَكَمُلَ رُشْدُهُ، نُسَمِّيهِ الْكَذَّابَ الْخَائِنَ!! وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْلَمُ إِنَّهُ لَصَادِقٌ! قَالَ: فَمَا يَمْنَعُكَ أَنْ تُصَدِّقَهُ وَتُؤْمِنَ بِهِ؟ قَالَ: تَتَحَدَّثُ عَنِّي بِنَاتِ فُرَيْشٍ أَنِّي قَدْ اتَّبَعْتُ يَتِيمَ أَبِي طَالِبٍ مِنْ أَجْلِ كِسْرَةٍ، وَاللَّاتِ وَالْعُزَّى إِنْ اتَّبَعْتَهُ أَبَدًا. فَنَزَلَتْ " وَحَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبَهُ" ۴.

مقاتل ۵ روایت می‌کند که ابوجهل با ولید بن مغیره در طواف بودند و باهم درباره پیامبر - صلی الله علیه وسلم - صحبت می‌کردند. ابوجهل گفت: به خدا قسم من می‌دانم راست می‌گوید و صادق است. ولید گفت: دست بردار! چه چیز شمارا بر آن واداشته است؟ گفت: ای ابا عبد شمس! در زمان خردسالی او را صادق و امین می‌خواندیم، اما حالا که بزرگ‌شده و عقلش کامل گشته و رشد یافته است، او را دروغگو و خائن می‌خوانیم! به خدا من بهیقین می‌دانم که صادق است. ولید گفت چه چیز مانع می‌شود که او را تصدیق کنی و به او ایمان بیاوری؟ گفت: دختران قریش به زبان می‌آیند و می‌گویند: من به

۱ - زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۱۳ ص ۲۹۴.

۲ - سعید بن جبیر اسدی کوفی، (۴۵ - ۹۵ هـ = ۶۶۵ - ۷۱۴ م)، از بزرگ‌ترین دانشمندان تابعی که نزد ابن عباس و ابن عمر و سایر صحابه ی کرام زانوی تلمذ گذاشته، و چون کوفیان از ابن عباس مسأله‌یی می‌پرسیدند، می‌گفت: آیا از من سوال می‌کنید، در حالی که سعید بن جبیر نزد شما است؟ الاعلام، ج ۳ ص ۹۳.

۳ - سیوطی، جلال الدین، اسباب نزول آیات قرآن کریم، تحقیق: عبد الرزاق المهدي، مترجم: عبد الكريم ارشد فاریابی، ناشر: انتشارات خیری، چاپ: چهارم سال ۱۳۸۸ هـ ق، ص ۳۱۰.

۴ - قرطبی، تفسیر قرطبی، ج ۱۶ ص ۱۷۰.

۵ - مقاتل بن سلیمان بن بشیر بلخی (متوفای ۱۵۰ هـ = ۷۶۷)، از بزرگان مفسرین، اصل او از بلخ بوده و به بصره و سپس بغداد رفت. از تألیفاتش می‌توان از: التفسیر الکبیر، نوادر التفسیر، الرد علی القدریة، متشابه القرآن و الوجوه والنظائر نام برد. الاعلام، ج ۷ ص ۲۸۱.

خاطر منافع و مصالح اندک، از یتیم ابوطالب پیروی کرده‌ام. قسم به لات و عزی هرگز از او پیروی نمی‌کنم، آنگاه آیهی ﴿أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ...﴾ نازل شد.

فرع دوم: ترجمه‌ی آیات

{أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٢١﴾} وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِيُخْزِيَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٢﴾} أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٢٣﴾} ١

آیا کسانی که مرتکب گناهان و بدی‌ها می‌شوند، گمان می‌برند که ما آنان را همچون کسانی بشمار می‌آوریم که ایمان می‌آورند و کارهای پسندیده و خوب انجام می‌دهند، و حیات و ممات و دنیا و آخرت‌شان یکسان می‌باشد؟ (اگر چنین بیندیشند) چه بد قضاوت و داوری می‌کنند! خداوند آسمان‌ها و زمین را به‌حق آفریده است، تا هرکسی در برابر کارهایی که انجام می‌دهد، سزا و جزا داده شود، و به انسان‌ها هیچ‌گونه ستمی نگردد. هیچ دیده‌یی کسی را که هوا و هوس خود را به خدایی خود گرفته است، و با وجود آگاهی (از حق و باطل، آرزوپرستی کرده است و) خدا او را گمراه ساخته است. و بر گوش و دل او مهر گذاشته است و بر چشمش پرده‌ای انداخته است؟! پس چه کسی جز خدا (و خدا هم از وی روی‌گردان است) می‌تواند او را راهنمایی کند؟ آیا پند نمی‌گیرید و بیدار نمی‌شوید؟.

فرع سوم: تفسیر اجمالی آیات

آنان که (منکر قیامت هستند و) کار بد (کفر و شرک و ظلم و معصیت) انجام می‌دهند، آیا چنین فکر می‌کنند که ما آن‌ها را برابر با کسانی قرار می‌دهیم که ایمان و عمل صالح اختیار کرده‌اند تازنده شدن و مردن همه آن‌ها یکسان باشد (یعنی مردن و زنده شدن مؤمنان بدین معنی یکسان باشد، چنان‌که در زنده‌گی از لذت‌ها بهره‌مند نشدند، هم‌چنین پس از مرگ هم محروم گردند، و همین‌طور مردن و زنده شدن کفار هم بدین معنی یکسان باشد، چنان‌که در این زنده‌گی از عذاب و مشقت نجات‌یافته‌اند، هم‌چنین پس از مرگ هم از عذاب ایمن گردند، با این مطلب که از انکار معاد لازم می‌آید که بنده‌گان اطاعت شعار هیچ‌گاه به نتیجه‌ی اطاعت خود نرسند، و بر مخالفان گاهی و بال مخالفت واقع نشود) ایشان بد

حکم می‌کنند، خداوند متعال آسمان و زمین را به حکمت آفریده است (یک حکمت این است که از مشاهده‌ی قدرت بر آفرینش این مخلوقات گران‌قدر، هر زی عقلی چنین می‌فهمد، کسی که ابتدا می‌تواند آن‌ها را بیافریند، باز می‌تواند آن‌ها را فنا کرده، مجدداً آن‌ها را همان‌گونه بیافریند و از این موضوع، وجود قیامت و آخرت ثابت می‌گردد،) و (حکمت دوم این است که) تا به هر شخصی نتیجه‌ی کارش برسد، (و همه این را می‌دانند که در دنیا پاداش کامل نیست، لذا وقوع آخرت ضروری است و) در (این پاداش) بر آن‌ها ستم نمی‌شود.

پس آیا (بعد از بیانات واضح توحید و آخرت) شما حالت آن شخص را دیدید که خدای خود را، خواهش‌های نفسانی خود قرار داد، (که آن‌چه در دلش می‌آید، از آن پیروی می‌کند،) و خداوند او را با دانش و فهمش، گمراه کرده است، (که حق را شنید و نیز فهمید، ولی از پیروی خواهش‌های نفسانی گمراه شد) و (خداوند متعال) بر گوش و قلب او مهر زده و بر چشم او پرده انداخت، (یعنی در اثر نفس پرستی صلاحیت قبول حق او ضعیف شد،) پس چه کسی بعد از (گمراه کردن) خداوند او را هدایت می‌کند، (در این تسلی هم است، در آینده به منکرین به‌طور زجر خطاب شده است که) آیا شما (با شنیدن این بیانات) باز هم نمی‌فهمید (یعنی چنین فهمیدن که مفید باشد اگرچه به اعتبار عموم معنی می‌فهمید).^۱

فرع چهارم: تفسیر نکات مهم مقطع

پیروی از هوای نفس همیشه مذموم است. ابن عباس - رضی الله عنه - گفته: خداوند متعال در هیچ جای قرآن از هوی و هوس یادی نکرده مگر آن‌که آن را مورد مذمت قرار داده است^۲، خداوند - جل جلاله - فرموده: ﴿وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ﴾^۳ «و از خواهش نفس خویش پیروی کرد مثالش همانند سگی است»، و رب العزت در جای دیگری فرمود: ﴿وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا﴾^۴ «و او از خواسته نفس خویش پیروی نمود و کارش، زیاده‌روی و تبه‌کار بوده است» و فرمود: ﴿بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ﴾^۵ «بلکه ستمگاران، بدون هیچ علم و دانشی از خواسته‌های نفسانی خویش پیروی کردند؛ پس کسانی را که الله گمراه نموده است، چه کسی

۱ - تفسیر معارف القرآن، ج ۱۲ ص ۴۰۷ - ۴۱۱.

۲ - الطیار، احمد بن ناصر، کتاب حیاة السلف بین القول والعمل، ج ذم الهوی وفضل من خالفه، طبع اول سال ۱۴۳۳، ص ۴۸.

۳ - [الأعراف: ۱۷۶]

۴ - [الکهف: ۲۸]

۵ - [الروم: ۲۹]

هدایت می‌کند؟ و آنان هیچ یآوری ندارند» و فرمود: ﴿فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ﴾ ۱ «بدان که آنان تنها از خواسته‌های نفسانی خویش پیروی می‌کنند، و هیچ کس گمراه‌تر از کسی نیست که بدون رهنمود و هدایتی از سوی الله، از خواسته‌های نفسانی خویش پیروی می‌کند» و فرمود: ﴿وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾ ۲ «و از خواهش نفس پیروی مکن که تو را از راه الله گمراه می‌کند.»

از عبدالله بن عمر بن عاص - رضی الله عنه - روایت شده که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: " لا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهِ " ۳ « هیچ یک از شما ایمان ندارد مگر این که هوای نفسش پیرو دستوراتی باشد که من آورده ام.»

در حدیث دیگری به روایت ابو امامه - رضی الله عنه - آمده است که گفت: از رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - شنیدم که فرمود: " مَا عُبِدَ تَحْتَ السَّمَاءِ إِلَهًا أَبْغَضُ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْهَوَى " ۴ زیر آسمان الهی منفورتر از هوای نفس نزد خداوند، مورد پرسش قرار نگرفته است.»

امام حمد، ترمذی، ابن ماجه و حاکم از شداد بن اوس - رضی الله عنه - روایت کرده‌اند که رسول گرامی اسلام - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: "الْكَيْسُ مَنْ دَانَ نَفْسَهُ وَعَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، وَالْعَاجِزُ مَنْ اتَّبَعَ نَفْسَهُ هَوَاهَا وَتَمَنَّى عَلَى اللَّهِ" ۵ «زیرک کسی است نفس خود را نگه داشته و برای زنده‌گی‌بی از پس مرگ تلاش ورزد، م فاجر آن است که نفسش پیرو هوا و هوس بوده و بر خدا آرزو کند.» و ترمذی از ابو ثعلبه خشنی - رضی الله عنه - روایت کرده که رسول الله فرمودند: "إِذَا رَأَيْتَ شَحًّا مُطَاعًا ، وَهَوًى مُتَّبَعًا ، وَدُنْيَا مُؤْتَرَةً ، وَإِعْجَابَ كُلِّ ذِي رَأْيٍ بِرَأْيِهِ ، وَرَأَيْتَ أَمْرًا لَا يَدُ لَكَ بِهِ ، فَعَلَيْكَ بِخَاصَّةِ نَفْسِكَ ، وَدَعْ عَنكَ أَمْرَ الْعَوَامِّ" ۶ چون دیدی که از بخل اطاعت شد، هوا و هوس مورد اتباع قرار گرفت، و دنیا ترجیح داد شده، و رأی و نظر هر کسی اعجاب خودش را بر انگیخت، نفس خود را بر خود لازم

۱ - [الفصل: ۵۰]

۲ - [ص: ۲۶]

۳ - روایت نموده ابن حدیث را بغوی در "شرح السنة" (۱ / ۲۱۲) (شماره‌ی حدیث: ۱۰۴)، وابن ابی عاصم در "السنة" (۱۵)، وخطیب در "تاریخ بغداد" (۴ / ۳۶۹) از طریق هشام بن حسان عن محمد بن سیرین عن عطیة بن اوس عن عبد الله بن عمرو بن العاص و صححه نووی در آخر الأربعین، ص ۱۱۳.

۴ - تفسیر قرطبی، ج ۱۶ ص ۱۶۷.

۵ - ترمذی در صفة القيامة، باب الكيس من دان نفسه: ۷ / ۱۵۶، و حکم نموده که: این حدیث حسن است.

۶ - ابو داود در: کتاب الملاحم، باب الأمر والنهي، شماره‌ی حدیث (۴۳۴۱)، و ترمذی در: أبواب تفسیر القرآن، باب ومن سورة المائدة، شماره حدیث (۳۰۵۸)، و حکم نموده: حسن غریب، و ابن ماجه در: کتاب الفتن، باب قوله تعالى: {إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ حَيِّمًا} [المائدة: ۱۰۵]، شماره‌ی حدیث (۴۰۱۴).

بگیر، و مردم را ترک کن.» طبرانی در معجم الاوسط از ابن عمر روایت کرده – البته روایتی ضعیف است – که آن حضرت – صلی الله علیه وسلم – فرمودند: "ثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ وَثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ فَأَلْمُهْلِكَاتُ شُحُّ مَطَاعٍ وَهَوَى مُتَّبَعٌ وَإِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ. وَالْمُنْجِيَاتُ خَشْيَةُ اللَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَالْقَصْدُ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ وَالْعَدْلُ فِي الرِّضَا وَالْغَضَبِ"^۱ «سه هلاک کننده و سه نجات دهنده وجود دارد، پس شه هلاک کننده؛ آزمندی اطاعت شده، و هوای نفسانی پیروی شده و اعجاب شخص به خود، و اما نجات دهنده ها: ترس الهی در پیدا و نهان، و میانه روی در ثروت و تنگدستی و دادگری در خوشنودی و خشم.

فرع پنجم: معنی کلمات

۱. ﴿اجْتَرَحُوا﴾: به دست آورده اند. اجتراح و اکتساب یکی است. جز این که اجتراح در به دست آوردن گناهان، و اکتساب در فراچنگ آوردن حسنات و سیئات هر دو به کار می رود. «سَوَاءٌ»: یکسان؛ برابر. حال (هُمْ) در فعل (نَجَعَلُهُمْ) است. ۲.
۲. ﴿اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ﴾: گناه کردند و کفر ورزیدند.
۳. ﴿أَفْرَأَيْتَ﴾: به من خبر بده. ۳.
۴. ﴿مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ﴾: کسی که هوا و هوس خود را معبود و خدای خود نموده است ﴿أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا﴾ ۴.
۵. ﴿عَلِي عِلْمٍ﴾: با وجود علم به حق و باطل و شناخت راه درست و نادرست، خدا با علم به این که طرف استحقاق هدایت ندارد و در فسق و فجور غرق است. در صورت اول، حال ضمیر (ه) در (أَضَلَّهُ اللهُ) است. در صورت دوم، حال (الله) است. «خَتَمَ عَلَيَّ...» ۵.
۶. ﴿غِشَاوَةٌ﴾: پرده تا راه درست را نبیند. ۶.

موضوع سوم: احکام و اندرزهای استنباط شده از مقطع

۱ - حدیث حسن است. - تخریج نموده این حدیث را بزار (شماره - ۸۰)، و به همین قسم طبرانی در "الأوسط" (۵۵۸۴)، و بیہین در سلسله‌ی احادیث الصحیح (۱۸۳۲)، و صحیح الجامع الصغیر - شماره‌ی حدیث (۳۰۴۱).
 ۲ - خرم دل، مصطفیٰ خرم دل، تفسیر نور، ص ۲۱۷۲
 ۳ - مخلوف، حسنین محمد مخلوف، تفسیر و بیان کلمات قرآن، ص ۲۱۶.
 ۴ - [الفرقان: ۴۳]
 ۵ - تفسیر نور، ص ۲۱۷۲
 ۶ - تفسیر و بیان کلمات قرآن، ص ۲۱۶.

۱. بطلان اعتقاد کافران مبنی بر این‌که انسان‌ها [بدون کدام هدفی] زنده می‌شوند و می‌میرند و در برابر کارهای خوب و یا بدی که انجام می‌دهند، مورد بازپرس قرار نمی‌گیرند.
۲. تأکید بر روز قیامت و رسیدن به پاداشِ اعمال.
۳. پند و موعظه‌ی بزرگ در آیه‌ی «أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ..» تا جایی‌که یکی از مردانِ سلف، شبی تهجد می‌خواند، زمانی‌که به این آیه رسید، تا طلوع فجر این آیه را تکرار کرد و گریست.
۴. نهی از پیروی خواهشات نفسانی که انسان را از هدایت باز می‌دارد و چنان به‌سوی متابعتِ هوی و هوس می‌کشاند که رفتارفته بنده‌گی خدا را ترک نموده و خواهشات نفسانی‌اش را به عنوان معبود بر می‌گزیند.
۵. برحذر داشتن از ارتکاب سنت‌ها و عنعناتِ گمراه‌کننده که مسیر هدایت را برای انسان مسدود می‌نماید.^۱
۶. باید به شدت از هوا و هوس و پیروی از آن دوری کرد، چرا که هواپرستی انسان را به هلاکت و نابودی می‌رساند.^۲
۷. باید بدانیم که در میان مؤمنان و مجرمان فرق وجود دارد و پندار مساوات مؤمن با کافر جنایت کار را الله متعال ردّ نموده است؛ زیرا چگونه مجرم او باشد با انسان پاک و متقی یکسان باشد؟ و این باور با حکمت و عدالت الهی سازگار نیست؛ زیرا عدل و حکمت الهی مقتضی آنست که افراد مجرم و ستمگر به کیفر اعمال خود برسند، همان‌گونه که افراد مؤمن و متقی به پاداش اعمال خود نایل می‌آیند.
۸. فهم این‌که خلقت جهان تصادفی و بی‌هدف نیست، بلکه هدف و حکمتی دارد و آن هدف و حکمت شناخت الله متعال، رسیدن بشر به کمال و ورود او به قیامت برای کیفر و ثواب است:

{وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ} ۳
۹. نکوهش کسانی که از هوا و هوس‌های خود پیروی می‌کنند.
۱۰. پیروی از هوا و هوسها سبب گمراهی بلکه محرومیت انسان از توفیق هدایت می‌گردد.

۱ - جزائری، ایسر التفسیر، ج ۴ ص ۲۱۵.

۲ - البازی، أنور البازی، تفسیر تربیتی قرآن کریم، ج ۳ ص ۵۰۲.

۳ - [الانبیاء: ۱۶]

۱۱. توفیق هدایت در اختیار الله است، پس کسی را الله گمراه سازد، هیچ هدایت‌گری برای او نیست. ۱

۱۲. پیروی از کسی یا چیزی در حقیقت او را اله و معبود قرار دادن است: {أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ} ۲.

۱ - باحث.
۲ - [الجاثية: ۲۳]

مقطع ششم

مادی‌گرایان و انکار قیامت (آیات ۲۴ - ۲۹)

این مقطع دارای (۶) آیت می‌باشد که موضوع آن مادی‌گرایان و انکار قیامت است. محتویات این مقطع با در نظر داشت موضوعات ذیل مورد بحث قرار می‌گیرد:

موضوع اول: بیان مناسبت

فرع اول: مناسبت آیات این مقطع با محور سوره

فرع دوم: مناسبت آیات این مقطع با آخر سوره‌ی ما قبل

موضوع دوم: ترجمه و تفسیر اجمالی آیات

فرع اول: ترجمه‌ی آیات

فرع دوم: تفسیر اجمالی آیات

فرع سوم: تفسیر نکات مهم مقطع

فرع چهارم: معنی کلمات.

موضوع سوم: احکام و اندرزهای استنباط شده از مقطع

موضوع اول: بیان مناسبت

فرع اول: مناسبت آیات این مقطع با محور سوره

محور اساسی سوره‌ی جائیه همانند سوره‌های مکی عناصر و ارکان سه‌گانه‌ی عقیده می‌باشد، و در این مقطع به باورهای جاهلانیهی کافران درباره‌ی عقیده‌ی آخرت پرداخته‌شده است. آنان می‌گفتند زنده‌گی تنها همین زنده‌گی دنیاست و بس و پس از این زنده‌گی دیگری وجود ندارد. ما به سبب گردش ایام چنان می‌میریم که گویا یک ساعت از حرکت باز می‌ایستد. پس از مرگ هیچ روحی باقی نمی‌ماند که قبض شود و مدت‌ها بعد بار دیگر در کالبد صاحبش دمیده شود. اگر چنین ادعای دارید، نیاکان مرده‌ی ما را زنده کنید و به زنده‌گی بازگردانید. ۱

فرع دوم: مناسبت آیات این مقطع با مقطع گذشته

بعد از بیان این‌که مشرکان به سبب کفر و عنادی‌که داشتند، نتوانستند به حق برسند، الله متعال پاره‌یی از مفاسد اعتقادی آن‌ها را بیان کرده است؛ مفاسدی چون: انکار آخرت و انکار الله قادر و توانا. این انکار هم، بر اساس اوهام، تقلید، تخمین‌ها و گمان‌ها استوار بود. آنان برای اثبات ادعای‌شان [مبنی بر انکار حشر و نشر]، از پیامبران الهی می‌خواستند که خدا آبا و اجدادشان را دوباره زنده گرداند تا ما یقین حاصل کنیم که قیامتی وجود دارد. در حالی‌که این شبهه، در نهایت ضعف قرار دارد. سپس الله متعال آن‌ها را با پیشکش کردن دلیل‌نهایت قاطع - که پاسخی به پرسش‌شان بود- تنبیه نموده است. و آن دلیل این است که الله متعال همان‌طوری‌که انسان‌ها را بار اول آفرید، به وجه اولی می‌تواند که آن‌ها را پس از مرگ، دوباره زنده گرداند. بعداً الله - جل‌جلاله- قدرت خود را بر تمام ممکنات زمینی و آسمانی تعمیم بخشیده است. پس از آن، راجع به سختی‌های روز رستاخیز سخن گفته و تذکر داده است که در آن روز، انسان‌ها از هول قیامت و ترس مشاهده‌ی نامه‌ی اعمال‌شان، به زانو می‌نشینند. ۲

۱ - مودودی، تفهیم القرآن، ج ۵ ص ۴۵.
۲ - زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۱۳ ص ۳۰۱ - ۳۰۲.

موضوع دوم: سبب نزول، ترجمه و تفسیر اجمالی آیات

فرع اول: سبب نزول

ابن جریر از ابو هریر - رضی الله عنه - روایت کرده است: مشرکان می گفتند: این شب و روز است که با عث هلاکت ما می شوند. آنگاه خدا ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ﴾ را نازل کرد. ۱

فرع دوم: ترجمه آیات

{وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿٢٤﴾
وَإِذَا تُنذِرَ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتُّوَابَا بَابَانَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٥﴾ قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِنُدِ يَخْسِرُ الْمُطْلُونَ ﴿٢٧﴾ وَتَرَى كُلُّ أُمَّةٍ جَائِئَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾ هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٩﴾}

و (مشرکان) گفتند: چیزی جز (این) زنده گانی دنیای ما، (در کار) نیست، می می ریم و زنده می شویم، و جز طبیعت (و روزگار) ما را هلاک نمی سازد و آن ها به این (امر) هیچ علمی ندارند، و آن ها جز (وهم و) گمان می کنند. و هنگامی که آیات روشن ما بر آن ها خوانده شود، حجت شان جز این نیست که گویند: اگر راست گویید، نیاکان ما را (زنده کنند و) بیاورید (ای پیامبر) بگو: الله شمارا زنده می کند، سپس شما را می میراند باز شما در روز قیامت - که تردید در آن نیست - جمع می کند و لیکن بیش تر مردم نمی دانند. و فرمان روایی آسمان ها و زمین از آن الله است، و روز که قیامت برپا شود، اهل باطل زیان خواهند کرد. و (در آن روز) هر امتی را می بینی که به زانو در آمده، هر امتی به سوی نامهی اعمالش خوانده می شود، (و به آن ها گفته می شود): امروز در برابر آنچه می کردید، پاداش می یابید. این کتاب ماست که به حق بر علیه شما سخن می گوید (و گواهی می دهد) البته ما آنچه را که می کردید، می نوشتیم. ۳

۱ - سیوطی، جلال الدین، اسباب نزول آیات قرآن کریم، ص ۳۱۰.

۲ - [الجائیه: ۲۴ - ۲۹]

۳ - مولانا حسین علی، جواهر القرآن، مترجم: مولوی عبد الرحمن صالحانی، ناشر: انتشارات امام محمد غزالی، چاپ اول سال ۱۴۰۰ هـ ش، ج ۵ ص ۳۲ - ۳۴.

فرع سوم: تفسیر اجمالی آیات

(و گفتند) مشرکان منکر رستاخیز غیر از زنده‌گی دنیایمان، چیز دیگری در کار نیست) یعنی: زنده‌گی، جز همین زنده‌گی این جهانی ما که در آن قرار داریم، نیست (می‌میریم و زنده می‌شویم) یعنی: مرگ و زنده‌گی به این جهان ما مربوط است و پشت سر این زنده‌گی، هیچ زنده‌گی دیگری نیست. به قولی معنی این است: ما در دنیا می‌میریم، باز فرزندانمان در آن زنده‌گی می‌کنند، سپس آن‌ها می‌میرند و باز فرزندانشان در آن زنده‌گی می‌کنند و همین طور این تسلسل ادامه پیدا می‌کند (و چیزی جز دهر ما را هلاک نمی‌کند) یعنی جز گذر روزها و شب‌ها و گذشت زمانه، چیز دیگری ما را هلاک نمی‌کند لذا در این دنیا نه ملک الموتی است و نه قبض روحی... (آنان به این امر هیچ دانشی ندارند) یعنی این سخن را جز از روی شک و تردید نگفته‌اند، بی‌آن‌که به حقیقت، هیچ علمی داشته باشند (آنان جز گمان نمی‌سپرنند) یعنی: نهایت آن چیز که نزد آنان است، گمان و پندار است و بس! آن‌ها فقط بر پندارهای خویش متکی‌اند، نه بر علم و یقین (و چون آیات بینات ما) یعنی: آیات قرآنی‌یی که از زنده‌گی پس از مرگ، درک آشکار و دلالت روشنی به دست می‌دهند؛ (بر آنان خوانده شود، شبیهی آنان همواره جز این نیست که می‌گویند اگر راست می‌گویید، پدران ما را باز آورید) در دنیا آنان را پس از مرگ شان زنده کنید (بگو: خداست که شما را زنده می‌کند) یعنی در دنیا (باز می‌میرند) در هنگام به سر رسیدن اجل‌هایتان (آنگاه شمارا به‌سوی روز رستاخیز گرد می‌آورد) با برانگیختن و حشر و نشتان به‌سوی موقف حساب (شکی در آن) یعنی: در گرد آوردن‌تان به‌روز قیامت (نیست ولی بیش‌تر مردم نمی‌دانند) این حقیقت را، از این روی در زنده شدن بعد از مرگ، شک می‌کنند.

در حدیث قدسی به روایت ابن جریر و ابن ابی حاتم - رحمہما للہ - از ابو هریره - رضی اللہ عنہ - آمده است که فرمود: «اهل جاهلیت می‌گفتند: جز این نیست که ما را شب و روز هلاک می‌گرداند! پس خداوند - جل جلال له - در کتابش نازل فرمود: ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا

الدَّهْرُ...﴾^۱ و فرمود: "يُؤَذِّنِي ابْنُ آدَمَ، يَسُبُّ الدَّهْرَ، وَأَنَا الدَّهْرُ، بِيَدِي الْأَمْرُ، أَقْلَبُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ"^۲

«فرزند آدم مرا اذیت می‌کند؛ زمانه و روزگار را دشنام می‌دهند در حال که آفریننده روزگار منم،

کار به دست بلا کیف من است و شب و روز را پیاپی می‌گردانم.»

۱ - [الجاثية: ۲۴]

۲ - صحيح البخاری، باب (و ما يهلكنا الا الدهر) حديث: ۴۸۲۶ ج ۶ ص ۱۳۳، صحيح مسلم، باب (نهی عن سب الدهر) حديث: ۲۲۴۶، ج ۴ ص ۱۷۶۲.

ابن کثیر گفته است: این گفته کفار و «دهریون» و عرب‌ها و مشرکینی می‌باشد که معاد را انکار می‌کردند. و منظور آن‌ها این بود که جز این دنیا چیزی نیست. بعضی می‌میرند و بعضی زنده‌گی می‌کنند و معاد و قیامتی در کار نیست. و این نظر فیلسوفان دهری - طبیعت‌گرا - می‌باشد که منکر صانع می‌باشند و معتقدند بعد از سی و شش هزار سال همه چیز به حال اولش بر می‌گردد.^۱

این آیه‌ی کریمه ردّی است بر پندار دهری‌مشربان. آنان گروه از اعراب بودند که می‌گفتند: جز این نیست که گذشت شب و روز چرخش زمانه ما را هلاک می‌کند! بدین گونه زنده‌گی و مرگ را به زمانه نسبت می‌دادند. ولی جز این گروه از اعراب، گروه‌های دیگری نیز با آنان در این پندار همراهی کرده‌اند، که از آن جمله‌اند: بیشتر فلاسفه‌ی دهری و ملحد و خداناباوران همه عصرها و نسل‌ها، از آن‌جا که آنان زنده‌گی و تنوع اشکال آن را به تتوری نسبت می‌دهند که میلیون‌ها سال استمرار داشته است پس به پندار آنان، در پشت سر این کائنات نیرویی مدبر ابداع‌گر خلاق وجود ندارد و کار از این حد فراتر نمی‌رود که پیدایش جهان، تصادفی محض باشد! البته هرچی دایره‌ی علوم تجربی توسعه پیدا می‌کند و زوایایی بیشتر از اسرار نظم هستی برای بشر پدیدار می‌گردد، سقف پندارهای این عده بیشتر ترک برمی‌دارد و بنای بی‌بنیاد افکارشان در هم فرو می‌ریزد.

در این میان، بر خی دیگری از فلاسفه نیز وجود دارند که هرچند خود منتسب به اسلام هستند؛ ولی در نوشته‌های علمی خود با این گروه همراهی می‌کنند، گویی از این امر که آفرینش را به آفریدگار مدعی نسبت دهند، خجل می‌شوند و چی بسا می‌گویند: این طبیعت است که آفریده و ابداع کرده است! و اگر از آنان سوال شود که آیا طبیعت خود دارای فکر و اندیشه است؟ آنان هیچ پاسخی ندارند پس همچنانند که خداوند - جل‌جلاله - فرموده است: ﴿وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾ آنان به این امر هیچ دانشی ندارند، آنان جز گمان نمی‌سپرند) و اگر چنین نیست؛ پس روش علمی‌یی که آن‌ها در نسبت دادن حدوث این مخلوقات عجیب به تصادف یا طبیعت غیر عاقل در پیش گرفته‌اند، چیست؟ طبیعت با این همه نظم و سامان و پیچیده‌گی و این همه ظرافت و دقت که بشر به دنبال دریافت رموز آن شتابان می‌دود ولی از این کرانه بی‌انتها، جز فراز اندک را نمی‌پیماید؟ سبحان الله! چگونه هوی و هوس، بینش ظاهر و باطن انسان را از او می‌گیرد؟!

۱- صابونی، محمد علی الصابونی، مختصر تفسیر ابن کثیر، ناشر: دار القرآن الکریم، بیروت - لبنان، طبع: هفتم، ۱۴۰۲ هـ - ۱۹۸۱ م، ج ۵۰۱.

(و فرمان‌روایی آسمان‌ها و زمین از آن خداست.) یعنی: اوست که به یگانه‌گی متصرف آسمان‌ها و زمین می‌باشد و احدی از بنده‌گانش با او در این امر مشارکتی ندارد پس کسی که بر همه چیز فرمان‌روا و توانا باشد، لابد بر آفرنش آخرت نیز تواناست (و روز که قیامت بر پا شود، آن روز است که باطل اندیشان زیان می‌کنند،) یعنی: در آن روز، زیان دروغ‌انگاران کافر که ریشه افکار و پندارهای‌شان را به اباطیل آویخته‌اند، آشکار می‌شود زیرا آنان رهسپار دوزخ می‌گردند.

(و) در آن روز(هر امتی را به زانو در آمده می‌بینی) در حال که نا آرام و نا مطمئن‌اند. آری! مردم و هول و هراس و سختی هنگامه‌یی حساب، در پیشگاه خداوند متعال این چنین زانو می‌زنند.(هر امتی به‌سویی کتاب خود) که بر او در دنیا نازل شده است (فراخوانده می‌شود) آنگاه به آنان گفته می‌شود (امروز به حساب آنچه می‌کردید جزاء داده می‌شوید) یعنی: خداوند - جل‌جلاله - در سرای آخرت به حسب آنچه که در دنیا از خیر و شر می‌کردید شما را جزا می‌دهد.

(این است کتاب ما) که فرشته‌گان ما از رفتار و کردار شما نوشته‌اند؛ (که) این کتاب(علیه شما به حق سخن می‌گوید) یعنی: به حق و راستی، بی‌هیچ کم و زیادی گواهی می‌دهد.

پس شما آن کتاب را می‌خوانید و اعمال خویش را به یاد می‌آورید (هر آینه ما آنچه را که شما می‌کردید، استنساخ می‌کردیم) یعنی: ما، فرشته‌گان را به نوشتن و ثبت و نسخه‌برداری از اعمال شما و حفظ و نگهداری آن امر می‌کردیم. ۱

فرع سوم: تفسیر نکات مهم مقطع

انکار مشرکان از قیامت و استدلال عجیب شان

بعد از بیان ضلالت کافران، در این‌جا یک‌عده از مفسد ناشی از همان گمراهی را بیان می‌کند که از آن جمله: انکارشان از اصل معاد است دوم: انکارشان از ذاتی‌ست که مرگ در دست اوست، و برای انکارشان از این دو اصل، جز پیروی گمان‌های بی‌مورد و اوهام و تخمینات و تقلید فاسد چیزی با خود ندارد.

نخست انکارشان از معاد را ذکر می‌کند: ﴿وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا﴾ ۲ «و گفتند:

جز زنده‌گی این جهان مان، زنده‌گی دیگری نیست، (گروهی از) ما می‌میریم و (گروهی) زنده می‌شویم.» مطلب «نَمُوتُ وَنَحْيَا» این‌ست که برخی از ما می‌میرند، و کسانی دیگری تا یک مدتی زنده می‌مانند،

۱ - تفسیر انوار القرآن، ج ۵ ص ۵۱۳ الی ۵۱۷.

۲ - [الجاثیة: ۲۴]

و کسانی دیگری متولد می‌شوند و جایگزین ما می‌شوند. و مقصودشان از این سخن، انکار همه جانبه از معاد و زنده‌گی مجدد است.

در سوره‌ی مومنون از مشرکان حکایت می‌کند: ﴿إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ﴾^۱ «مشرکان قیامت گفتند: جز زنده‌گی این جهان‌مان، زنده‌گی دیگری نیست، ما می‌میریم و زنده می‌شویم، و ما بار دیگر برانگیخته نخواهیم شد.»

این شبهه واهی در بسیاری آیات قرآن تذکر داده‌شده است:

در سوره‌ی انعام متعال می‌فرماید: ﴿وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ﴾^۲ «و گفتند: جز زنده‌گی این جهان‌مان، زنده‌گی نیست، و ما برانگیخته نخواهیم شد.»

در سوره‌ی دخان از آنان حکایت می‌کند: ﴿إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ (۳۴) إِنَّ هِيَ إِلَّا مَوْتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ﴾^۳ «یقیناً اینان (که از قیامت منکراند)، می‌گویند: جز همین مرگ نخستین، مرگی نیست، و ما دوباره برانگیخته نخواهیم شد.»

بعد از همان عقیده انکار از معادشان را بیش‌تر تأکید بخشیده از وجود ذاتی که مرگ و حیات به دست او است، انکار ورزیده گفتند: ﴿مَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ﴾ «و ما را جز مرور زمانه (و گذشت عمر) هلاک نمی‌کند،» لذا هرچه بر ما می‌گذرد از چرخش زمان است: مانند سیری و گرسنه‌گی، غنا و فقر، صحت و سقم، ترقی و تنزل، صلح و جنگ، مرگ و زنده‌گی این‌همه مربوط به گردش زمانه است. ملحدین معاصر، این امور را به طبیعت نسبت می‌دهند، و هر تحولی را در کائنات مشاهده می‌کنند، آن را زاده طبیعت می‌دانند.

گروهی از فلاسفه حوادث را به گردش فلک نسبت می‌دهند، این‌ها همه سخانی‌اند که تنها در نحوه‌ی تعبیر تفاوت دارند، ولی حقیقت همه، انکار از ذات خالق یکتا است. ولی متأسفانه این‌گونه تعبیرات نادرست و الحادی در اشعار فارسی به کثرت دیده می‌شود. و گروهی از این ملحدین، حوادث را به کوکب نسبت می‌دهند، لذا تحولات و تغییرات را به طلوع و غروب ستاره‌گان مخصوص، مربوط می‌دانند.

۱ - [المومنون: ۳۷]

۲ - [الانعام: ۲۹]

۳ - [الدخان: ۳۴-۳۵]

الله متعال در رد و ابطال سخنان ایشان می‌فرماید: ﴿وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ﴾ «و ایشان برین ادعای‌شان دلیلی ندارند، جز این‌که گمان و تخمین می‌کنند،» و اصرارشان برین گفتار عاری از هر نوع حجت و برهان، فقط و فقط به اساس گمان محض است که هیچ‌گاه انسان را به حقیقت نمی‌رساند. چنان‌چه در سوره‌ی نجم الله می‌فرماید: ﴿وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا﴾^۱

«قطعا گمان در شناخت حقیقت هیچ سودی نمی‌رساند.»

از این دانسته می‌شود که پیروی از سخنی که حجت و برهان نداشته باشد، امر باطل و منکر است. سپس برای اثبات این‌که انکار آن‌ها از معاد و قیامت، تنها بر پایه‌ی گمان و تخمین استوار است، یکی از دلایل‌شان را که بر مبنای آن معاد و قیامت انکار می‌ورزیدند، ذکر می‌کند: ﴿وَإِذَا تُلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اتُّوا بِآيَاتِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾^۲ «و هنگامی‌که آیات روشن ما بر آن‌ها خوانده شود، دلیلی ندارد جز این‌که (به تلاوت‌کننده‌گان آیات ما) می‌گویند: اگر راست می‌گویید پدران ما را (زنده نموده) بیاورید» تا ما به چشم خود مشاهده نموده به قیامت ایمان بیاوریم.^۳

بد گفتن دهر یا زمانه خوب نیست

یعنی زمانه نام دهر است- اما باید دانست که آن هیچ‌کاری کرده نمی‌تواند زیرا که آن نه حس دارد نه شعور و نه اراده – بنابراین این مردم چیزی را ارائه می‌کنند که آن چیز به کسی معلوم نیست حالانکه تصرف او در دنیا نافذ و جاری است.^۴

کفار و مشرکین گردش زمان را علت کل کاینات و سایر احوال آن قرار می‌دانند، و به آن منسوب می‌کردند، هم‌چنان‌که در این آیه ذکر گردید، حال آن‌که در حقیقت همه این افعال از قدرت و اراده‌ی الله تعالی جل شأنه می‌باشد، بنابر این، در احادیث صحیح از بد گفتن دهر یا زمان ممانعت آمده است؛ زیرا قوت که کفار آن را به لفظ دهر یاد می‌کنند در حقیقت آن قدرت حق تعالی است، لذا نتیجه‌ی بد گفتن دهر در حقیقت به خدا می‌رسد.

۱ - [النجم: ۲۸]

۲ - [الجاثیة: ۲۵]

۳ - بدخشانی، ازهر البیان، ج ۵ ص ۶۷۳.

۴ - تفسیر کابلی، ج ۱ ص ۴۹۱.

رسول الله فرموده است: «لَا تَسُبُّوا الدَّهْرَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الدَّهْرُ»^۱ «دهر را بد نگویند؛ زیرا دهر در حقیقت الله تعالی است،» مراد این که این نادانان کاری را که به آن کار دهر می‌گویند، در حقیقت آن کار قوت و قدرت خداست، دهر چیزی نیست، از این لازم نمی‌آید که دهر یکی از نام‌های الله باشد، زیرا در این جا مجازاً به الله تعالی دهر گفته شده است.^۲

فرع چهارم: معنی کلمات

۱. ﴿نَمُوتُ وَنَحْيَا﴾: می‌میریم و زنده می‌شویم. یعنی ما می‌میریم و فرزندان ما جایگزین ما می‌شوند، و زنده‌گی به همین شکلی پیش می‌رود.
۲. ﴿مَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ﴾: ما را جز مرور روزگار و گذشت عمر از میان بر نمی‌دارد.
۳. ﴿بَيْنَاتٍ﴾: روشن. مستدل. حال (آیات) است. ﴿مَا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا...﴾: واژه‌ی (حجّت) خبر (كَانَ) و جمله (أَنْ قَالُوا) اسم آن است. گفتار بی‌اساس ایشان را (حجّت) نامیدن، کنایه از این است که آنان دلیلی جز بی‌دلیلی ندارند.
۴. ﴿جَائِيَةً﴾: بر سر زانوها نشسته. بر سر زانوها نشستن برای خشوع و خضوع در برابر قاضی القضاات دادگاه قیامت، و به خاطر ترس و هراسی است که مردمان را فرامی‌گیرد. ﴿تَدْعِي إِلَيَّ كِتَابَهَا﴾: برای دریافت نامه‌ی اعمال خود با دست راست و یا دست چپ فراخوانده می‌شود، و برابر آن دادگاهی می‌گردد، و سعادت و یا شقاوت می‌بیند.
۵. ﴿جَائِيَةً﴾: از شدت ترس به زانو در آمده.^۳
۶. ﴿يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ﴾: برای شما صحبت می‌کند. مراد از نطق، نوشته‌هایی است که با چشم دیده می‌شود و مطالب را بازگو می‌نماید.
۷. ﴿كُنَّا نَسْتَسِخُّ﴾: نگارش را می‌طلبیدیم. کاملاً می‌نگاشتیم. استنساخ، طلب نگاشتن، و یا مبالغه در نگاشتن است. ﴿إِنَّا كُنَّا نَسْتَسِخُّ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾: نگارش کارهایی را از فرشته‌گان

۱ - صحیح مسلم، باب: النهی عن سب الده، شماره‌ی حدیث ۲۲۴۶، ج ۴ ص ۱۷۶۳.

۲ - عثمانی، تفسیر معارف القرآن، ج ۱۲ ص ۴۱۴.

۳ - مخلوف، حسنین محمد مخلوف، تفسیر و بیان کلمات قرآن، مترجم: عبد الکریم ارشد، ص ۲۱۶.

می‌خواستیم که می‌کردید. آنچه را می‌کردید کاملاً با دقت می‌نگاشتیم و ثبت و ضبط می‌کردیم. ۱.

۸. ﴿کِتَابَهَا﴾: نامه‌ی اعمالش.

۹. ﴿سُنَّتِیْ﴾: فرشته‌گان را به نوشتن امر کرده بودیم... ۲.

موضوع سوم: احکام و اندرزهای استنباط شده از مقطع

۱. بیش‌تر مردم نمی‌دانند که وحی الهی را در کتاب و سنت تکذیب می‌کنند، پس تو با حق همراه باش.

۲. ایمان و کردار شایسته وسیله‌ی سعادت و رستگاری‌اند، پس تو در زمره‌ی مؤمنان نیک کردار باش. ۳.

۳. تأکید بر روز قیامت و رسیدن به پاداش اعمال.

۴. پاسخ به شبهات دهری‌ها؛ یعنی کسانی که وجود خدا را انکار می‌کنند و مرگ و زنده‌گی را به دهر (زمانه) نسبت می‌دهند.

۵. بیان این‌که کافران، برای اعمال و باورهای کفری‌شان نه دلیل عقلی دارند، نه هم دلیل نقلی.

۶. کسانی که مرده‌اند، از خداوند متعال طلب می‌کنند که دوباره زنده گردند و ایمان بیاورند؛ اما حکمت الهی که همه‌ی هستی بر اساس آن می‌چرخد، همین را تقاضا می‌کند که آن‌ها دوباره زنده نشوند و این به معنای عجز و ناتوانی الله متعال نیست، بلکه مقتضای حکمت او تعالی است.

۷. بیان این‌که اکثر مردم نمی‌دانند، از همین‌رو، وحی الهی را – که قرآن و سنت است – مورد تکذیب قرار می‌دهند.

۸. بیان این‌که علم درست و صحیح، فقط از طریق وحی الهی به دست می‌آید. ۴

۱ - خرم دل، تفسیر انوار القرآن، ج ۵ ص ۲۱۷۴ الی ۲۱۷۶.
۲ - مخلوف، تفسیر و بیان کلمات قرآن، ص ۲۱۶.
۳ - البازی، أنور البازی، تفسیر تربیتی قرآن کریم، ج ۳ ص ۵۰۲.
۴ - جزائری، ایسر التفاسیر، ج ۴ ص ۲۱۷.

مقطع هفتم

پاداش مؤمنان فرمان‌بردار و سزای کافران سرکش (آیات ۳۰ - ۳۷)

این مقطع دارای (۸) آیت می‌باشد که موضوع آن پاداش مؤمنان فرمان‌بردار و سزای کافران سرکش است.

محتویات این مقطع با در نظر داشت موضوعات ذیل مورد بحث قرار می‌گیرد:

موضوع اول: بیان مناسبت

فرع اول: مناسبت آیات این مقطع با موضوع سوره

فرع دوم: مناسبت آیات این مقطع با مقطع گذشته

موضوع دوم: ترجمه و تفسیر اجمالی آیات

فرع اول: ترجمه‌ی آیات

فرع دوم: تفسیر اجمالی آیات

فرع سوم: تفسیر نکات مهم مقطع

فرع چهارم: معنی کلمات.

موضوع سوم: احکام و اندرزهای استنباط شده از مقطع.

موضوع اول: بیان مناسبت

فرع اول: مناسبت آیات این مقطع با محور سوره

ارتباط و مناسبت محتویات این مقطع با محور سوره واضح و آشکار است. چون محور این سوره همانند دیگر سوره‌های مکی، به‌ویژه سوره‌های هفت‌گانه‌ی آل حم تأویل و ترسیخ عقیده‌ی اسلامی است.

و سوره با یادآوری جزای عادلانه‌ی روز قیامت که در آن روز انسان‌ها به دو فرقه تقسیم می‌شوند: گروهی در بهشت جای می‌گیرد و گروهی روانه‌ی دوزخ می‌شوند، خاتمه یافته است. ۱

فرع دوم: مناسبت آیات این مقطع با مقطع گذشته

بعد از بیان احوال قیامت و سختی‌های آن، الله - جل‌جلاله- راجع به احوال مؤمنان مطیع و فرمان‌بردار سخن گفته و از اجر و ثواب و رحمتی که برای‌شان آماده کرده است، صحبت می‌کند. همچنان درباره‌ی احوال کافران و عذاب اخروی آنان - که در اثر افراطشان در دنیاپرستی و تمسخرشان به عذاب اخروی- برای‌شان مهیا گردیده است، سخن می‌گوید و این‌که آنان را در جهنم فرو می‌اندازد و هرگز اخراج‌شان نمی‌کند و به توبه‌ی آن‌ها ارجی نمی‌نهد و از گناهان گذشته‌ی‌شان نمی‌گذرد. ۲

موضوع دوم: ترجمه و تفسیر اجمالی آیات

فرع اول: ترجمه‌ی آیات

{ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿٣٠﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نُنظَنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُستَيْقِنِينَ ﴿٣٢﴾ وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٣٣﴾ وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٣٤﴾ ذَلِكَ بِأَنَّكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٣٥﴾ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٦﴾ وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٣٧﴾ }

۱ - صابونی، صفوة التفسیر، ج ۴ ص ۳۶.

۲ - زحیلی، التفسیر المنیر، ج ۱۳ ص ۳۱۱.

۳ - [الجاثیة: ۳۰ - ۳۷]

پس اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پروردگارشان آن‌ها را در رحمت خود (بهشت) داخل می‌کند، این همان کامیابی بزرگ است. و اما کسانی که کافر شدند، (به آن‌ها گفته می‌شود) آیا آیات من بر شما خوانده نمی‌شد، پس شما تکبر کردید، و قومی مجرم بودید؟! و چون گفته می‌شود: بی‌گمان وعده‌ی الله حق است، و (در آمدن) قیامت هیچ شکی نیست می‌گفتید: ما نمی‌دانیم قیامت چیست؟ ما فقط گمانی داریم، و ما (درباره‌ی آن) یقین کننده نیستیم. و بدی‌های آن‌چه کرده‌اند، برای آنان آشکار شد، و آن‌چه که مسخره‌اش می‌کردند آن‌ها را فروگرفت. و (به آن‌ها) گفته می‌شود: امروز شما را فراموش می‌کنیم، همان‌گونه که (شما) دیدار امروزتان را فراموش کردید، و جایگاه شما آتش (دوزخ) است، و شما هیچ یآوری ندارید. این بدان سبب است که شما آیات الله را به مسخره گرفتید، و زنده‌گی دنیا شما را فریفت پس امروز نه آن‌ها از آن (دوزخ) بیرون آورده می‌شوند، و نه هیچ عذری از آن‌ها پذیرفته می‌شود. پس ستایش مخصوص الله است، پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین، پروردگار جهانیان. و کبریا و بزرگی در آسمان‌ها و زمین، از آن اوست، و او پیروزمند حکیم است.

فرع دوم: تفسیر اجمالی آیات

پس (بعد از حساب چنین قضاوت می‌شود که) کسانی که ایمان آورده بودند، و کارهای نیک انجام داده بودند، پس آن‌ها را خدای شان در رحمت خویش، داخل می‌کند و این است پیروزی صریح. و کسانی که کافر بودند (به آن‌ها گفته می‌شود که) آیا آیات من بر شما خوانده نمی‌شد پس شما (از قبول آن‌ها) تکبر کرده بودید، و (بنابر این) شما بودید مجرمان بزرگ و (وضع‌تان از این قرار بود که) وقتی (به شما) گفته می‌شد وعده‌ی الله (نسبت به زنده‌گی بار دوم و به جزا و سزا) بر حق است، و در قیامت هیچ شکی نیست، پس شما (با نهایت بی‌باکی) می‌گفتید که ما نمی‌دانیم قیامت چه چیز است (فقط از گفت و شنید) یک خیال محض به گمان می‌آید، و ما (نسبت به آن) یقین نداریم و (آنگاه) بر آن‌ها تمام اعمال بدشان ظاهر می‌گردد، و آن (عذابی) که آن‌ها به آن استهزا می‌کردند آن‌ها را فرامی‌گیرد، و (به آن‌ها) گفته می‌شود که ما امروز شما را در فراموشی می‌اندازیم (یعنی از رحمت دور نگاه می‌داریم، که با آن مجازا در فراموشی انداختن می‌گویند) هم چنان‌که شما آمدن این روز خود را فراموش کرده بودید، و (از امروز) جای شما جهنم است و برای شما هیچ مددگاری نیست، این (سزا) به این خاطر است که شما به آیات خدا مسخره می‌کردید، و زنده‌گی دنیا شما را در فریب انداخته بود، (که در آن مشغول شده از آخرت کاملاً غافل، بلکه منکر شده بودید) پس امروز ایشان نه از دوزخ بیرون آورده می‌شوند، و نه از آن‌ها ناراضی خدا تدارک دیده می‌شود (یعنی به آن‌ها فرصت داده نمی‌شود که توبه کرده خدا را از خود راضی بکنند، پس وقتی که تمام این مطالب را شنیدید، پس (از آن این هم مفهوم شد که) تمام ستایش

برای خدا (ثابت) است که پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین است (و آسمان و زمین چه خصوصیت دارند بلکه او) پروردگار تمام جهان است و برای او بزرگواری (که ظهور آن از آثار و علامات) در آسمان و زمین (می‌باشد) و او است غالب و با حکمت. ۱

فرع سوم: تفسیر نکات مهم مقطع

﴿وَبَدَأَ لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا﴾ «در آن هنگام بدی‌های کارهای‌شان بر آنان پدیدار می‌شود،» یعنی در

آن‌جا متوجه خواهند شد که راه‌ها و روش‌ها، آداب و رسوم و کارها و مشغله‌های را که در دنیا بسیار خوب می‌پنداشته‌اند، همه‌ی آن‌ها بد بوده اند. آنان با غیر مسئول فرض کردن خود مرتکب چنان اشتباه اساسی‌یی شدند که به سبب آن تمام کارنامه‌ی زنده‌گی‌شان غلط شد. ۲

﴿وَقِيلَ الْيَوْمَ نَسَاكُمْ...﴾ چون که نسبت معنای حقیقی نسیان به الله تعالی محال است. لهذا مجازاً

مراد گذاشتن در عذاب است، از قبیل تسمیة السبب به اسم سبب، یعنی نهادن اسم سبب به سبب، یعنی چنان‌که شما قبلاً از روز قیامت به کلی غافل شده و آن را فراموش کرده بودید، امروز ما نیز شما را به عذاب دایمی گرفتار خواهیم کرد، و شما برای همیشه در آن خواهید ماند، و بدین ترتیب دوزخ برای همیشه جایگاه شما خواهد بود، و امروز شما هیچ یار و مددگار، و ناصر و غمخواری نخواهید داشت که شما را از عذاب الله برهاند و خلاص کند. ۳

در آیه منظور از نسیان و فراموشی ترک عمل است. مجاهد - رحمه الله - گفته است ﴿الْيَوْمَ

نَسَاكُمْ﴾ یعنی شما را رها می‌کنیم آن‌گونه که شما عمل را برای آخرت رها نمودید؛ زیرا خداوند گمراه نشده و فراموش نمی‌کند.

﴿ذَلِكُمْ بِأَنكُمْ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا وَغَرَّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا﴾ زیرا شما کلام و دین خدا و آنچه پیامبر

آورده را مسخره کردید و دنیا با آراسته‌گی‌ها و رزق و برق باطلش شما را فریب داد تا این‌که آخرت را فراموش کردید، پس این گونه شما را کیفر می‌دهیم.

۱ - معارف القرآن، ج ۱۲ ص ۴۱۶ - ۴۱۷.

۲ - مودودی، تفهیم القرآن، ج ۵ ص ۵۱۲.

۳ - حسین علی، جواهر القرآن، ج ۵ ص ۳۶.

﴿فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ﴾ امروز از آتش جهنم بیرون آورده نمی‌شوند و از آنان خواسته نمی‌شود که با توبه و بنده‌گی پروردگارشان را راضی بگردانند و به‌خاطر از دست دادن فرصت‌ها از او عذرخواهی کنند. ۱

﴿وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ یعنی: بزرگی، عظمت و سلطه در اکناف و اطراف جهان مخصوص الله است، و او تعالی در پادشاهی‌اش چیره و توانا بوده که هرگز مغلوب کسی نمی‌شود، و در تمام سخنان، افعال، فرمان‌ها و فیصله‌های خویش فرزانه است. ۲

در حدیث قدسی صحیح امام احمد، امام مسلم، ابو داود و ابن ماجه از ابوهریره - رضی‌الله‌عنه - و ابو سعید خضری - رضی‌الله‌عنه - از رسول‌الله - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - روایت نموده‌اند که فرمود:

"يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: الْعِظْمَةُ إِزَارِي وَالْكَبْرِيَاءُ رِدَائِي، فَمَنْ نَارَعَنِي وَاحِدًا مِنْهُمَا أَسْكَنْتُهُ نَارِي" ۳.

«خداوند می‌فرماید: عظمت ازار من است، و کبریا ردای من. و هر کس با من در یکی از آن‌ها

نزاع و کشمکش کند، او را به آتش دوزخ خویش مسکن می‌دهم.»

فرع چهارم: معنی کلمات

۱. ﴿حَاقَ بِهِمْ﴾: فرود می‌آید یا آن‌ها را احاطه می‌کند.
۲. ﴿نَسَاكُمْ﴾: شما را در عذاب می‌گذاریم.
۳. ﴿وَمَا أَوَّاكُمُ النَّارُ﴾: جایگاه شما دوزخ است.
۴. ﴿وَعَرَّتْكُمْ...﴾: شما را فریفت...
۵. ﴿لَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ﴾: از آن‌ها خواسته نمی‌شود که بر گردند و خوشنودی خدا را به‌دست آورند.
۶. ﴿وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ﴾: جاه و جلال و فرمان‌روایی مخصوص اوست. ۴

۱ - صابونی، دکتر محمد علی، تفسیر روان، ترجمه: محمد حنیف زانی، ناشر: خواجه عبد الله انصاری، چاپ اول سال ۱۳۹۱، ج ۲ ص ۱۴۶۰ - ۱۴۶۱.

۲ - زحیلی، تفسیر المنیر، ج ۲۵ - ۲۶ ص ۳۱۹.

۳ - صحیح البخاری، باب (و ما یهلکنا الا الدهر) حدیث: ۴۸۲۶ ج ۶ ص ۱۳۳، صحیح مسلم، باب (نهی عن سب الدهر) حدیث: ۲۲۴۶، ج ۴ ص ۱۷۶۲.

۴ - مخلوف، حسنین محمد مخلوف، تفسیر و بیان کلمات قرآن، مترجم: عبد الکریم ارشد، ص ۲۱۶.

موضوع سوم: احکام و اندرزهای استنباط شده از مقطع

۱. پاداش مؤمنانی که کارهای شایسته انجام دادند، فرایض را ادا کرده و از گناهان و منکرات اجتناب کردند، این است که به بهشت برین و نعمت‌های دایمی داخل می‌شوند.
۲. جزای کافرانی که معبود دیگری را با الله شریک قرار داده، و مرتکب گناهان شدند، و از فرمان الله و پذیرش احکام و پیروی شریعت او سر باز زدند، همانا دخول در آتش جهنم است.
۳. کافران به‌خاطر عدم پیروی از آیات خداوند در قرآن کریم و کتاب‌های دیگرش و نشنیده گرفتن آن‌ها مورد توبیخ و سرزنش قرار می‌گیرند.
۴. در قیامت حقایق هویدا شده و امور به‌طور واضح متجلی می‌گردد کافران سزای کارهای زشتی که انجام داده‌اند را دریافته و استهزا که نسبت به عذاب الهی می‌کردند آنان را احاطه می‌کند. ۱
۵. جزا و سزا از جنس عمل است، به قول معروف، از کوزه همان تراود که در اوست.
۶. هنگام فراغت از هر عمل شایسته یا محابی، باید خدا را سپاس گفت. ۲
۷. بیان عقیده‌ی کافران درباره‌ی رستاخیز، شک و تردید آن‌ها در این مورد.
۸. تهدید و هشدار آن‌ها به گرفتاری به سرنوشت بد اعمال‌شان در آخرت.
۹. بیان مصیر و جایگاه کافران که آتش دوزخ است.
۱۰. هیچ راه نجاتی برای آن‌ها نیست و نه کدام یار و یآوری دارند.
۱۱. اسباب گرفتاری‌شان به این سرنوشت که انکار معاد، بی‌اعتنایی در برابر آیات الهی و استهزا به آن است.
۱۲. روشن شدن این‌که تنها مستحق حمد و ستایش و عظمت پروردگار متعال است. ۳

۱ - زحیلی، تفسیر المنیر، ج ۳۱۹ - ۳۲۰.
۲ - البازی، أنور البازی، تفسیر تربیتی قرآن کریم، ج ۳ ص ۵۰۴.
۳ - باحث.

نتیجه‌گیری

از آن‌چه در مورد تفسیر موضوعی سوره‌ی الجاثیه طی هفت مقطع نگاشته شده، به شرح ذیل نتیجه‌گیری می‌شود.

۱. تفسیر موضوعی، یک اصطلاح جدیدی است که بر بعضی از تفسیرهای معاصر اطلاق شده است و در تفاسیر گذشته این نام کمتر به چشم می‌خورد، ولی می‌توان مشابه حرکت معاصر در تفسیر موضوعی را در زمان‌های گذشته نیز پیدا کرد.
۲. تفسیر موضوعی از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا این نوع تفسیر انسان را به شکل ساده و آسان به محتویات و مفاهیم قرآن زودتر و دقیق‌تر آشنا می‌سازد.
۳. سوره‌ی جاثیه از جمله سوره‌هایی است که بعضی از مفسران آن را مکی می‌گویند به استثنای آیه‌ی ۱۴ آن اما بعضی دیگر همه‌ی سوره را مکی می‌گویند، و موضوع و محور این سوره همانند دیگر سوره‌های مکی مبادی عقیده‌ی اسلامی می‌باشد.
۴. نام این سوره نزد اکثر علما "جاثیه" است که مسمی کل بر اسم جزء است که از آیه‌ی ۲۸ سوره گرفته شده؛ اما به اساس قول راجح این سوره دارای دو اسم توقیفی می‌باشد که عبارت است از (سورة الشریعة) و (سورة الدهر) و بعد از سوره‌ی دخان و قبل از سوره‌ی حم الأحقاف نازل شده است.
۵. الله متعال در قرآن کریم برای هدایت انسان‌ها هر گونه مثالی را بیان داشته است.
۶. دلایل توحید که دلالت بر بزرگی و عظمت و کمال توانایی الله متعال دارد بیان‌گر این است که او تنها شایسته‌ی پرستش است، و این برای کسی است که مؤمن و اهل یقین و عقل با بصیرت داشته باشد. و اگر کسی نه مؤمن و نه طالب یقین باشد، کم از کم عاقل خو هست، پس باید عقل خود را مهمل نگذارد، و آن را به کار انداخته از آن بهره ببرد تا به حقایق آشنا شود.
۷. الله متعال مجرمان تکذیب‌کننده‌ی قرآن، آنان که آیات پرفروغش را می‌شنوند، اما جز تکبر و طغیان و گردن‌کشی چیزی نمی‌اندوزند. آن‌ها را به عذاب دردناک در اعماق دوزخ تهدید کرده است.
۸. برای اثبات و یگانه‌گی الله متعال دلایل بی‌شمار در مخلوقات و کائنات وجود داشته که دایم‌الحال برای مدعای ناطق و گویا می‌باشد.

۹. برای بندهگان الله لازم است تا درباره‌ی نعمت‌های گران‌قدری او بیندیشند و او را سپاس‌گزار باشند، و دریابند که منبع و مصدر این نعمت‌های ظاهری و باطنی تنها ذات خدا می‌باشد، و جز الله خالق و روزی دهنده‌یی نیست.
۱۰. الله متعال مؤمنان را دستور داده است که کفار را مورد عفو و بخشش قرار دهند و این را هم تذکر داده است که جزای عمل خوب و یا بد، بر می‌گردد به انجام‌دهنده‌گان آن اعمال، برابر است که عمل خیر باشد یا شرّ.
۱۱. الله متعال رد می‌کند باورهای جاهلانیهی کافران درباره‌ی عقیده‌ی آخرت را آنان که می‌گفتند زنده‌گی تنها همین زنده‌گی دنیاست و بس.
۱۲. الله متعال مؤمنان مطیع و فرمان‌بردار را در دنیا و آخرت شامل اجر و پاداش و رحمت خود می‌سازد.
۱۳. الله متعال کافران را در جهنّم فرو می‌اندازد و هرگز اخراج‌شان نمی‌کند و به توبه‌ی آن‌ها ارجی نمی‌نهد و از گناهان گذشته‌ی‌شان نمی‌گذرد.
۱۴. بزرگی، عظمت و سلطه در اکناف و اطراف جهان مخصوص الله است، و در تمام سخنان، افعال، فرمان‌ها و فیصله‌های خویش فرزانه است.

پیشنهادات

در این رساله سوره‌ی مبارکه‌ی الجاثیه به گونه‌ی تفسیر موضوعی، تفسیر گردیده و من در ضمن مناسب می‌دانم تا موارد ذیل را همچو پیشنهادات متذکر گردم.

۱. شایسته می‌دانم که دانش‌پژوهان ماستری در بخش تفسیر و حدیث جهت تهیه‌ی رساله‌ی ماستری‌شان، رو به تفسیر موضوعی یکی از سوره‌های قرآنی آورند و سوره‌ی مورد نظر را در سایه‌ی تمامی اصول و معیارهای علمی برای تفسیر موضوعی مورد تحلیل قرار دهند.

۲. برای الگوگیری و نمونه‌برداری در راستای تفسیر موضوعی، مناسب‌ترین تفسیر را که می‌توان از آن یاد کرد همانا - التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج - است که حقا تمامی نورم‌ها و مناهج ارزنده تفسیر موضوعی در آن رعایت گردیده است.

۳. از میان این رساله‌های نوشته شده در تفسیر موضوعی، هر یکی از آنها که بسیار مفید و به جامعه اهمیت داشته باشد به چاپ برسد.

الف: فهرست آيات

شماره	طرف آيت	سوره	آيات	صفحه
١	فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّمِّثْلِهِ	البقره	٢٣	١٧
٢	يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ	المائده	١٣	١٢
٣	الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ	الأنعام	٨٢	١٤
٤	وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ	الانعام	٢٩	٨٠
٥	وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ	الأعراف	١٧٦	٦٩
٦	وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا	الكهف	٢٨	٦٩
٧	وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ	الانبيا	١٦	٧٢
٨	وَإِذَا تَنَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ نَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا .	الحج	٧٢	٤٧
٩	وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا	الفرقان	٣٣	٩
١٠	أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا	الفرقان	٤٣	٧١
١١	إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ	المومنون	٣٧	٨٠
١٢	اعْلَمُوا أَنَّمَا يُتَّبَعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ	القصص	٥٠	٧٠
١٣	بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي ...	الروم	٢٩	٦٩
١٤	وَإِذَا تَنَلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَانَ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ...	القمان	٧	٤٤
١٥	إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ	القمان	١٣	١٤

٧٠	٢٦	ص	وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ	١٦
٨٠	٣٥, ٣٤	الدخان	إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ (٣٤) إِنَّ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ ...	١٧
٢٨	٥٨	الدخان	فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ	١٨
٨١	٢٨	النجم	وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا	١٩
١٢	١٠	الرحمن	وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ	٢٠
١٨	١٣	الحديد	فَضْرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ ...	٢١
١٢	١٤	الغاشية	وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ	٢٢

ب: فهرست احاديث

شماره	طرف حديث	راوى	صفحه
١	لَا تَسُبُّوا الدَّهْرَ؛ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الدَّهْرُ	ابو هريره	٨٣
٢	يُؤَذِّنِي ابْنُ آدَمَ، يَسُبُّ الدَّهْرَ، وَأَنَا الدَّهْرُ، بِيَدِي الْأَمْرُ، أَقْلَبُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ	ابو هريره	٧٧
٣	مَا عِيدَ تَحْتَ السَّمَاءِ إِلَهَ أَبْعَضُ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْهَوَى	ابو امامه	٦٩
٤	يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: الْعِظْمَةُ إِزَارِي وَالْكَبْرِيَاءُ رِدَائِي، فَمَنْ نَارَ عَنِّي وَاحِدًا مِنْهُمَا أَسْكَنْتُهُ نَارِي	ابو سعيد خضري	٨٨
٥	إِذَا رَأَيْتَ شُحًّا مُطَاعًا , وَهَوَى مُتَّبَعًا , وَدُنْيَا	ابو ثعلبه خشنى	٦٨
٦	ثَلَاثٌ مُهْلِكَاتٌ وَثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ فَالْمُهْلِكَاتُ شُحٌّ	ابن عمر	٦٩
٧	الْكَيْسُ مَنْ دَانَ نَفْسَهُ وَعَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ،	شداد بن اوس	٦٩
٨	لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يَكُونَ هَوَاهُ تَبَعًا لِمَا جِئْتُ بِهِ	عبدالله بن عمر بن عاص	٦٩
٩	نَهَى رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَنْ يُسَافَرَ	عبدالله بن عمر	٤٤

ج: فهرست اعلام

شماره	اعلام	صفحه
۱	ألوسی	۲۲
۲	ابن عباس	۲۲
۳	ابن عاشور	۲۳
۴	ابن فارس	۱۱
۵	ابن منظور	۹
۷	ابوبکر بن العربی	۲۶
۸	ابوحیان	۱۰
۹	امام رازی	۳۶
۱۰	امام مجدالدین ابوطاهر	۱۸
۱۱	امام قرطبی-رحمه الله-	۲۴
۱۲	بدرالدین الزرکشی	۱۰
۱۳	جابر بن عبدالله	۲۴
۱۴	حسن بصری	۲۴
۱۵	راغب اصفهانی	۹
۱۶	سعید بن جبیر	۸
۱۷	عبدالله بن زبیر	۲۲
۱۸	عمر بن الخطاب	۲۴
۱۹	عکرمه	۲۴
۲۰	عثیمین محمد بن صالح	۲۴
۲۱	قتاده	۲۴
۲۲	محمد عبدالعظیم زرقانی	۱۱
۲۳	مقاتل بن سلیمان	۶۸

فهرست منابع

قرآن كريم

١. ابن فارس، ابو الحسن احمد بن فارس بن ذكريا، معجم مقاييس اللغة، دار احياء التراث العربى - بيروت ٢٠٠١ م.
٢. ابن منظور، محمد بن مكرم (٧٣٥هـ) لسان العرب، طبع اول، ١٤٠٨ هـ، دار مصادر، بيروت.
٣. ابن ضريس، ابو عبدالله محمد بن ايوب (متوفى ٢٩٤هـ)، كتاب فضائل القرآن، محقيق: غزوة بدير، الناشر: دار الفكر، دمشق- سوريه ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٧ م.
٤. ابوحيان، محمد بن يوسف، البحر المحيط فى التفسير، محقيق: صديقى محمد جميل، طبع: اول، ١٤٢٠ هـ دار الفكر بيروت، لبنان.
٥. ابو العلاء، عادل بن محمد، مصابيح الدرر فى تناسب آيات القرآن الكريم والسور، ناشر: مؤسسة الرساله، بيروت - لبنان ١٤٣٤ هـ - ٢٠٠٤ م.
٦. الذهبى، محمد حسين ، البرهان فى علوم القرآن، محقيق: محمد أبو الفضل ابراهيم الجزء الاول الطبعة الاولى ١٣٧٦ هـ - ١٩٥٧ م دار احياء الكتب العربية عيسى البابى الحلبي وشركائه.
٧. الذهبى، محمد السيد حسين (المتوفى: ١٣٩٨ هـ)، التفسير والمفسرون، الناشر: مكتبة وهبة، القاهرة.
٨. الراغب الأصفهاني، ابو القاسم الحسين بن محمد (متوفى: ٥٠٢ هـ) ، محقيق: صفوان عدنان الداودي، المفردات فى غريب القرآن، الناشر: دارالقلم، الدار الشامية - دمشق بيروت، الأول - ١٤١٢ هـ.
٩. الزحيلي، دوهبة بن مصطفى، التفسير المنير فى العقيدة والشريعة والمنهج، الناشر : دار الفكر المعاصر - دمشق، الطبعة : الثانية ، ١٤١٨ هـ.
١٠. الزرقانى، عبد العظيم، مناهل العرفان فى علوم القرآن ، طبع اول، سال ١٩٩٦ هـ ، تحقيق: مكتب بحوث و الدراسات. ناشر: دار الفكر، بيروت.
١١. اسماعيل، محمد بكر اسماعيل (متوفى ١٤٢٦ هـ)، درسات فى علوم القرآن، الناشر: دار المنار، طبع دوم سال ١٤١٩ هـ - ١٩٩٩ م.

١٢. الألمعي، دكتور زاهر بن عواض، درسات في التفسير الموضوعي للقرآن الكريم، طبعة دوم سال ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠١ م.
١٣. الألوسي، شهاب الدين محمود بن عبد الله الحسيني (المتوفى: ١٢٧٠ هـ)، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، المحقق: علي عبد الباري عطية، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٥ هـ .
١٤. البازي، أنور البازي، تفسير تربيتي قرآن كريم، ناشر: نشر احسان، چاپ: اول - ١٣٩٥ .
١٥. البغوي، محيي السنة ، أبو محمد الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء البغوي الشافعي (المتوفى : ٥١٠ هـ-)، معالم التنزيل في تفسير القرآن = تفسير البغوي، المحقق : عبد الرزاق المهدي، الناشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة : الأولى ، ١٤٢٠ هـ.
١٦. الطيار، احمد بن ناصر، كتاب حياه السلف بين القول والعمل ، طبع اول سال ١٤٣٣ .
١٧. الصابوني، محمد علي (اختصار وتحقيق)، مختصر تفسير ابن كثير، الناشر: دار القرآن الكريم، بيروت - لبنان، الطبعة: السابعة، ١٤٠٢ هـ - ١٩٨١ م.
١٨. النيشارپوری، ابوالحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري، صحیح مسلم، الناشر: دارالجيل بيروت دارالافاق الجديد-بيروت.
١٩. بدخشانی، محمد اكرام الدين، ازهر البيان في تفسير كلام رحمان ، چاپ دوم، ناشر: مكتبة اسلامي لاهور، تاريخ ١٣٩٤ هـ.
٢٠. بخارى، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل، صحیح البخارى، ناشر: مكتبة حقانيه پشاور.
٢١. بغدادی، أبو عبید القاسم بن سلام بن عبد الله الهروي (المتوفى: ٢٢٤ هـ-)، فضائل القرآن للقاسم بن سلام، تحقيق: مروان العطية، ومحسن خرابه، ووفاء تقي الدين، ناشر: دار ابن كثير (دمشق - بيروت)، طبع: أول، ١٤١٥ هـ - ١٩٩٥ م.
٢٢. بيضاوي، ناصر الدين أبو سعيد عبد الله بن عمر بن محمد الشيرازي (المتوفى: ٦٨٥ هـ-)، أنوار التنزيل وأسرار التأويل، محقق: محمد عبد الرحمن

- المرعشلي، ناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، طبع: الأولى - ١٤١٨ هـ.
٢٣. ترمذى، محمد بن عيسى أبو عيسى الترميذى السلمى، الجامع الصحيح سنن الترميذى، الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر، تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون.
٢٤. حميضى، ابراهيم بن صالح، المدخل الى تفسير موضوعى، ط (١٤٣٧) هـ، ناشر: مكتبة ملك فهد الوطنيه ودار ابن جوزى.
٢٥. جزائري، جابر بن موسى بن عبد القادر بن جابر أبو بكر، أيسر التفاسير لكلام العلى الكبير، ناشر: مكتبة العلوم والحكم، طبع: دوم، ١٤٠٧ هـ/١٩٨٧ م.
٢٦. حاكم، أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله، المستدرک على الصحيحين، محقق: مصطفى عبد القادر عطا، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، طبع: أول، ١٤١١ - ١٩٩٠.
٢٧. خازن، علاء الدين علي بن محمد بن إبراهيم، معروف به خازن (متوفى: ٧٤١ هـ)، تفسير خازن مسمى به لباب التأويل فى معانى التنزيل، محقق: تصحيح محمد علي شاهين، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى - ١٤١٥ هـ.
٢٨. خرمدل، مصطفى خرمدل، تفسير نور، ناشر: نشر احسان سال: ١٣٩٤ ش - ١٤٣٧ هـ.
٢٩. دغامين، زياد خليل الدغامين، التفسير الموضوعى ومنهجه البحث فيه، دار عمار، طبع اول سال ١٤٢٨ هـ - ٢٠٠٧ م.
٣٠. ديوبندى، علامه مفتى محمد شفيق عثمانى، ترجمه: حضرت مولانا محمد يوسف حسين پور، تفسير معارف القرآن، ناشر: شيخ الاسلام احمد جام، چاپ ٧ سال ١٣٩٤.
٣١. راضى، ياسر اسماعيل، البطاقات ١١٤ بطاقة تعريف بسور قرآن الكريم، الطبع الاول مدينه منوره ١٤٤١ هـ - ٢٠٢٠ م.
٣٢. رازي، أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي الرازي الملقب بفخر الدين الرازي، مفاتيح الغيب، <http://www.altafsir.com>

٣٣. رازى، زين الدين ابو عبدالله محمد بن أبى بكر بن عبد القادر الحنفى الرازى (ت ٦٦٦ هـ)، مختار الصحاح، محقق: يوسف شيخ محمد، ناشر: المكتبة العصرية - دار النموذجيه، بيروت - صيدا، طبع پنجم سال ١٤٢٠ هـ - ١٩٩٩ م.
٣٤. رستمى، أبى زكريا عبدالسلام، تفسير أحسن الكلام، مترجم: صادق بنت سيد عبدالأحد، ناشر: دار التفسير جامعه عربيه پشاور.
٣٥. زحيلي، دكتور وهبة بن مصطفى، التفسير المنير فى العقيدة والشريعة والمنهج، مترجم: سيد جمال الدين «هروى».
٣٦. زمخشري جار الله، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد (متوفى: ٥٣٨ هـ)، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل، ناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، طبع: سوم - ١٤٠٧ هـ.
٣٧. زركشى، بدر الدين محمد بن عبد الله (ت: ٧٩٤ هـ)، البرهان فى علوم القرآن، المحقق: محمد أبو الفضل إبراهيم، الطبعة: الأولى، ١٣٧٦ هـ - ١٩٥٧ م، دار احياء الكتب العربيه عيسى البابى الحلبي.
٣٨. زهرانى، احمد بن عبدالله، التفسير الموضوعى للقرآن الكريم ونماذج منه، الناشر: الجامعة الاسلاميه بالمدينة المنوره ١٤١٣ هجرى.
٣٩. سعيد، عبد الستار فتح الله، المدخل الى التفسير الموضوعى، ناشر: دار التوضيح و النشر الاسلاميه - قاهره - مصر، سال ١٤١١ هـ - ١٩٩١ م.
٤٠. سيوطى، عبد الرحمن بن ابى بكر جلال الدين، (متوفى ٩١١ هـ)، معتك الأقران فى اعجاز القرآن، ناشر: دار الكتب العلميه - بيروت - لبنان، طبع: اول ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م.
٤١. سيوطى، جلال الدين، الإتقان فى علوم القرآن، موقع الوراق، <http://www.alwarrag.co>
٤٢. سپرى، فريدون، نور الكلام، نشر احسان، چاپ اول - ١٣٩٨.
٤٣. سيوطى، جلال الدين، اسباب نزول آيات قرآن كريم، تحقيق: عبد الرزاق المهدي، مترجم: عبد الكريم ارشد فاريابى، ناشر: انتشارات خيرى، چاپ: چهارم سال ١٣٨٨ هـ ق.

٤٤. سعدى، عبد الرحمن بن ناصر، تفسير راستين ترجمه تيسير الكريم الرحيم، ترجمه: محمد گل گمشاد زهى، كتاب خانه عقیده.
٤٥. شنيطى، شيخ محمد الأمين بن محمد المختار، أضواء البيان فى إيضاح القرآن بالقرآن، محقق: محمد بن عبدالعزيز الخالدي، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت لبنان، طبع سوم سال ٢٠٠٦م.
٤٦. شاربي، سيد قطب ابراهيم حسين (متوفا: ١٣٨٥هـ) فى ظلال القرآن، ناشر: دار الشروق - بيروت - قاهره، طب: ١٧-سال ١٢١٤هـ
٤٧. صابونى، محمد على الصابونى، صفوة التفاسير، ترجمه فارسى، مترجم: محمد طاهر حسيني، ناشر: موسسه انتشارات ايمان.
٤٨. طاهرى، محمد طيب، الياقوت والمرجان فى خلاصة من الفرقان، ناشر: مكتبة اليمان، طبع سال ٢٠٠٩م.
٤٩. طويل، احمد بن احمد بن محمد عبدالله، محتويات سور القرآن الكريم، رياض، طبع اول سال ١٤٣٤هـ ٢٠١٣م.
٥٠. عبد الرحيم، عبد الخليل، التفسير الموضوعى بين كفتى الميزان، رسالة جامعية بجامعة الأردن، سال ١٩٩٢.
٥١. عثيمين محمد بن صالح، تفسير سوره زمر، ط ١- ١٤٣٦- موسسه محمد بن صالح العثيمين الخريه.
٥٢. على، مولانا حسين، جواهر القرآن، مترجم: مولوى عبد الرحمن صالحانى، ناشر: انتشارات امام محمد غزالى، چاپ اول سال ١٤٠٠ هـ ش.
٥٤. عيص، زيد عمر عبدالله، التفسير الموضوعى بين التاصيل والتمثيل، ناشر: دار الحديث، طبع دوم.
٥٥. فتح الله سعيد، عبد الستار، المدخل الى التفسير الموضوعى، ناشر: دار التوزيع والنشر الاسلاميه - سال ١٤١١هـ ١٩٩١م،
٥٦. فيروزآبادى، مجد الدين محمد بن يعقوب، القاموس المحيط، دار الحديث القاهره
٥٧. قرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين القرطبي (المتوفى: ٦٧١هـ-)، الجامع لأحكام القرآن = تفسير

- القرطبي**، تحقيق: أحمد البردوني وإبراهيم أطفيش، ناشر: دار الكتب المصرية
- القاهرة، الطبع: دوم - ١٣٨٤هـ - ١٩٦٤م.
٥٨. مسلم، مصطفى مسلم، مباحث في التفسير الموضوعي، ناشر: دار القلم،
الطبعة: الرابعة ١٤٢٦هـ - ٢٠٠٥م.
٥٩. مخلوف، حسنين محمد مخلوف، تفسير وبيان كلمات قرآن، مترجم: عبد
الكريم ارشد، چاپ اول سال: ١٣٩٤ش - ١٤٣٦هـ.
٦٠. مودودي، مولانا سيد ابو الاعلى، تفهيم القرآن، ناشر: نشر احسان، چاپ اول-
١٣٩٨.
٦١. مجمع اللغة العربية بالقاهرة، المعجم الوسيط، دار احياء التراث العربى،
بيروت.
٦٢. مخلص، عبدالرؤف، تفسير انوار القرآن، ناشر: انتشارات شيخ الاسلام احمد
جام. چاپ هفتم - ١٣٩٨.

Abstract

The central theme of the verses of Surah Al-Jathiyah is the establishment and consolidation of the Islamic belief and its three elements and pillars. This surah explains and clarifies the basic principles of Islamic belief in seven sections.

In the first section, which consists of (٦) verses, the clarification and clarity of the Holy Qur'an, and the proof of the existence of the creator and the oneness of Allah, and six reasons for monotheism and its power are mentioned; each of these attributes is a reason for monotheism, and expresses the perfection of mercy and the knowledge and power of that essence are one and have no partners.

In the second section, a severe promise and threat is given to those who deny the signs of Allah and their punishment, and then it is pointed out that their punishment is hell, and paganism and false gods do not bring them any benefit, and the Qur'an is the only book that guides and nurtures the soul and saves from going astray. In the third section, talked about the precious blessings that Allah gave to his servants, so that they would be grateful to him and think about the blessings that he has bestowed on them, and find out that the cause and source of these outward and inward blessings is only the nature of Allah. So there is no creator and provider except Allah.

In the verses of the fourth section of the Qur'an, it talks about the faithful leadership of humanity. This leadership is focused on the mission of Muhammadiyah. He points to the differences of the Israelites and states how after Allah gave them the book, government and prophecy, they differed about their book.

In the fifth section, he mentions the difference between the lives of the righteous and the wicked in this world and the hereafter, and he follows this statement by making a clear distinction between the state of those who commit

bad deeds, and the state of those who do good deeds and are believers. It is considered disrespectful for them to consider them equal and consider them the same.

In the sixth section, the present materialists and the denial of the Day of Judgment are mentioned, and the ignorant beliefs of the disbelievers about the hereafter are discussed. They used to say that life is only this worldly life and that's enough and there is no other life after this. We die because of the passage of days as if a clock stops moving. After death, there is no soul left to be taken and breathed into the owner's body again after a long time. If you have such a claim, revive our dead ancestors and bring them back to life. Then, Almighty Allah punished them by presenting the most decisive proof - which was an answer to their question.

In the seventh and last section of the verses of the Surah, the reward of the obedient believers and the punishment of the disobedient & disbelievers are stated, and the Surah mentions the just punishment of the Day of Resurrection, on which day humans will be divided into two sects: a group will be in heaven and a group will be sent to hell so it ends.

Key words: Ham, Al-Jathiyah, Surah Al-Jathiyah, thematic interpretation of Surah Al-Jathiyah.



Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master Program in Tafseer and Hadith

Islamic Emirate of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs

Thematic Interpretation of Surat al Jathiyah
A Master's thesis

Student: Karishma Naimi
Supervisor: Dr AbdulBari Hameedi

Year: 2023



Salam University
Faculty of Sharia and Law
Master Program in Tafseer and Hadith



Islamic Emirate of Afghanistan
Ministry of Higher Education
DM of Academic Affairs

Thematic Interpretation of Surat al Jathiyah
A Master's thesis

Student: Karishma Naimi
Supervisor: Dr.Abdulbari Hameedi

Year: 2023